

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

# عربی، زبان قرآن (۱)

رشته علوم و معارف اسلامی

راهنمای معلم

پایه دهم

دوره دوم متوسطه





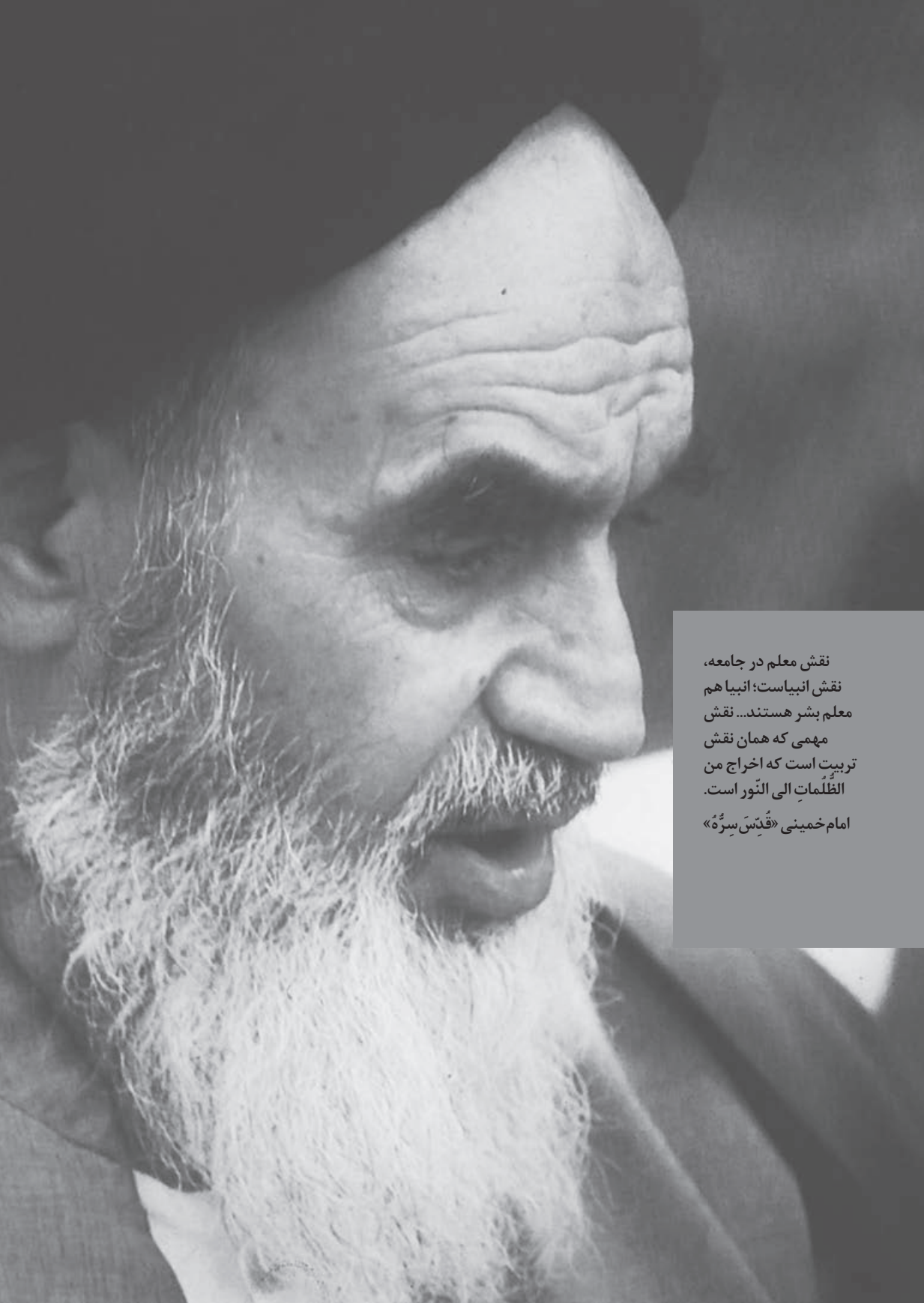
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: راهنمای معلم عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۹۰
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: فرزانه لبافی (مؤلف)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا) - فاطمه باقری‌مهر، آذر روستایی فیروزآباد، نرگس رحمانی‌پور، فاطمه پزشکی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹  
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۲

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۵۴۰-۰

ISBN: 978-964-05-3540-0



نقش معلم در جامعه،  
نقش انبیاست؛ انبیا هم  
معلم بشر هستند... نقش  
مهمی که همان نقش  
تربیت است که اخراج من  
الظلماتِ الى النور است.  
امام خمینی «فَدَسَّ سِرُّهُ»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

# فهرست

۲	مقدمه
۳	اهداف برنامه درسی عربی
۴	روش‌ها و منابع یاددهی - یادگیری
۴	طرح درس پیشنهادی
۶	بارم‌بندی امتحانات ترم اول
۷	نمونه سؤالات امتحانی
۱۰	راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ دی ماه ۹۷
۱۱	توضیحات مشترک در تدریس عربی، زبان قرآن، پایه دهم و چگونگی آموزش درس‌ها
۱۱	نکات ترجمه
۱۲	نکته لغت و واژه‌شناسی
۱۲	نکات تجزیه و ترکیب
۱۳	بودجه‌بندی پیشنهادی ترم اول
۱۷	درس اول
۱۷	آن همان خداست
۱۸	تدریس قواعد
۲۰	گفتگو (آشنایی با یکدیگر)
۲۱	انواع کلمه
۲۱	ویژگی فعل
۲۱	ویژگی‌های اسم
۲۲	ویژگی حرف
۲۲	جنس و عدد اسم
۲۲	اسم از نظر جنس
۲۵	تعداد اسم
۲۷	تمارین

۳۰	درس دوم
۳۰	پندهای عددی از رسول خدا (ص)
۳۱	قواعد درس دوم
۳۳	قواعد اعداد
۳۳	رابطه عدد و معدود در اعداد اصلی
۳۳	اعداد مفرد
۳۴	اعداد مرکب
۳۴	اعداد معطوف
۳۵	ساعت
۳۵	محاسبات ریاضی
۳۶	اسم فعل
۳۷	گفتگو (در قطار)
۳۷	تمارین
۳۹	بحث علمی

۴۰	درس سوم
۴۰	باران ماهی
۴۱	قواعد درس سوم
۴۱	فعل ثلاثی مجرد و مزید (۱)
۴۱	باب استفعال
۴۲	باب افتعال
۴۲	باب انفعال
۴۲	باب تفعّل
۴۴	معنای باب استفعال
۴۵	معنای باب‌های افتعال، انفعال و تَفَعَّل

۴۶	فعل لازم و فعل متعدی .....
۴۷	تعدی به بیش از یک مفعول .....
۴۸	گفتگو (در بخش گذرنامه‌ها).....
۴۹	تمارین .....
۵۱	جستجوی علمی .....
۵۲	درس چهارم .....
۵۲	همزیستی مسالمت آمیز.....
۵۳	بدانید : فعل ثلاثی مزید (۲) .....
۵۳	باب تفعیل .....
۵۴	باب مفاعلة .....
۵۴	باب تفاعل .....
۵۵	معانی ابواب .....
۵۶	معنای مشهور باب مفاعلة و تفاعل .....
۵۹	گفتگو (حوار) .....
۵۹	در سالن بازرسی در گمرک‌ها .....
۶۰	تمارین .....
۶۳	درس پنجم .....
۶۳	این، آفرینش خداوند است .....
۶۴	اهداف آموزشی قابل مشاهده در متن .....
۶۵	قواعد درس .....
۶۵	انواع جمله .....
۶۶	ارکان جمله فعلیه .....
۶۷	ارکان جمله اسمیه .....
۶۹	گفتگو (همراه با راننده تاکسی) .....

تمارین ..... ۶۹  
جستجوی علمی ..... ۷۱

درس ششم ..... ۷۲  
آثار جدّاب ..... ۷۲  
بدانید (اعراب و بنا) ..... ۷۳  
حرکات معرب ..... ۷۵  
اعراب صفت و مضاف الیه ..... ۷۹  
گفتگو (در داروخانه) ..... ۸۰  
تمارین ..... ۸۱  
بودجه‌بندی پیشنهادی ترم دوم ..... ۸۴  
شروع ترم دوم ..... ۸۸

درس هفتم ..... ۸۹  
لیلة المبيت (شب بیتوته) ..... ۸۹  
بدانید (فعل مجهول) ..... ۹۰  
ساختار مجهول در زبان عربی ..... ۹۰  
ساختار ماضی مجهول ..... ۹۰  
ساختار مضارع مجهول ..... ۹۰  
گفتگو (همراه با مسئول پذیرش) ..... ۹۴  
تمارین ..... ۹۵  
بحث علمی ..... ۹۶

درس هشتم ..... ۹۷  
ای آن که شگفتی‌هایش در دریاهاست ..... ۹۷  
بدانید (جار و مجرور) ..... ۹۸



۹۸.....	مهم ترین معانی حروف جرّ
۹۹.....	حرف «مِن»
۹۹.....	حرف «فِي»
۱۰۰.....	حرف «إِلَى»
۱۰۰.....	حرف «عَلَى»
۱۰۰.....	حرف «بِ»
۱۰۱.....	حرف «لِ»
۱۰۲.....	حرف «عَنْ»
۱۰۲.....	حرف «كَ»
۱۰۳.....	نون و قایه
۱۰۴.....	گفتگو (همراه با مدیر خدمات داخلی هتل)
۱۰۴.....	تمارین
۱۰۷.....	بحث علمی
۱۰۸.....	درس نهم
۱۰۸.....	آرایه تلمیح در ادبیات فارسی
۱۰۹.....	بدانید (مشتقات)
۱۱۰.....	اسم فاعل
۱۱۰.....	اسم مفعول
۱۱۰.....	نکات اسم فاعل و اسم مفعول
۱۱۱.....	اسم مبالغه
۱۱۱.....	صفت مشبّهة
۱۱۲.....	گفتگو (خریدن سیم کارت تلفن همراه)
۱۱۳.....	تمارین

۱۱۶	درس دهم
۱۱۶	وازاب، هر چیز زنده‌ای را قرار دادیم.
۱۱۷	بدانید (مشتقات)
۱۱۷	اسم تفضیل
۱۱۸	اسم زمان و اسم مکان
۱۱۹	اسم آلت
۱۲۰	گفتگو (همراه پزشک)
۱۲۱	تمارین
۱۲۳	بحث علمی
۱۲۴	درس یازدهم
۱۲۴	به سه کس رحم کنید!
۱۲۵	بدانید (نواسخ: حروف مشبهه بالفعل)
۱۲۸	نکات
۱۲۹	لا نفی جنس
۱۳۱	گفتگو (در بازار)
۱۳۲	تمارین
۱۳۴	درس دوازدهم
۱۳۴	در محضر معلم
۱۳۵	خوب است بدانیم
۱۳۶	بدانید (معرفه نکره)
۱۳۸	فن ترجمه
۱۳۹	گفتگو (در ورزشگاه)
۱۴۰	تمارین
۱۴۳	نمونه سؤالات امتحانی



سیستم آموزشی کشور در راستای پرورش استعداد‌های فرزندان این سرزمین با تشکیل گروه‌های متخصص، کتاب‌های درسی را طراحی کرده است. دبیران عزیز لازم است در هر درسی اولاً از اهداف آن ماده درسی آگاه باشند، ثانیاً با افزایش اطلاعات علمی و مهارت افزایی در زمینه فنون معلمی و تکنولوژی آموزشی، سطح خود را ارتقا دهند تا در انجام هر چه بهتر رسالت معلمی توفیق یابند و بتوانند در رشد و پیشرفت فراگیران، نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

خداوند در همه افراد بشر استعدادها و توانمندی‌هایی قرار داده است اما این، لزوماً بدان معنا نیست که همه افراد دارای استعداد‌های یکسان هستند، به عبارتی هر دانش‌آموز ممکن است در بعدی از ابعاد هوش، توانمند باشد؛ یکی دارای هوش بصری است یکی سمعی یکی جنبشی - حرکتی و ... . خوب است معلم در فرایند آموزش، تلاش کند دانش‌آموزان را با هوش‌های مختلف در نظر بگیرد و روش تدریس خود را به صورت یکنواخت قرار ندهد چرا که باعث می‌شود یک عده خوب یاد بگیرند و عده‌ای دیگر دچار ضعف باشند.

درس عربی یکی از دروس بسیار مهم است که اگر روش‌های مفید و جذاب در آموزش آن بکار نرود، باعث دلزدگی و عدم اشتیاق دانش‌آموزان می‌شود. از سویی این درس در رشته علوم و معارف اسلامی یکی از دروس تخصصی است لذا نیازمند اطلاعات دقیق‌تر شما دبیران عزیز می‌باشد.

در این کتاب، سعی بر این است که یک الگوی پیشنهادی و کلی ارائه شود تا از سویی با در دست داشتن ترجمه‌ها و تمارین، اختلافات میان دیدگاه دبیران به حداقل برسد و یک وحدت رویه ایجاد شود. از سوی دیگر بتوانید با بهره بردن از نکات کتاب، طرح درس و برنامه‌ریزی مناسبی برای کلاس‌هایتان داشته باشید تا بتوانید به رشد علم در دانش‌آموزان کمک کنید.

پیشنهاد می‌کنیم حتماً پیش از برنامه‌ریزی‌هایتان «سخنی با معلم» که ابتدای کتاب درسی آمده است را مطالعه فرمایید و از نکاتش استفاده نمایید. در آنجا متذکر شده است که :

«شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموزان رشته علوم و معارف اسلامی پایه دهم بتوانند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده عربی را درست بخوانند و معنای آنها را بفهمند و درست ترجمه کنند. در این کتاب، حدود ۸۵ واژه عربی هفتم، هشتم و نهم نیز تکرار شده است. در واقع هدف این کتاب، آموزش حدود ۱۴۰ واژه پرسامد زبان عربی است...»

## اهداف برنامه درسی عربی

هر انسانی برای رشد و تعالی معنوی لازم است هرچه بیشتر، ارتباطش را با حضرت حق مستحکم گرداند. تعالی انسان در گرو ارتباط با خداوند است. از آنجا که زبان دین ما عربی است و خداوند با این زبان با بشر به گفتگو پرداخته است، آشنایی با آن می‌تواند راه رشد را برای ما هموار کند.

مهم‌ترین هدف در کسب هر علمی، نزدیکی انسان به پروردگار جهانیان است. در درس عربی نیز مهم‌ترین هدف ما این است که دانش‌آموز با یادگیری‌اش، به‌طور ویژه زبان قرآن، نماز، ادعیه، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را بفهمد و در راستای اعتلای روحی خود و رسیدن به حیات طیبه از آن بهره‌گیرد.

طبعاً در سطح دبیرستان نمی‌توانیم تمام ظرافت‌های زبان عربی را آموزش دهیم ولی می‌توانیم تا حدودی کمک کنیم که دانش‌آموز، عبارات کوتاه و ساده را درک کند. او می‌تواند در صورت علاقه‌مندی، در دوره دانشگاه با انتخاب رشته ادبیات عرب به دنبال کسب مهارت‌های زبانی بیشتر در این رشته بپردازد اما لازم است ما زمینه‌ها و پیش‌نیازها را فراهم کنیم؛ البته در بسیاری از دروس دانشگاهی که مورد علاقه دانش‌آموزان رشته معارف است، زبان عربی در حکم پایه و درس اختصاصی می‌باشد؛ پس لازم است با آموزشی شایسته، زمینه‌های موفقیت این عزیزان در دیگر سطوح علمی را هموار گردانیم. در پایان آموزش کتاب دهم انتظار می‌رود دانش‌آموز علاوه بر فهم عبارات کوتاه و متوسط، بتواند درست بخواند و ترجمه مطلوبی ارائه دهد.

لازم است دانش‌آموز در پایان این کتاب، مطالب صرفی و نحوی مدنظر را خوب یاد گرفته باشد؛ به‌طور مثال در بخش صرف، اسم را از جهت جنس، تعداد، تعریف و تنکیر، جامد و مشتق، معرب و مبنی بشناسد. فعل را نیز از جهت زمان، صیغه، ثلاثی مجرد و مزید، باب (در صورت مزید بودن)، لازم و متعدی، معلوم و مجهول، معرب و مبنی و اعراب فعل بشناسد.

در بخش نحو شناخت جمله از نظر اسمیه و فعلیه بودن بسیار حائز اهمیت است و در ذیل آن باید این نقش‌ها را در جمله پیدا کند:

«مبتدا، خبر، اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل و لانی جنس، فعل، فاعل، نایب فاعل، مفعول به اول و دوم، جار و مجرور، مضاف الیه و نعت»

## روش‌ها و منابع یاددهی – یادگیری

آموزش زبان عربی نیازمند ظرافت‌های خاص معلمی است. یک معلم با استفاده از ابزارهای مختلف آموزشی می‌تواند همه دانش‌آموزان را با هوش‌های چندگانه جذب کند و آموزش مطلوبی به آنها دهد. از سویی لازم است سطح علمی و فنی خود را نیز ارتقا دهد.

در پیش گرفتن روش مناسب مستلزم شناخت پیدا کردن از جمع دانش‌آموزان کلاس است. سعی کنید از همان جلسه اول از دانش‌آموزان بخواهید خودشان را به زبان عربی معرفی کنند و هرچقدر که می‌توانند از علاقه‌مندی‌های خود سخن بگویند. لازم نیست تمام جمله‌بندی آنها بدون خطا و کامل باشد بلکه همین تلاش، ارزشمند است ضمن اینکه میزان استعداد و توانمندی دانش‌آموزان را به شما نشان می‌دهد.

از سویی با در دست داشتن طرح درس مناسب و بودجه‌بندی خوب، روش‌های شایسته‌ای را اتخاذ کنید. قرار نیست که روش‌های ما صرفاً در خدمت انتقال دانش باشد بلکه باید به تولید علم از سوی دانش‌آموز و خلاق شدن او یاری رساند. بهترین روش‌ها، آنهایی هستند که از راه تعامل معلم و دانش‌آموز و به صورت دوطرفه انجام می‌شوند و باید به نحوی چیش شوند که آموزش فعال، پرورش مهارت‌های زبانی و افزایش مهارت درک مطلب محقق گردد.

در نظر داشته باشید که از اسفند ماه ۱۳۹۸ کشورمان درگیر ویروس کرونا شده است و به دنبال آن سیستم آموزشی کشور متأثر شده و لاجرم به آموزش مجازی روی آورده است. در تدریس هایمان باید این مسئله را مدنظر قرار دهیم که بسیاری از دانش‌آموزان نتوانسته‌اند از آموزش مجازی بهره کافی ببرند و در مباحث، دچار مشکل هستند لذا باید با طمأنینه و صبر بیشتری کار کرد. بحمدالله طی این سال‌ها فعالیت‌های خوبی در عرصه آموزش مجازی انجام شده است که می‌توان از آنها به‌خوبی بهره برد.

معلمین گرامی! لازم است خود را از نظر تکنولوژی‌های آموزشی به‌روز کنیم و بدانیم از چه روش‌ها و کارهایی می‌توان برای هرچه بهتر ارائه کردن کلاس استفاده کرد؛ چراکه شغل شریف معلمی، آمیخته با دلسوزی‌های بجا برای آموزش خوب و مفید می‌باشد.

## طرح درس پیشنهادی

لازم است دبیر برای هر درسی یک طرح داشته باشد؛ زیرا باعث انسجام، نظم، هدفمندی و نتیجتاً ساماندهی روش تدریس خوب و بهینه می‌شود. داشتن روش تدریس مناسب، منجر به ثمردهی و یادگیری بهتر فراگیران می‌شود. البته بسیاری از دبیران باتجربه، طرح درسشان را در ذهن خود دارند اما به هرحال

نوشتن آن، باعث نظم بهتر در کار می‌شود. در اینجا به عنوان نمونه طرح درسی پیشنهادی ارائه می‌کنیم، گرچه شما می‌توانید با خلاقیت خود، طرحی بهتر و سودمندتر ارائه نمایید.

نام مدرسه :		تاریخ :	نام دبیر :	
مدت : ۳ جلسه	صفحات : ۱۲ - ۱	موضوع : صرف فعل و شناخت صیغه / انواع کلمه/جنس و تعداد اسم	درس : اول	
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- انواع کلمه</li> <li>- صرف فعل</li> <li>- جنس اسم</li> <li>- تعداد اسم</li> </ul>	رئوس مطالب	۱
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- آشنایی با کلمات جدید درس اول و مرور کلمات دوره اول متوسطه</li> <li>- شناخت انواع کلمه</li> <li>- آشنایی با صرف فعل سنتی (۱۴ صیغه‌ای) و صیغه افعال</li> <li>- مرور و آشنایی بیشتر با جنس اسم</li> <li>- مرور مبحث تعداد اسم</li> </ul>	اهداف کلی	۲
		<ul style="list-style-type: none"> <li>دانش آموز در پایان این درس باید بتواند :</li> <li>- واژه‌های جدید را از عربی به فارسی ترجمه کند.</li> <li>- متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه نماید.</li> <li>- چهارده صیغه فعل عربی را بشناسد و صرف کند.</li> <li>- انواع کلمه را بشناسد.</li> <li>- جنس و تعداد اسم را به دقت شناسایی نماید.</li> </ul>	هدف‌های رفتاری	۳
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- دانش آموز باید با کلمات دوره اول متوسطه آشنا باشد.</li> <li>- دانش آموز باید صیغه فعل‌های ماضی، مضارع و امر را با شیوه بومی‌سازی شده نوین بشناسد.</li> <li>- دانش آموز با مفهوم جنس و تعداد اسم آشنا باشد.</li> </ul>	رفتار ورودی	۴
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- متن درس را بخواند، بفهمد و ترجمه کند.</li> <li>- فعل را در چهارده صیغه به ترتیب صرف کند.</li> <li>- نوع کلمه را تشخیص دهد.</li> <li>- جنس و تعداد اسم را متوجه شود.</li> </ul>	ارزشیابی تشخیصی	۵
نتیجه ارزشیابی : دانش‌آموزان در صورت پاسخگویی، آماده مطالب جدید هستند.				

## بارم بندی امتحانات ترم اول

بارم	موضوع	مهارت‌های زبانی
۲	<p>– نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود)</p> <p>– مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)</p> <p>– تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)</p> <p>– نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)</p>	الف) مهارت واژه‌شناسی
۵/۵	<p>– ترجمه جمله‌های عربی به فارسی</p> <p>– انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)</p> <p>– تکمیل ترجمه ناقص</p>	ب) مهارت ترجمه به فارسی
۱۰	<p>– ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، مستقبل و نیز مصدر در جمله</p> <p>– تشخیص نوع کلمه (اسم، فعل، حرف)</p> <p>– تشخیص اسم فعل و ترجمه آن</p> <p>– تشخیص فعل لازم و متعدی یا فعل دو مفعولی</p> <p>– تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله یا تشخیص نوع فعل یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع در میان چند کلمه و ذکر صیغه فعل در حد ۲۵/۰ نمره</p> <p>– کاربرد عددهای اصلی و ترتیبی</p> <p>– ساعت خوانی</p> <p>– المحل الإعرابی و علامة الإعراب:</p> <p>تشخیص مبتدا، خبر، فاعل، مفعول به، مضاف الیه، صفت و ذکر اعراب آنها</p> <p>– تشخیص معرب و مبنی و نوع بناء</p> <p>– تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن و در قالب سؤال چند گزینه‌ای یا شناخت آنها</p>	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد
۱/۵	<p>– سؤال جور کردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (دو مورد) یا ارائه سه کلمه که یکی اضافی است و دو جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب کامل شود.</p> <p>یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)</p> <p>– درک مطلب (ارائه متن و طرّاحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده)</p> <p>یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا براساس متن ارائه شده در برگه امتحانی</p>	د) مهارت درک و فهم
۱	<p>– پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی</p> <p>– طرح سؤال از حواریات (مانند جمله‌سازی با کلمه‌های پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب) پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای، پاسخ دادن با توجه به تصویر و ...</p>	ه) مهارت مکالمه



## نمونه سؤالات امتحانی

 <p>آموزش متوسطه مدرسه عالی شهید مطهری<sup>۱</sup></p>	به نام خداوند بخشنده مهربان		
	امتحانات هماهنگ نوبت اول دبیرستان های علوم و معارف اسلامی شهید مطهری (ره)		
	نام درس : عربی	سال تحصیلی : ۹۸ - ۹۷	دبیرستان :
	مدت امتحان : ۷۱ دقیقه	تاریخ امتحان : ۹۷/۱۰/۱۵	پایه : دهم

بارم	تعداد سؤالات : ۱۰	نوع
۴/۵	ترجم الجمل التالية : (أ) لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم و صومهم و كثرة الحج . (ب) عَلَيْكُمْ بِالصبر فَإِنَّ الصبرَ مِنَ الإيمانِ كَالرأسِ مِنَ الجسدِ . (ج) يحدثُ إعصاراً شديداً و يسحبُ الأسماكُ إلى السماء بقوة . (د) البلادُ الإسلاميةُ مجموعةٌ مِنَ الشعوبِ التي تختلفُ في لغاتها و ألوانها . (هـ) لا أملكُ لنفسي نفعاً و لا ضرراً إلا ما شاء الله (و) مدينة كرمان مشهورةٌ بإنتاجِ الفستقِ و السجّادِ	۱
۱	ترجم الكلمة التي تحتها خط : (أ) إحصاءُ الكتبِ في المكتبةِ أمرٌ صعبٌ (ب) كأنّه ولى حميمٌ (ج) جئت هنا للتعرفِ على إيرانَ (د) قد أُنشدَ الشاعرُ هذه القصيدة	۲
۱	عَيِّن المِرادفِ و المِضادَّ : ينبوع = سِلْم ≠ مهرجان = المدح ≠	۳
۱	أكتب المفرد أو الجمع للكلمات : جُنود : ذَنب (دم) : ثَلج : شواطئ :	۴

<p>۲</p>	<p><b>انتخب الترجمة الصحيحة :</b>          أ) و زائهُ بِأَنجُم .          و آن را با ستارگانی آراست. <input type="checkbox"/>          و زینتش با ستارگان است. <input type="checkbox"/>          ب) ثمانین فی المئة من موجوداتِ العالمِ حشراتٌ.          هشتصد نوع از موجودات در جهان، حشرات هستند. <input type="checkbox"/>          هشتاد درصد موجودات در دنیا حشرات هستند. <input type="checkbox"/>          ج) ما قَسَمَ اللهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ .          خدا، چیزی بهتر از عقل برای بندگان قسمت نکرد. <input type="checkbox"/>          خداوند، برای بندگان به چیزی بهتر از عقل قسم یاد نکرد. <input type="checkbox"/>          د) وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ .          وعده خدا به کسانی است که ایمان آوردند و کارهای صالح انجام دادند بهشت‌هایی است. <input type="checkbox"/>          خداوند به کسانی که ایمان آوردند و کارهای صالح انجام دادند باغ‌هایی را وعده داد. <input type="checkbox"/></p>	<p>۵</p>																														
<p>۱/۵</p>	<p><b>كَمَلِ الفراغات في الترجمة الفارسية :</b>          هذه الأضواءُ تبعثُ من نوع من البكتيريا المُضيئةِ .          این ..... از نوعی باکتری نورانی .....          و لا تُسبِّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ . و به کسانی که ..... دشنام ندهید .          فيها صناعاتٌ يدويَّةٌ تجذبُ السَّائِحِينَ . در آن ..... وجود دارد که ..... را          جذب می‌کند .</p>	<p>۶</p>																														
<p>۱/۵</p>	<p><b>عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ :</b></p> <table border="0"> <tr> <td>ظلمة</td> <td>ظلماء</td> <td>ظَلَمَ</td> <td>ظَلَام</td> <td>(في المعنى)</td> </tr> <tr> <td>أَتَى</td> <td>جَعَلَ</td> <td>أَعْطَى</td> <td>آتَى</td> <td>(في اللازم و المتعدى)</td> </tr> <tr> <td>تَرَفَّعَ</td> <td>فَرَّعَ</td> <td>ارْتَفَعَ</td> <td>رَفَعَ</td> <td>(في المجرد و المزيد)</td> </tr> <tr> <td>التاسع عشر</td> <td>العشرون</td> <td>العاشِر</td> <td>الاول</td> <td>(في نوع العدد)</td> </tr> <tr> <td>حقيبة</td> <td>طالبة</td> <td>نافذة</td> <td>شجرة</td> <td>(في نوع التأنيث)</td> </tr> <tr> <td>الْكُتَاب</td> <td>الكاتبين</td> <td>الكاتبين</td> <td>الكاتبون</td> <td>في الإعراب (مرفوع، منصوب، مجرور)</td> </tr> </table>	ظلمة	ظلماء	ظَلَمَ	ظَلَام	(في المعنى)	أَتَى	جَعَلَ	أَعْطَى	آتَى	(في اللازم و المتعدى)	تَرَفَّعَ	فَرَّعَ	ارْتَفَعَ	رَفَعَ	(في المجرد و المزيد)	التاسع عشر	العشرون	العاشِر	الاول	(في نوع العدد)	حقيبة	طالبة	نافذة	شجرة	(في نوع التأنيث)	الْكُتَاب	الكاتبين	الكاتبين	الكاتبون	في الإعراب (مرفوع، منصوب، مجرور)	<p>۷</p>
ظلمة	ظلماء	ظَلَمَ	ظَلَام	(في المعنى)																												
أَتَى	جَعَلَ	أَعْطَى	آتَى	(في اللازم و المتعدى)																												
تَرَفَّعَ	فَرَّعَ	ارْتَفَعَ	رَفَعَ	(في المجرد و المزيد)																												
التاسع عشر	العشرون	العاشِر	الاول	(في نوع العدد)																												
حقيبة	طالبة	نافذة	شجرة	(في نوع التأنيث)																												
الْكُتَاب	الكاتبين	الكاتبين	الكاتبون	في الإعراب (مرفوع، منصوب، مجرور)																												

٢	<p>ضع في الفراغ كلمة مناسبة :</p> <p>(أ) انتخبْتُ درَاجَةَ ..... (أحمر - خضراء)</p> <p>(ب) قرأت هاتين ..... الكتابين - المجلَّتين - المجلَّتان)</p> <p>(ج) رأيت في الصحراء ..... الصيَّادون - البساتينُ - البساتينَ)</p> <p>(د) يلعبُ ..... في المدرسة (تلميذٌ واحدٌ - واحداً تلميذاً - اثنان تلميذان)</p> <p>(هـ) اجتمع الناس حول المصدوم و ..... هم الشرطيُّ. (فَرَّقُوا - تَفَرَّقُوا)</p> <p>(و) الصَّينُ أوَّلُ دولة ..... العالم استُخدمت نقوداً ورقيةً. (على - ل - من - في)</p> <p>(ز) ..... الطلَّابُ تمارينهم (يكتبون - يكتبن - تكتب - يكتبُ)</p> <p>(ح) لا تنَدِّم على فعلٍ ..... (الخير / الخيرُ / الخيرِ)</p>	٨																				
٢/٥	<p>أعرب الكلمات التي تحتها خطُّ : (عين محلّ الإعرابي)</p> <p>الصلوة مفتاح كل خير / اللون الأخضر لون الطبيعة / خير الناس من نفع الناس / جعل الله الكعبة البيت الحرام.</p>	٩																				
٣	<p>أكمل الجدول :</p> <table border="1" data-bbox="238 996 977 1479"> <thead> <tr> <th data-bbox="238 996 375 1117">ترجمه باب</th> <th data-bbox="375 996 524 1117">باب (مصدر)</th> <th data-bbox="524 996 674 1117">امر</th> <th data-bbox="674 996 823 1117">مضارع</th> <th data-bbox="823 996 977 1117">ماضى</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td data-bbox="238 1117 375 1239"></td> <td data-bbox="375 1117 524 1239"></td> <td data-bbox="524 1117 674 1239"></td> <td data-bbox="674 1117 823 1239"></td> <td data-bbox="823 1117 977 1239">تَأَدَّبَ</td> </tr> <tr> <td data-bbox="238 1239 375 1361"></td> <td data-bbox="375 1239 524 1361"></td> <td data-bbox="524 1239 674 1361">إتَّبِعُوا</td> <td data-bbox="674 1239 823 1361"></td> <td data-bbox="823 1239 977 1361"></td> </tr> <tr> <td data-bbox="238 1361 375 1482"></td> <td data-bbox="375 1361 524 1482"></td> <td data-bbox="524 1361 674 1482"></td> <td data-bbox="674 1361 823 1482">تَسَمَّعِينَ</td> <td data-bbox="823 1361 977 1482"></td> </tr> </tbody> </table>	ترجمه باب	باب (مصدر)	امر	مضارع	ماضى					تَأَدَّبَ			إتَّبِعُوا						تَسَمَّعِينَ		١٠
ترجمه باب	باب (مصدر)	امر	مضارع	ماضى																		
				تَأَدَّبَ																		
		إتَّبِعُوا																				
			تَسَمَّعِينَ																			
و من الله التوفيق و عليه التكلان																						

## راهنمای تصحیح سؤالات امتحان هماهنگ دی ماه ۹۷

آموزش متوسطه مدرسه عالی شهید مطهری - عربی ۱ پایه دهم

ردیف	پاسخنامه	بارم
۱	ترجم الجمل التالية : (أ) به زیادی نماز و روزه و حشمان توجه نکنید. (ب) شما را (توصیه می کنم) به صبر زیرا صبر نسبت به ایمان به منزله سر برای بدن است. (ج) طوفانی شدید رخ می دهد و با قدرت ماهی ها را به آسمان می کشد. (د) کشورهای اسلامی مجموعه ای از مردمی هستند که در زبان ها و رنگ ها تفاوت دارند. (ه) من قدرت [جلب] سودی و [دفع] زبانی را از خود ندارم جز آنچه خدا خواهد. (و) شهر کرمان به تولید پسته و فرش مشهور است.	۴/۵
۲	ترجم الكلمة التي تحتها خط : (أ) (شمارش) (ب) (صمیمی) (ج) (شناختن) (د) (سروده است)	۱
۳	عین المرادف و المضاد : عین / حفلة / حرب / ذم	۱
۴	اكتب المفرد أو الجمع للكلمات : جندی / ثلوج / أذنان / شاطئ	۱
۵	انتخب الترجمة الصحيحة : (أ) و آن را با ستارگانی آراست . (ب) هشتاد درصد موجودات در دنیا حشرات هستند. (ج) خدا، چیزی بهتر از عقل برای بندگان قسمت نکرد. (د) خداوند به کسانی که ایمان آوردند و کارهای صالح انجام دادند باغ هایی را وعده داد.	۲
۶	كَمِّلِ الفراغات في الترجمة الفارسيّة : نورها / فرستاده می شود / غیر از خدا را / می خوانند . / صنایع دستی / گردشگران	۱/۵
۷	عين الكلمة الغريبة : (في المعنى) ظَمَّ / (في اللّازم و المتعدّي) أتى (في المجرد و المزيد) رفع / (في نوع العدد) العشرون (في نوع التأنيت) طالبة / (في الإعراب) الكاتبون	۱/۵
۸	ضع في الفراغ كلمة مناسبة : خضراء / المجلتين / البساتين / تلميذٌ واحدٌ / فَرَّقُوا / في / يكتبُ / الخيرِ	۲

۲/۵	أعرب الكلمات التي تحتها خطاً : (عين محل الإعرابي) الصلوة: مبتدا و مرفوع / خير: مضاف اليه و مجرور / اللون: مبتدا و مرفوع لون: خير و مرفوع / خير: مبتدا و مرفوع / الناس: مضاف اليه و مرفوع الناس: مفعول به و منصوب / الله: فاعل و مرفوع / الكعبة: مفعول به اول و منصوب البيت: مفعول به دوم و منصوب					۹
۳	ترجمه باب	باب (مصدر)	امر	مضارع	ماضی	۱۰
	مؤذّب شدن	تأذّب	تأذّب	يتأذّب	تأذّب	
	بیداری/آگاهی	إتّباه	إتّبهوا	يتتبهون	إتّبهوا	
	گوش دادن	إستماع	إستمعی	تستمعین	إستمعت	

و من ... التوفيق و عليه التكلان

## توضیحات مشترک در تدریس عربی، زبان قرآن، پایه دهم و چگونگی آموزش درس‌ها

با توجه به اینکه یکی از اهداف در رشته معارف، آگاهی عمقی دانش‌آموزان از مسائل دینی و عقیدتی و به تبع آن، آشنایی با متون دینی است، لازم است دانش‌آموز بیش از دیگر رشته‌ها با زبان عربی مانوس باشد.

### نکات ترجمه

زبان عربی به دانش‌آموز کمک می‌کند تا به فهم بهتر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه دست یابد؛ لذا مهارت خواندن متن و درک مطلب برای ما مهم است پس توصیه می‌کنیم در زمینه ترجمه، از دانش‌آموز بخواهید خودش تلاش کند و متن را ترجمه کند و بفهمد. سپس از آنها ترجمه را بخواهید و اشکالاتشان را اصلاح کنید.

خوب است دانش‌آموز هنگام اشکال‌یابی معلم در ترجمه، غلط‌های خود را پاک نکند بلکه با رنگی دیگر، درستش را ذیل آن بنویسد؛ زیرا هنگام دوره کردن، با بررسی خطاهای خود - که احتمالاً تکرار می‌شوند - کم‌کم متوجه نکاتی که در آنها ضعف دارد، می‌شود و می‌تواند با تمرین و تکرار بیشتر روی همان مطالب، تمرکز، تسلط و دانش خود را بهبود بخشد. ضمناً با توجه به اینکه کتاب برای ترجمه متون، جای کافی

ندارد، پیشنهاد می‌شود از دانش‌آموزان بخواهید در کتاب برگه بچسبانند و ترجمه‌ها را در آنجا یادداشت کنند و نیز برای اصلاح غلط‌ها حتماً جای کافی بگذارند. در آخر می‌توانید در جلسه بعد، از دانش‌آموزان بخواهید که متن را بدون نگاه به نوشته‌های خود، با تسلط ترجمه کنند.

یکی از نکاتی که در ترجمه باعث مهارت‌افزایی دانش‌آموز می‌شود، این است که از دانش‌آموز بخواهید زمان فعل جمله را تغییر دهد؛ مثلاً اگر در متن، ماضی استمراری داریم، بتواند آن را تبدیل به ماضی بعید کند. البته از آنجا که این مسئله، از اهداف آموزشی کلاس نیست، یقیناً نباید برای این امر، نمره اصلی امتحانی و ارزشیابی رسمی قرار داده شود بلکه می‌توان برای خلاق کردن دانش‌آموز و بالا بردن سطح علمی او، این کار را به شکل بازی با افعال و فعالیت‌های دلخواه و امتیازی لحاظ کرد.

### نکته لغت و واژه‌شناسی

لغات جدید مربوط به متن درس‌ها بعد از هر کدام از آنها آمده است اما همه لغات تمارین یا برخی لغات متن درس ممکن است در حافظه دانش‌آموز نباشد. پیشنهاد می‌کنیم از دانش‌آموزان بخواهید لغاتی که برایشان ناآشناست، در هر صفحه شماره‌گذاری کنند و در حاشیه همان صفحه، معنای واژه را بنویسند. از آنها بخواهید که هرگز داخل متن، معنای لغت را ننویسند. این کار، کمک می‌کند دانش‌آموز لغت را در متن یاد بگیرد و با تکرار و تمرین به آنها مسلط شود.

### نکات تجزیه و ترکیب

با توجه به اینکه هر دانش‌آموزی که قدرت تجزیه و ترکیب داشته باشد، یقیناً سطح عربی او در حد مطلوبی است و از سویی انجام تجزیه و ترکیب از اهداف آموزشی پایه دهم نیست، خوب است هر مطلبی که دانش‌آموز یاد می‌گیرد، از او بخواهید در متن درس آن را بیابد و بررسی کند؛ یعنی گام به گام به تجزیه و ترکیب نزدیک شود تا اینکه نهایتاً در کتاب یازدهم با عنوان، آشنا شود و به دلیل تمرین مستمر، مهارت یابد؛ مثلاً وقتی جامد و مشتق تدریس شد، از دانش‌آموز بخواهید در متن چند درس، هرچه می‌تواند انواع مشتق را پیدا کند. یا اینکه دانش‌آموز، تا پایان درس هفتم، با موارد بسیاری درباره فعل آشنا می‌شود. شایسته است تعدادی از افعال را در دروس مشخص کنید و بخواهید هرچه در مورد آنها می‌داند بگوید؛ مثلاً فعل «بتهتت» را هدف قرار دهید و بخواهید که تلاش فکری کند و هرچه درباره آن می‌داند، بگوید. قاعدتاً دانش‌آموز تا پایان درس هفتم، باید بتواند این نکات را درباره فعل مذکور بگوید:

«فعل / ماضی / ثلاثی مزید / باب تفعیل / للمتکلم وحده / متعدی / معلوم / مبنی»

چنین تمرین و تکرارهایی هم باعث تثبیت مطلب می‌شود هم آنها را برای سال یازدهم آماده می‌کند.

## بودجه‌بندی پیشنهادی ترم اول

کتاب عربی دهم رشته معارف دارای دوازده درس می‌باشد. هر درس لازم است طی سه جلسه تدریس شود. یعنی با توجه به اینکه در هر ترم باید پنجاه درصد کتاب تدریس شود و بدون در نظر گرفتن جلسات امتحان و دوره، حداقل هجده جلسه برای اتمام بودجه‌بندی امتحان در هر ترم، لازم است. هر ماه تقریباً دارای چهار هفته و دو یا سه روز است و اگر در هر هفته دو جلسه کلاس برگزار شود به‌طور متوسط در هر ماه بین هشت تا ده جلسه کلاس خواهیم داشت. بر این اساس یک بودجه‌بندی و طرح پیشنهادی ارائه می‌کنیم:

ماه	هفته	جلسه	کلاس
مهر	اول	یک	<p>■ برنامه کلاس:</p> <p>در این جلسه ابتدا صرف فعل طبق آنچه در دوره اول متوسطه خوانده‌اند، دوره شود؛ سپس صرف چهارده صیغه به شیوه سنتی را با دانش‌آموز کار کنید، همراه با اشاره به ضمائر و زمان فعل</p> <p>■ تکلیف:</p> <p>برای جلسه بعد از دانش‌آموزان بخواهید کلماتی که معنای آنها را در متن درس یک نمی‌دانند، پیدا کنند و با شماره گذاری در حاشیه متن درس بنویسند و سعی کنند آنها را به خاطر بسپارند و متن را با تلاش خودشان ترجمه کنند و آماده ارائه باشند. همچنین برای حواری آماده باشند. شایسته است قواعد درس یک را پیش مطالعه نمایند.</p>
		دو	<p>■ برنامه کلاس:</p> <p>بخشی از زمان حتماً به پرسش ترجمه و رفع اشکال آن بپردازید و نیز حواری و صرف فعل را مورد سؤال قرار دهید. سپس مابقی قواعد درس یعنی انواع کلمه و نیز اسم به اعتبار جنس و عدد دوره و مطالب جدیدش تدریس شود. حتماً ضمن تدریس اختبرها را هم با کمک دانش‌آموز حل کنید.</p> <p>■ تکلیف:</p> <p>برای جلسه بعد حتماً همه تمرین انجام شود. کلماتی که در تمرین به لحاظ معنا ناآشنا هستند پیدا شوند و با شماره گذاری در کنار صفحه حاشیه‌نویسی شود. برای پرسش ترجمه و تمرین هم آماده باشند.</p>
مهر	دوم	سه	<p>■ برنامه کلاس:</p> <p>در این جلسه لازم است تمامی تمرین درس یک پرسش و رفع اشکال شود؛ سپس حتماً صرف فعل و ترجمه متن درس پرسیده و دوره شود. خوب است بر روی متن درس کار کنید و مثلاً از دانش‌آموز بخواهید صیغه افعال را پیدا کند و نیز درباره اسامی، جنس و تعدادشان را شناسایی کند.</p> <p>■ تکلیف:</p> <p>برای جلسه بعد حتماً در متن درس دوم، لغات ناآشنا را پیدا، شماره گذاری و حاشیه‌نویسی کرده سپس متن درس را ترجمه نماید. قواعد درس دوم را حتماً پیش مطالعه کند.</p>

<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>امروز ابتدا ترجمه متن درس دوم پرسیده و رفع اشکال شود. ضمن پرسش ترجمه از دانش‌آموز بخواهید صیغه برخی افعال و جنس و تعداد بعضی از اسامی را بگوید. (سعی کنید کلماتی هدفمند و حاوی مطلب مهم انتخاب کنید.) سپس قواعد اعداد و اسم فعل در حد کتاب، آموزش داده شود.</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>حل تمارین درس دو به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنا / حفظ حواری</p>	چهارم	دوم	
<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>ابتدا تمارین درس دوم پرسش و رفع اشکال شود، سپس به پرسش حواری و صرف فعل پردازید و در متن درس و تمارین، قواعد درس ۱ و ۲ را دوره کنید.</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>برای جلسه بعد هر دو درس اول و دوم را یک آزمون بگیرید.</p>	پنج		
<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>در این جلسه یک آزمون برگزار کنید شامل همه نوع سؤال اعم از تستی و تشریحی، درک مطلب، ترجمه و قواعد. بعد از آزمون سعی کنید همان آزمون را با کار گروهی رفع اشکال کنید. رفع اشکال از آزمون‌ها مهم‌تر از خود آزمون است.</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>برای جلسه بعد حتماً در متن درس سوم، لغات ناآشنا را پیدا، شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی کرده سپس متن درس را ترجمه نماید. قواعد لازم و متعدی را حتماً پیش مطالعه کند.</p>	شش	سوم	مهر
<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>ابتدا ترجمه متن درس سوم پرسش و رفع اشکال شود. با توجه به اینکه این درس، متن طولانی‌تری دارد، ممکن است فرصت نشود قواعد را کامل تدریس نمایید به همین خاطر پیشنهاد می‌کنیم فقط قواعد لازم و متعدی و فعل به بیش از یک مفعول تدریس شود.</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>پیش مطالعه قواعد درس سوم / حفظ حواری</p>	هفت	چهارم	
<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>در این جلسه ابتدا حواری را بپرسید سپس قواعد درس سوم را به طور کامل تدریس کنید. حتماً هنگام تدریس، إختبرها را با همراهی دانش‌آموزان پاسخ دهید.</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>حل تمامی تمارین درس سوم به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنا</p>	هشت		



آبان	اول	<p>■ <b>برنامه کلاس :</b></p> <p>پرسش و حل تمامی تمارین درس سوم/ از درس اول تا سوم از متن دروس و تمارین، افعال ثلاثی مزید را با باب‌های استفعال، افتعال، انفعال و تفعّل مشخص کنید و از دانش‌آموزان بخواهید به معنای باب در آن افعال توجه کنند.</p> <p>■ <b>تکلیف :</b></p> <p>ترجمه متن درس چهار به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه</p>
		<p>■ <b>برنامه کلاس :</b></p> <p>ترجمه متن درس چهار را پرسیده رفع اشکال نمایید. ضمن این کار از دانش‌آموز بخواهید فعل‌های متن درس را از جهت زمان، صیغه، ثلاثی مجرد و مزید، باب و لازم و متعدی بررسی کند.</p> <p>■ <b>تکلیف :</b></p> <p>پیش مطالعه قواعد درس چهارم + حفظ حوار</p>
	دوم	<p>■ <b>برنامه کلاس :</b></p> <p>ابتدا حوار پرسش شود سپس قواعد درس چهارم به صورت کامل تدریس شود و در متن دروس پیشین به دنبال افعال باب‌های افعال، تفعیل، مفاعله و تفاعل با دقت به معانی ابواب باشید.</p> <p>■ <b>تکلیف :</b></p> <p>حل تمامی تمارین درس چهار به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه</p>
		<p>■ <b>برنامه کلاس :</b></p> <p>تمارین درس چهارم به طور کامل پرسش و رفع اشکال شود. در میان تمارین، افعال را از جهت صیغه، مجرد و مزید، باب و لازم و متعدی مورد سؤال قرار دهید.</p> <p>■ <b>تکلیف :</b></p> <p>برای جلسه بعد، امتحان دروس سه و چهار را آماده باشید.</p>
	سوم	<p>■ <b>برنامه کلاس :</b></p> <p>برگزاری آزمون درس سه و چهار با همه انواع سؤالات و تمرکز بر روی باب‌های ثلاثی مزید. پس از امتحان حتماً آن را به صورت گروهی و مباحثه‌ای رفع اشکال کنید.</p> <p>■ <b>تکلیف :</b></p> <p>ترجمه متن درس پنجم به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه</p>
		<p>■ <b>برنامه کلاس :</b></p> <p>ترجمه متن درس پنج به طور کامل پرسیده و رفع اشکال شود سپس در متن درس به دنبال فعل‌های ثلاثی مزید، صیغه و معنای آنها باشید.</p> <p>■ <b>تکلیف :</b></p> <p>پیش مطالعه قواعد درس پنجم + حفظ حوار</p>

آبان	چهارم	پانزده	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>حوار پرسش شود سپس قواعد درس پنج به طور کامل تدریس شود همراه با انجام اختبرها با محوریت دانش آموز. سپس بر روی متن درس، جملات اسمیه و فعلیه را مشخص کنید که دانش آموزان ارکان اصلی آنها را بیابند.</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>حل تمامی تمارین درس پنج به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه</p>
		شانزده	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>حل تمارین درس پنجم به طور کامل + پیدا کردن افعال ثلاثی مزید در متن درس های قبل و همین طور مشخص کردن جملات اسمیه و فعلیه در متن درس های قبل</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>ترجمه متن درس ششم به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه</p>
آذر	اول	هفده	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>ترجمه کامل متن درس ششم پرسش و رفع اشکال شود سپس در متن درس، شناسایی جملات اسمیه و فعلیه را با ارکانشان از دانش آموزان بخواهید ضمن پرسش کلی از افعال مزید</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>پیش مطالعه قواعد درس ششم + حفظ حواری</p>
		هجده	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>پرسش حواری + تدریس کامل و دقیق قواعد درس ششم</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>حل تمارین درس ششم به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژگان</p>
		نوزده	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>پرسش و حل تمارین درس ششم و رفع اشکال.</p> <p>میزان تمارین نسبت به اهمیت مطلب، کم است. باید حتماً به متن درس مراجعه شود و نکات درس در آنجا شناسایی شود.</p> <p>■ تکلیف :</p> <p>مطالعه کامل دروس ۵ و ۶ برای امتحان</p>
	بیست	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>امتحان دروس پنجم و ششم با تمامی انواع سؤالات و سپس رفع اشکال گروهی امتحان</p>	

اکنون باید حداقل دو هفته و چهار جلسه تا امتحانات پایان ترم زمان داشته باشید. از آنجایی که برخی روزها تعطیل رسمی هستند یا بنا به دلایلی اعم از آلودگی هوا و... تعطیل می شوند، باید چند جلسه ای را برای احتیاط خالی بگذاریم اما یقیناً در این جلسات، زمان برای دوره کردن مطالب فراهم می شود. اگر در دو یا سه جلسه مطالب را دوره کردید و زمان، اضافه آوردید، حتماً تدریس درس هفتم را شروع کنید چراکه همیشه زمان، در ترم دوم فشرده تر است.

## آن همان خداست

کلاس را با عرض سلام و خوشامدگویی برای ورود به مقطع دوم متوسطه و خیر مقدم برای ورود به رشته معارف شروع نمایید. خود را معرفی نمایید سپس از اهمیت زبان عربی و مهمترین هدف آن؛ یعنی فهم معانی آیات قرآن کریم، ادعیه و نهج البلاغه در راستای رسیدن به حیات طیبه و برقراری ارتباطی تعالی بخش با پروردگار جهانیان سخن بگویید. حتماً به اهمیت دو چندان زبان عربی در رشته معارف هم اشاره نمایید. شایسته است برای برقراری ارتباط بهتر و از سویی شناسایی توانمندی دانش آموزان در زبان عربی، از آنها بخواهید خود را حداقلاً مکان به زبان عربی معرفی کنند.  
اکنون می توان به ترجمه درس اول پرداخت :

## ترجمه متن درس یک

## آن همان خداست!

نگاه کن به آن درخت	دارای شاخه های سرسبز
چگونه از دانه ای رشد کرد	و چگونه درخت شد
پس بررسی کن و بگو چه کسی	میوه را از آن بیرون می آورد
و به خورشیدی نگاه کن که	پاره آتشش فروزان است
در آن (خورشید/پاره آتش) روشنایی است و به وسیله آن	حرارتی منتشر می شود
کیست که آن (خورشید) را پدید آورد	در آسمان همچون پاره آتش
(کیست که آن را در آسمان همچون پاره آتش پدید آورد)	
آن، همان خدایی است که	نعمت هایش ریزان است
دارای حکمتی کامل	و توانی (نیروی) مقتدرانه است
به شب نگاه کن پس چه کسی	در آن، ماهش را پدید آورد
و آن (آسمان) را با ستارگانی زینت داد	که همچون مرواریدهای پراکنده هستند
و به ابر نگاه کن پس چه کسی	بارانش را از آن (ابر) فرو فرستاد
پس زمین را به وسیله آن (باران)	بعد از غبار آلودگی، سرسبز گردانید
و نگاه کن به انسان و بگو	چه کسی در او چشمش را گشود (شکافت)
کیست که او را مجهز کرد	به نیروی اندیشمند
او همان خدایی است که	نعمت هایش ریزان است

## تدریس قواعد

اکنون صرف فعل را با همان شیوه‌ای که در دوره اول متوسطه آموزش دیده‌اند، دوره نمایید و پرسش کنید تا به‌طور اجمالی با سطح علمی دانش‌آموزان کلاس آشنا شوید ضمناً مطلب هم دوره شود. در دیگر رشته‌ها مهم نیست که دانش‌آموز بتواند افعال و ضمائر را به شیوه سنتی چهارده صیغه‌ای صرف کند اما در رشته معارف – که نیاز به سطح عربی بالاتری است – باید بتواند فعل و ضمیر را به صورت سنتی صرف کند و نام و عنوان صیغه‌ها را بداند. با توجه به اینکه در دوره اول متوسطه با خود افعال آشنا هستند، راحت‌تر می‌توان به این هدف رسید.

لازم است اول، عنوان هر صیغه را به دانش‌آموزان آموزش دهید. افعال در زبان عربی دارای چهارده صیغه هستند که همه آنها تحت عنوان «غایب (معادل او، آنها و ایشان)، مخاطب (معادل تو و شما)، متکلم (معادل من و ما)» قرار می‌گیرند. ما در زبان فارسی، با توجه به اینکه اسامی از جهت مذکر و مؤنث تفکیک نمی‌شوند، فقط دارای شش صیغه ضمیر هستیم درحالی‌که در زبان عربی به دلیل این تفکیک، چهارده صیغه خواهیم داشت. اکنون نحوه نامگذاری هر صیغه را بیان می‌نماییم:

هرگاه فعلی را برای صیغه مفرد مذکر غایب (او – مذکر) بخواهیم، از عنوان «لغائب» استفاده می‌کنیم زیرا این کلمه، خودش هم مفرد است هم مذکر ضمن اینکه نشان‌دهنده صیغه غایب است.

برای مفرد مؤنث غایب (او – مؤنث) طبق قاعده اسم، همان کلمه را با «ة» مؤنث می‌کنیم یعنی للغائبة. برای صیغه مخاطب هم به همین ترتیب للمخاطب و للمخاطبة به کار می‌رود.

برای صیغه‌های مثنی و جمع هم از قواعد مثنی و جمع بستن اسامی استفاده می‌کنیم. برای مثنی‌ها از «تین»، برای جمع مذکر سالم از «یین» و برای جمع مؤنث سالم از «ات» استفاده می‌نماییم. بدین ترتیب چهارده صیغه پدید می‌آید شامل شش صیغه غایب، شش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم که در جدول صفحه بعد نمایش داده شده است:

صيغة	صيغة	ضمائر	فعل ماضى	فعل مضارع	فعل امر	فعل نهى
غائب	مذكر	هو	ذهب	يذهبُ		
		هما	ذهبا	يذهبانِ		
		هم	ذهبوا	يذهبونَ		
	مؤنث	هى	ذهبتِ	تذهبُ		
		هما	ذهبتا	تذهبانِ		
		هنَ	ذهبنَ	يذهبنَ		
مخاطب	مذكر	أنتَ	ذهبتَ	تذهبُ	إذهبْ	لا تذهبْ
		أتما	ذهبتما	تذهبانِ	إذهبا	لا تذهبا
		أتم	ذهبتم	تذهبونَ	إذهبوا	لا تذهبوا
	مؤنث	أنتِ	ذهبتِ	تذهبينَ	إذهبيْ	لا تذهبيْ
		أتما	ذهبتما	تذهبانِ	إذهبا	لا تذهبا
		أتنَ	ذهبتنَ	تذهبنَ	إذهبنَ	لا تذهبنَ
متكلم	وحدَه	أنا	ذهبتُ	أذهبُ		
	مع الغير	نحن	ذهبنا	نذهبُ		

اکنون لازم است چند نمونه از فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی صرف کنید و با نام صیغه، تمرین نمایید. یک جلسه کامل لازم است تا به خوبی روی این مبحث کار شود. در آخر، إختبر که ذیل این بخش آمده است را به کمک دانش آموزان پاسخ دهید.

**إختبر نفسک (خود را بیازمای!):** أَكْتُبُ نَوْعَ الْفِعْلِ وَصَيغَتَهُ (نوع فعل و صیغه‌اش را بنویس):  
 لا تَنْظُرُوا (نگاه نکنید): نهی للمخاطِبِينَ  
 لا تَجْعَلْ (قرار نده): نهی للمخاطَب  
 تَعْمَلُونَ (انجام می‌دهید): مضارع للمخاطِبِينَ  
 لا تَدْرُسِينَ (پاک نمی‌کنید): مضارع منفی للمخاطَبه  
 أَنْظُرْ (نگاه کن): امر للمخاطَب  
 لا يَخْرُجُ (خارج نمی‌شود): مضارع منفی  
 للغائب  
 فَدَرَّتْ (توانستی): ماضی للمخاطَب  
 ما زَرَعَ (نکاشت): ماضی منفی للغائب

## گفتگو (آشنایی با یکدیگر)

یکی از کارمندان در سالن فرودگاه

سلام بر شما و رحمت و برکات خداوند بر شما  
 صبحتان پر از روشنی و شادی! (اصطلاح است)  
 خوبم، شما چطوری؟  
 ببخشید، اهل کجایی؟  
 اسم شریف چیست؟  
 اسمم عبدالرحمان است.  
 نه متأسفانه ولی دوست دارم سفر کنم.  
 ان شاء الله، به امید دیدار، به سلامت!  
 در پناه و حفاظت خدا باشی دوستم!

زائر آرامگاه امیرالمؤمنین علی (ع)

سلام علیکم  
 صبح به خیر برادر! (اصطلاح است)  
 حالت چطوره؟  
 خوبم، خدا رو شکر  
 من اهل جمهوری اسلامی ایران هستم.  
 اسمم حسین است، اسم شریف شما چیست؟  
 آیا تا حالا به ایران سفر کردی؟  
 ان شاء الله به ایران سفر می‌کنی.  
 در پناه خدا!

## انواع کلمه

هر کلمه‌ای که با آن مواجه می‌شویم یکی از این سه قسم می‌باشد: اسم، فعل، حرف  
 ■ خصیصه و وجه تمایز اینها با یکدیگر چیست؟ به عبارتی انواع کلمه چیست؟



### ویژگی فعل

فعل دارای دو ویژگی مهم است؛ یکی اینکه زمان دار است و دیگر اینکه دارای صیغه است یعنی دارای ضمیر متصل رفعی است.

### ویژگی‌های اسم

گفتیم اسم واژه‌ای است که دلالت بر زمان ندارد. هر اسم در زبان عربی یکی از سه ویژگی زیر را دارد: یا دارای تنوین است، یا دارای «ال»، یا مضاف واقع شده است یعنی اسمی که بعدش آمده است، برایش مضاف الیه است. البته آن اسم اگر مثنی یا جمع مذکر سالم باشد، بجای تنوین، دارای نون مثنی و جمع است. یک اسم نمی‌تواند دو ویژگی از ویژگی‌های بالا را همزمان داشته باشد یا هیچ یک را نداشته باشد. البته این نکته تبصره‌ای دارد که لازم نیست الان برای دانش‌آموزان مطرح کنید اما شما به عنوان معلم شایسته است بدانید: (اسمی که دارای اضافه لفظی باشد می‌تواند در شرایطی همزمان با داشتن مضاف الیه، «ال» هم بگیرد و نیز اگر اسمی غیرمنصرف باشد، می‌تواند در ظاهر هیچ کدام از موارد فوق‌الذکر را نداشته باشد؛ زیرا اساساً اسم غیرمنصرف تنوین نمی‌گیرد. مطالب مرتبط با غیرمنصرف در پایه یازدهم و مطالب اضافه لفظی، ذیل نکات ستاره دار دوازدهم مطرح خواهد شد.)

بر این نکته تأکید کنید که هرگز پیش نمی‌آید که یک اسم، هم «ال» داشته باشد هم «تنوین»!

## ویژگی حرف

حرف در بسیاری موارد یک یا دو حرفی است مثل: و فَه لِه . . . . ، به عبارتی اگر کلمه ای یک یا دو حرفی است، غالباً حرف است مگر در مواردی اندک (مثل لفیف مفروق در امر للمخاطب نظیر فعل «قِ») به معنای «نگه دار» که ریشه اش «وق ی» می باشد و یک فعل لفیف مفروق به حساب می آید.)

إختبر نفسک (خود را بیازمای!): عین أنواع الكلمة فی مایلی (انواع کلمه را مشخص کن در آنچه در ادامه آمده است):

الحاسوب (رایانه): اسم      وَضَعْتُ (قرار دادم): فعل      رسولاً (یک فرستاده): اسم  
إلی (به سوی): حرف      إزرع (بکار): فعل      لا تتركبوا (سوار نشوید): فعل

## جنس و عدد اسم

اکنون می خواهیم اسم را از جهت تعداد و جنس بررسی کنیم. این موضوع، در دوره اول متوسطه به اختصار آموزش داده شده است. در این درس، قواعد جنس اسم بیش از دوره اول بیان می شود ولی تعداد اسم، در همان اندازه است.

دقت داشته باشید با اینکه بخشی از این مطالب نسبت به دوره اول متوسطه، تکراری است، ولی دانش آموزان با شرایط کرونایی مواجه شده اند و ممکن است تسلط کافی بر موضوع نداشته باشند؛ پس لازم است حتماً از یادگیری آنها مطمئن شوید.

## اسم از نظر جنس

هر اسمی در زبان عربی حتما دارای جنس است؛ یا مذکر یا مؤنث. هر کدام از مذکر و مؤنث، تقسیم به حقیقی و مجازی می شوند.

اسم مذکر حقیقی اسمی است که بر مرد یا حیوان نر دلالت می کند مثل: الرَّجُلُ (مرد) و الذَّيْبُ (خروس) اسم مؤنث حقیقی اسمی است که بر خانم یا حیوان ماده دلالت می کند مثل: الإمرأة (زن) و الدجاج (مرغ) در زبان عربی کلماتی که دلالت بر غیر انسان و غیر حیوان می کنند هم دارای جنس مذکر و مؤنث هستند ولی چون دلالتشان حقیقی نیست، به آنها مجازی می گویند، مثلاً کلمه «الشَّجَرَة» به معنای «درخت» از سوی دارای نشانه تأنیث یعنی «ة» است از سوی مؤنث بودن حقیقتاً برایش معنا ندارد لذا به آن، مؤنث مجازی می گویند. کلمه «جَبَل» به معنای «کوه» نیز هیچ علامت تأنیثی ندارد لذا مذکر به حساب می آید ولی دلالت حقیقی بر جنس مذکر ندارد یعنی نه حاکی از انسان است نه حیوان؛ پس مذکر مجازی است!



با دقت در نکات گفته شده، متوجه اهمیت علامت تأنیث شده‌اید. دانش‌آموز در دوره اول متوسطه آموخته است که «ة» علامت تأنیث است و از همین راه مؤنث و مذکر را تشخیص می‌داد. در این پایه می‌آموزد که علامت تأنیث فقط «ة» نیست. علامت تأنیث یکی از سه نشانه زیر می‌باشد:

۱ «ة» ۲ الف مقصوره مثل الکبری ۳ الف ممدوده مثل الأسماء

این علائم تأنیث نکاتی دارند که دانش‌آموزان در پایه دوازدهم اطلاعات تکمیلی را دریافت خواهند کرد. اما تعدادی از اسامی مؤنث هستند که در ظاهرشان هیچ کدام از علائم تأنیث را ندارند ولی یا به علت دلالت حقیقی یا به اعتبار و قرارداد اعراب، مؤنث به حساب می‌آیند؛ مثلاً کلمه «أُم : مادر» حقیقتاً بر جنس مؤنث دلالت می‌کند اما هیچ کدام از سه نشانه مذکور را ندارد یا کلمه «نار : آتش» در میان اعراب، مؤنث به حساب می‌آید و با آن، معامله مؤنث می‌کنند اما نه تنها هیچ علامت تأنیثی ندارد بلکه اساساً دلالتی بر جنس مؤنث هم نمی‌کند. به چنین کلمه‌ای که مؤنث به حساب می‌آید و در عین حال هیچ نشانه تأنیثی ندارد، مؤنث معنوی می‌گویند. دسته‌های زیر مؤنث معنوی به حساب می‌آیند:

۱ اسامی مؤنث حقیقی که علامت تأنیث ندارند مثل أم، مریم، حامل (باردار) و ...

۲ اسامی شهرها و کشورها و قبایل مثل دمشق، لبنان، ایران، قریش و ...

۳ اکثر اعضای زوج بدن مثل عین (چشم)، رجل (پا)، ید (دست)، اذن (گوش)، کتف (شانه)، عضد (بازو)، فخذ (ران)

۴ تعدادی از اسامی که جزء هیچ کدام از موارد بالا نیستند و فقط به صورت قراردادی مؤنث به حساب می‌آیند مثل نار (آتش)، دار (خانه)، ریح (باد)، شمس (خورشید)، یثر (چاه)، أرض (زمین)، حرب (جنگ)، جهنم، نفس و ...

آن دسته از مؤنث معنوی‌هایی که واقعاً بر جنس مؤنث دلالت می‌کنند، مؤنث حقیقی هم هستند و غیر آنها، ضمن اینکه مؤنث معنوی هستند، مؤنث مجازی هم به حساب می‌آیند.

در زبان عربی برخی از اسامی هستند که بر جنس مذکر دلالت می‌کنند اما در ظاهرشان علامت تأنیث وجود دارد مثل طلحة، معاویه، حمزة، حنظلة، عطیة و ... این اسامی ذیل کدام دسته قرار می‌گیرند؟

اینها شق دیگری هستند به نام مؤنث لفظی! پس اسم مذکری که دارای علامت تأنیث باشد، مؤنث لفظی نام دارد. اسامی مؤنث لفظی که در کتاب مطرح شده است را بسیار تأکید کنید تا دانش‌آموزان به خاطر بسپارند. یادتان باشد با مؤنث لفظی، معامله مذکر می‌شود یعنی اگر بخواهید برایش فعل، ضمیر، اسم اشاره، موصول، صفت و ... بیاورید حتماً مذکر به کار می‌رود.

می‌توانید برای تدریستان از نمودار زیر بهره ببرید :

حقیقی : آنچه واقعاً بر جنس مذکر اعم از انسان و حیوان دلالت کند. مثل : أب/دیک

مذکر

مجازی : آنچه علائم مؤنث را ندارد و بر جنس مذکر هم دلالت نمی‌کند. مثل : الکرسی

جنس

حقیقی : آنچه واقعاً بر جنس مؤنث اعم از انسان و حیوان دلالت می‌کند. مثل : أم/دجاجة

﴿﴾ با مؤنث لفظی معامله  
مذکر می‌شود یعنی فعل،  
ضمیر، اسم اشاره و موصول  
برایشان مذکر می‌آید.

لفظی : عَلَمَ مذکری است که  
علامت تانیث دارد مثل حمزة

مؤنث

مؤنث

ملحقات : نفس، ارض، بئر،  
جهنم، ریح، شمس، روح،  
عصا، عین، دار، حرب و...

معنوی : آنچه علائم تانیث را  
ندارد ولی بر مؤنث دلالت  
می‌کند. مثل زینب، ام و...

مجازی : آنچه علائم تانیث دارد ولی واقعاً بر جنس مؤنث دلالت نمی‌کند مثل : شجرة

إختبر نفسک (خود را بیازمای!): عین انواع المذکر و المؤنث فی الکلمات التالیة (انواع مذکر و مؤنث را در کلمات زیر مشخص کنید) اکتب الرقم فی الفراغ (عدد را در جای خالی بنویس)

أب (پدر): مذکر حقیقی	جندی (سرباز): مذکر حقیقی
مصنع (کارخانه): مذکر مجازی	مکتبة (کتابخانه): مؤنث مجازی
طالبة (دانش آموز دختر): مؤنث حقیقی	لوحه (تابلو): مؤنث مجازی
عین (چشم/چشمه): مؤنث معنوی و مجازی	حمزة (علم مذکر): مؤنث لفظی
جسر (پل): مذکر مجازی	صحيفة (روزنامه): مؤنث مجازی
فلاحة (کشاورز خانم): مؤنث حقیقی	حداد (آهنگر): مذکر حقیقی

### تعداد اسم

در دوره اول متوسطه آموزش داده شد که هر اسمی در زبان عربی یا مفرد است یا مثنی یا جمع. اکنون می خواهیم یک بار دیگر آنها را مرور کنیم:

اسمی که بر یک نفر یا یک چیز دلالت داشته باشد، مفرد به حساب می آید. اسمی که دلالت بر دو نفر یا دو چیز کند، مثنی و اسمی که دلالت بر بیش از دو نفر یا دو چیز کند، جمع به حساب می آید.

می دانید اسم مثنی را با نشانه های «تین» یا «ان» می سازند مثل طالبان، طالبین، طالبان، طالبین. اینکه در هر جا کدام یک کاربرد دارد، بستگی به جمله دارد. این نکته را در درس ششم به شکل مبسوط خواهیم خواند. اما جمع بستن یک کلمه در زبان عربی؛ یا به صورت جمع سالم بسته می شود یا جمع مکسر. جمع سالم یعنی شکل مفرد کلمه، سالم باقی می ماند و فقط حروفی به آن اضافه می شود که نشانگر جمع بودن هستند. مثل: «مُؤَظَّف» = «مُؤَظَّفُونَ» می بینید که شکل مفرد کلمه بر جای خود باقی مانده است و این کلمه، تنها با اضافه شدن «ون» جمع بسته شده است. بر خلاف جمع مکسر که شکل مفرد کلمه به هم می ریزد. خود کلمه «مکسر» اسم مفعول و به معنای «شکسته شده» است. وجه تسمیه آن، همین است که صورت و شکل مفرد کلمه شکسته می شود؛ مثل: «کتاب» = «کُتِب»

جمع سالم خود بر دو قسم مذکر و مؤنث می باشد. نشانه جمع مؤنث سالم «ات» است یعنی به انتهای کلمه «ات» اضافه می شود. البته یادتان باشد با اینکه در جمع سالم، شکل مفرد بر جای خود باقی می ماند اما در جمع مؤنث لازم است «ة» حذف شده سپس «ات» افزوده شود؛ مثل: المؤمنة = المؤمنات

نشانه جمع مذکر سالم «ون» و «ین» است یعنی برای ساختن جمع مذکر سالم باید به شکل مفرد کلمه یکی از دو نشانه مذکور را چسباند؛ مثل: المسلم = المسلمون / المسلمین

در جمع مذکر سالم اشاره به این نکته بسیار مهم و ضروری است که «نون» در این دو نشانه، مفتوح است

خصوصاً در «بِن» به دانش آموز توجه کامل بدهید زیرا در صورتی که آن را با کسر بخواند، مثنی خواهد بود  
 مثل : المَسْرور = المَسْرورينَ (جمع مذكر سالم) / المَسْرورينَ (مثنای مذكر)

گفتیم در جمع سالم، صورت مفرد بر جای خود باقی می ماند؛ این نکته تبصره‌هایی دارد. برخی کلمات هستند که با اندک تغییر در حرکات، جمع سالم بسته می‌شوند مثل : لَحْظَةٌ = لَحَظَات. به این دست کلمات که هم در جمع مذكر پیش می‌آید هم در جمع مؤنث، ملحقات می‌گویند؛ یعنی ملحق به جمع مذكر سالم و ملحق به جمع مؤنث سالم (که البته مبسوط‌تر از این است). نیازی به ارائه این توضیحات به دانش‌آموز نیست فقط شما به عنوان معلم، آگاه باشید که اگر سؤالی برای دانش‌آموزان پیش آمد، پاسخگو باشید گرچه غالباً دانش‌آموزان، این کلمات را بدون دقت به حرکت تغییر کرده، جمع مذكر یا مؤنث سالم به حساب می‌آورند که این، اشکالی برای آنها ندارد. در جمع مکسر که شکل مفرد، شکسته می‌شود، لزوماً ساز و کار و قاعده‌ای نیست که بخواهیم به عنوان الگو برای همه کلمات ارائه کنیم بلکه در اکثر موارد سماعی است بجز تعداد اندکی مثل وزن «أفعل» که معمولاً بر وزن «أفاعل» جمع بسته می‌شود. از این رو لازم است دانش‌آموز، کلماتی که جمعشان مکسر است را حفظ کرده و به خاطر بسپارند. این امر بسیار حائز اهمیت است.

در انتهای کتاب درسی، لغت‌نامه وجود دارد. در آنجا هر اسمی که دارای جمع مکسر است، در کنارش نوشته شده است. حتماً از دانش‌آموزان بخواهید آنها را به خاطر بسپارند.

برخی کلمات هستند که جمع مکسرشان به علت کم توجهی دانش‌آموزان، با جمع سالم‌ها خلط می‌شود مثل : «مساکین» به این علت که به «بِن» ختم شده است، گاهی تصور می‌شود که جمع مذكر سالم است با اینکه شکل مفردش «مسکین» درهم شکسته شده و اصلاً با «بِن» جمع بسته نشده است. یا کلماتی مثل «ایات، اصوات، اموات و...» به علت اینکه به «ات» ختم شده‌اند، با جمع مؤنث اشتباه گرفته می‌شوند. این توجه را به دانش‌آموز بدهید که حتماً در جمع سالم‌ها به سالم ماندن شکل مفرد کلمه توجه کنند.

نکته مهم دیگر این است که برای تشخیص دقیق جنس اسامی جمع مکسر لازم است به صورت مفرد آنها برگردیم، مثلاً «المدارس» در ظاهر علائم تأنیث را ندارد ولی چون مفردش «المدرسة» است، مؤنث به حساب می‌آید.

إختبر نفسک (خود را بیازمای!) : عین المفرد و المثنی و الجمع فی الکلمات التالیة مع بیان جنسها.

مواصلة (پیگیری) : مفرد مؤنث مجازی      أنفَس (نفس‌ها) : جمع مکسر – مؤنث

معنوی مجازی

مِنْشَفَتَيْنِ (دو تا حوله) : مثنی مؤنث مجازی      فائزات (برندگان) : جمع مؤنث سالم –

مؤنث حقیقی

مُسَجَّلِينَ (دوتا ضبط صوت): مثنی مذکر مجازی	مُوظَّفِينَ (کارمندان): جمع مذکر سالم - مذکر حقیقی
جار (همسایه): مفرد مذکر حقیقی	حَدَادُونَ (آهنگرها): جمع مذکر سالم - مذکر حقیقی
ذُنُوبٍ (گناهان): جمع مکسر - مذکر مجازی	صَدِيقَيْنِ (دو دوست): مثنی مذکر حقیقی
زُجَاجَتَانِ (دو شیشه): مثنی مؤنث مجازی	رَاحِمِينَ (رحم کنندگان): جمع مذکر حقیقی
عِبَاءَةٌ (چادر): مفرد مؤنث مجازی	عَبْرَتِهَا (عبرت‌ها): جمع مکسر - مؤنث مجازی

پیشنهاد می‌شود پس از اینکه قواعد کامل تدریس شد، از متن درس برای تثبیت قواعد در ذهن دانش‌آموزان استفاده کنید مثلاً می‌توانید از دانش‌آموز بخواهید این اسامی را در متن به لحاظ جنس بررسی کند:

الشَّجَرَةَ: مفرد مؤنث مجازی	الشَّمْرَةَ: مفرد مؤنث مجازی	الشَّمْسُ: مفرد مؤنث معنوی و مجازی
اللَّيْلُ: مفرد مذکر مجازی	المَطَرُ: مفرد مذکر مجازی	الأَرْضُ: مفرد مؤنث معنوی و مجازی
المرءُ: مفرد مذکر حقیقی		

و نیز افعال زیر را به لحاظ زمان و صیغه بررسی کنند:

إِبْحَثْ: امر للمخاطب	يُخْرِجُ: مضارع للغائب	صَيَّرَ: ماضی للغائب
-----------------------	------------------------	----------------------

## تمارین

التمرین الاوّل: ترجمه آیات و احادیث زیر را کامل کن سپس نوع فعل و صیغه آنها را در جمله مشخص کن.

۱ برای من یاد نیکو در آیندگان قرار بده. **اجعل**: امر للمخاطب

۲ ای کسانی که ایمان آورده اید چرا آنچه را انجام نمی‌دهید، می‌گویید؟

ءامنوا: ماضی للغائبین    تقولون: مضارع للمخاطبین    لا تفعلون: مضارع منفی للمخاطبین

در این شماره ممکن است برای دانش‌آموز سؤال پیش بیاید که چرا کلمه «ءامنوا» صیغه للغائبین است ولی به صورت للمخاطبین ترجمه شده است؟

در قرآن، موارد بسیاری وجود دارد که فعل «امنوا»، بعد از منادای «يا أَيُّهَا الَّذِينَ» واقع شده است، گرچه این فعل، غایب است ولی به دلیل واقع شدن بعد از منادا باید به صورت مخاطب ترجمه شود زیرا در زبان فارسی چنین چیزی کاربرد ندارد که بعد از منادا، غایب به کار ببریم.

۳ و کار نیکو انجام دهید قطعاً من بدانچه انجام می دهید آگاهم.

إعملوا : امر للمخاطبين

تعملون : مضارع للمخاطبين

۴ پروردگارا ما را با گروه ستمگران قرار نده!

لا تجعلنا : نهی مضارع للمخاطب/ضمیرنا

مفعول است

۵ به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج نگاه نکنید بلکه به راستگویی و امانتداری نگاه کنید.

لا تنظروا : نهی مضارع للمخاطبين

أنظروا : امر للمخاطبين

۶ به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

إرحم : امر للمخاطب

یرحم : مضارع للغائب

التمرین الثانی : این جملات را ترجمه کن و نوع فعل‌ها و صیغه‌شان را بنویس.

أكتب رسالتك : نامه ات را بنویس!

امر للمخاطب

لا تكتب علی الجدار : بر دیوار ننویس!

نهی للمخاطب

اكتبوا واجباتکم : تکالیفتان را بنویسید!

امر للمخاطبين

هنّ لا یکتبن بسرعة : آنها با سرعت نمی نویسند.

(مضارع منفی للغائبات) / آنها با سرعت

نباید بنویسند! (نهی للغائبات)

سأكتب درسی : درسم را به زودی خواهم نوشت.

مستقبل للمتكلم وحده

إننا سوف نكتب أبحاثاً : قطعاً ما پژوهش‌هایی را

مستقبل للمتكلم مع الغير

خواهیم نوشت.

ما کتبتم تمارینکم : تمرین‌هایتان را نوشتید.

ماضی منفی للمخاطبين

کانوا یکتبون بدقّة : با دقت می نوشتند.

ماضی استمراری للغائبين

التمرین الثالث : در دایره عدد مناسب قرار بده. (یک کلمه اضافی)

۱ الشرة : قطعة من النار = پاره آتش : قطعه ای از آتش

۲ الشمس : جذوتها مستعرة، فيها ضیاء و بها حرارة منتشرة = خورشید : پاره آتشش فروزان است، در

آن روشنایی است و به وسیله آن، حرارتی منتشر می شود.

- ۳ القمر : کوکب يدور حول الارض، ضياؤه من الشمس = ماه : ستاره ای که به دور زمین می چرخد، روشنائی اش از خورشید است.
- ۴ الأنعم : جمع نعمة – کلمه اضافی
- ۵ الغيم : بخار متراکم فی السماء ينزل منه المطر = ابر (سحاب) : بخاری متراکم در آسمان که باران از آن فرو می آید.
- ۶ الفستان : من الملابس النسائية ذات الالوان المختلفة = پیراهن زنانه : از لباس های زنانه دارای رنگ های مختلف
- ۷ الدرر : من الاحجار الجميلة الغالية ذات اللون الابيض = مرواریدها (مفرده الدر) : از سنگ های زیبای گرانبها دارای رنگ سفید

### التمرین الرابع : مترادف ها و متضادها را در جای خالی مناسب قرار بده .

راسب (مردود) ≠ ناجح (بیروز)	رخیصة (ارزان) ≠ غالية (گران)
بيع (فروش) ≠ شراء (خرید)	يسار (چپ) ≠ يمين (راست)
بعيد (دور) ≠ قريب (نزدیک)	بداية (شروع) ≠ نهاية (پایان)
قبيح (زشت) ≠ جميل (زیبا)	رقد (خوابید) = نام
حزين (ناراحت) ≠ مسرور (خوشحال)	نور (روشنائی) = ضياء
ممنوع (غیرجایز) ≠ مسموح (جایز)	مجتهد (کوشا) = مُجِدّ

## پندهای عددی از رسول خدا (ص)

- هفت چیز پاداشش برای بنده جاری است در حالی که او بعد مرگش در قبرش است :
- هرکس دانشی را یاد دهد یا رودی جاری کند یا چاهی حفر کند یا نخلی بکارد، یا مسجدی بسازد، یا کتابی به ارث بگذارد یا فرزندی به جای گذارد که بعد از مرگش برای او طلب آمرزش کند.
  - خداوند رحمت را صد جزء قرار داد، نود و نه جزء را نزد خود نگه داشت و یک جزء را در زمین نازل کرد پس مردم از همان یک جزء به یکدیگر مهربانی می کنند.
  - همانا غذای یک نفر برای دونفر کافی است و غذای دونفر برای سه و چهارنفر، باهم بخورید و پراکنده نشوید پس همانا برکت همراه با جماعت است.
  - دو بهتر از یک و سه بهتر از دو و چهار بهتر از سه است پس بر شما باد به جماعت.
  - هرکس چهل صبح برای خداوند اخلاص ورزد، چشمه های حکمت از قلبش برزانش ظاهر می شود.
  - چهار چیز اندکش زیاد است : فقر و درد و دشمنی و آتش.
  - عبادت ده جزء دارد، هشت جزء در خواستن حلال است.
  - هنگامی که دونفر با هم راز می گویند پس بین آن دو وارد نشو.

## صحیح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کن.

- ۱ پاداش کردن چاه برای بنده جاری است در حالی که او بعد از مرگش در قبرش است. صحیح
- ۲ خداوند نود و نه جزء از رحمت را برای خلق نازل کرد. غلط (فقط یک جزء را نازل کرده است)
- ۳ پاداش استغفار فرزند برای والدین بعد از مرگشان جاری است. صحیح
- ۴ غذای دو نفر برای سه نفر کافی نیست. غلط (کافی است - یکفی)
- ۵ خداوند شرک را می آموزد زیرا آن، ستمی کوچک است. غلط (عدم وجود در متن)



## اعداد اصلی از یک تا بیست

اعداد مؤنث	اعداد مذکر	اعداد	اعداد مؤنث	اعداد مذکر	اعداد
إِحْدَى عَشْرَةَ مَجَلَّةً	أَحَدَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۱	مَجَلَّةٌ وَاحِدَةٌ	كِتَابٌ وَاحِدٌ	۱
إِثْنَا عَشْرَةَ كِتَابًا إِثْنَتَى عَشْرَةَ مَجَلَّةً	إِثْنَا عَشَرَ كِتَابًا إِثْنَى عَشَرَ كِتَابًا	۱۲	مَجَلَّتَانِ إِثْنَانِ مَجَلَّتَيْنِ إِثْنَتَيْنِ	كِتَابَانِ إِثْنَانِ كِتَابَيْنِ إِثْنَيْنِ	۲
ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	ثَلَاثَةَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۳	ثَلَاثُ مَجَلَّاتٍ	ثَلَاثَةُ كُتُبٍ	۳
أَرْبَعَ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	أَرْبَعَةَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۴	أَرْبَعُ مَجَلَّاتٍ	أَرْبَعَةُ كُتُبٍ	۴
خَمْسَ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	خَمْسَةَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۵	خَمْسُ مَجَلَّاتٍ	خَمْسَةُ كُتُبٍ	۵
سِتَّ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	سِتَّةَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۶	سِتُّ مَجَلَّاتٍ	سِتَّةُ كُتُبٍ	۶
سَبْعَ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	سَبْعَةَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۷	سَبْعُ مَجَلَّاتٍ	سَبْعَةُ كُتُبٍ	۷
ثَمَانِيَةَ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۸	ثَمَانِي مَجَلَّاتٍ	ثَمَانِيَةُ كُتُبٍ	۸
تِسْعَ عَشْرَةَ مَجَلَّةً	تِسْعَةَ عَشَرَ كِتَابًا	۱۹	تِسْعُ مَجَلَّاتٍ	تِسْعَةُ كُتُبٍ	۹
عِشْرُونَ / عِشْرِينَ مَجَلَّةً	عِشْرُونَ / عِشْرِينَ كِتَابًا	۲۰	عِشْرُ مَجَلَّاتٍ	عِشْرَةُ كُتُبٍ	۱۰

## اعداد ترتیبی از یک تا بیست

اعداد مؤنث	اعداد مذکر	اعداد مؤنث	اعداد مؤنث	اعداد مذکر	
الصفحة الحادية عَشْرَةَ	الدرس الحادى عَشْرَ	يازدهم	الصفحة الاولى	الدرس الاول	یکم
الصفحة الثانية عَشْرَةَ	الدرس الثانى عَشْرَ	دوازدهم	الصفحة الثانية	الدرس الثانى	دوم
الصفحة الثالثة عَشْرَةَ	الدرس الثالث عَشْرَ	سيزدهم	الصفحة الثالثة	الدرس الثالث	سوم
الصفحة الرابعة عَشْرَةَ	الدرس الرابع عَشْرَ	چهاردهم	الصفحة الرابعة	الدرس الرابع	چهارم
الصفحة الخامسة عَشْرَةَ	الدرس الخامس عَشْرَ	پانزدهم	الصفحة الخامسة	الدرس الخامس	پنجم
الصفحة السادسة عَشْرَةَ	الدرس السادس عَشْرَ	شانزدهم	الصفحة السادسة	الدرس السادس	ششم
الصفحة السابعة عَشْرَةَ	الدرس السابع عَشْرَ	هفدهم	الصفحة السابعة	الدرس السابع	هفتم
الصفحة الثامنة عَشْرَةَ	الدرس الثامن عَشْرَ	هجدهم	الصفحة الثامنة	الدرس الثامن	هشتم
الصفحة التاسعة عَشْرَةَ	الدرس التاسع عَشْرَ	نوزدهم	الصفحة التاسعة	الدرس التاسع	نهم
الصفحة العِشْرُونَ	الدرس العِشْرُونَ	بیستم	الصفحة العاشرة	الدرس العاشر	دهم

## اعداد عقود نیز میان مذکر و مؤنث مشترک می‌باشند و عبارت‌اند از :

در حالت نصبی و جری	در حالت رفعی	عدد عقود
عشرين	عشرون	بیست / بیستم
ثلاثين	ثلاثون	سی / سی‌ام
أربعين	أربعون	چهل / چهلم
خمسین	خمسون	پنجاه / پنجاهم
ستین	ستون	شصت / شصتم
سبعین	سبعون	هفتاد / هفتادم
ثمانین	ثمانون	هشتاد / هشتادم
تسعين	تسعون	نود / نودم

قواعد اعداد بسیار گسترده است. دانستن تمامی آنها هدف آموزشی کتاب نیست. ما در این کتاب نکات بیشتری را بیان می‌کنیم اما شما به همان اندازه‌ای که برای دانش‌آموز نیاز است، مطرح نمایید.

## قواعد اعداد

اعداد به دو قسم اصلی و ترتیبی تقسیم می‌شوند. اعداد اصلی بر شماره و تعداد اشیا دلالت می‌کنند و اعداد ترتیبی واضح است که بر ترتیب اشیا دلالت دارد. هر کدام از این دو نوع نیز خود بر چهار قسم مفرد، مرکب، معطوف و عقود تقسیم می‌گردد. اکنون با تعریف این اقسام آشنا می‌شوید:

**اعداد مفرد:** به اعداد یک تاده، صد، دویست، سیصد، ...، هزار، دو هزار و ... مفرد گفته می‌شود.

**اعداد مرکب:** اعداد یازده تا نوزده موسوم به اعداد مرکب هستند.

**اعداد معطوف:** به اعداد دو رقمی که میان دو بخش آنها «واو» عطف قرار می‌گیرد، معطوف می‌گویند.

**اعداد عقود:** به اعداد «بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد و نود» عقود می‌گویند.

کتاب درسی فقط عنوان اعداد اصلی و ترتیبی و نیز اعداد معطوف را بیان کرده است و شاید لازم نباشد دیگر عناوین برای دانش آموز، مطرح شود. هر کدام از این دسته‌ها قواعد خاصی دارند که آنها را بررسی می‌کنیم و نهایتاً اشاره خواهیم کرد کدام نکات را لازم است دانش آموز بداند.

رابطه عدد با معدودش مهم است. معدود یعنی آنچه مورد شمارش واقع می‌شود. در همه اعداد ترتیبی میان عدد و معدود رابطه صفت و موصوفی برقرار است، یعنی عدد برای معدودش صفت واقع می‌شود. پس همانطور که ابتدا موصوف می‌آید و بعد صفت، در اعداد ترتیبی هم باید اول معدود بیاید و بعد عدد و عدد از چهار جهت (اعراب، جنس، تعداد، معرفه نکره) از معدود تبعیت می‌کند. مثال: *الدرس الاول، الشجرة الثانية*

## رابطه عدد و معدود در اعداد اصلی

**اعداد مفرد:** در اعداد یک و دو همه قواعد اعداد ترتیبی رعایت می‌شود یعنی اول معدود می‌آید بعد عدد و از هر چهار جهت تبعیت اتفاق می‌افتد، مثال: *کتابٌ واحدٌ (یک کتاب) و الشجرتین اثنتین (دو درخت)* از سه به بعد در همه اعداد، اول عدد می‌آید و بعد معدود. اما عدد با معدودش از نظر جنس مخالفت دارند یعنی اگر معدود، مذکر بود، عدد را مؤنث می‌آوریم و برعکس مثل *ثلاثة كتبٍ*. از آنجا که «کتاب» مذکر است، برایش عددی مؤنث آورده‌ایم. اما نکته دیگر این است که معدود اعداد سه تا ده همواره جمع و مجرور می‌آید. اعداد صد و هزار و ...، برای معدود مذکر و مؤنث یکسان می‌آید. معدودش نیز همواره مفرد و مجرور است. علت مجرور بودن معدود در اعداد مفرد (به جز یک و دو) این است که دارای نقش مضاف الیه است. اما نقش عدد چیست؟ اعداد سه به بعد، با توجه به نقشی که در جمله می‌گیرند، اعراب خواهند گرفت مثلاً «*اشتریتُ أربعة كتبٍ*» نقش عدد - یعنی *أربعة* - «مفعول به» برای فعل «*اشتریتُ*» است لذا به صورت منصوب آمده است و نیز نقش کلمه «*كتبٍ*» مضاف الیه و مجرور است.

**اعداد مرکب** : هر دو جزء اعداد مرکب، مبنی بر فتح هستند به جز عدد دوازده که قسمت اولش معرب است و با توجه به نقش آن در جمله اعراب می‌گیرد. به همین خاطر چهار شکل « اثنا عشر، اثنتا عشرة، اثنی عشر، اثنتی عشرة » دارد که بر اساس جنس و اعراب کاربرد دارند.

معدود اعداد مرکب، مفرد و منصوب است. اما از لحاظ جنس، عدد یازده و دوازده مطابقت دارند اما در بقیه، جنسیت هر کدام از اجزا به نحوی تعیین می‌شود. اولاً بدانید که جنسیت دو قسمت عدد مرکب باهم فرق می‌کند. قسمت اول که شامل اعداد سه تا نه می‌شود، به تبعیت از همان قواعد اعداد مفرد، باید با معدود مخالفت در جنس داشته باشد ولی قسمت دوم، مطابق است مثل **ثلاثة عشر** کتاباً.

دقت کنید اولاً سه و ده به لحاظ جنس برعکس هم هستند، ثانیاً از آنجا که کلمه « کتاب » مذکر است، عدد سه را مؤنث آورده‌ایم ولی عدد ده مطابقت داشته و مذکر آمده است. برای اینکه دانش‌آموز فراموش نکند، می‌توانیم این ضرب‌المثل را در اینجا جاری بدانیم که « کمال همنشین در من اثر کرد » یعنی ده که همنشین معدود است، با آن مطابق است ولی نیمه اول عدد - که از معدود دور است - مخالفت در جنس دارد. از لحاظ اعراب هم عدد با توجه به نقش در جمله اعراب می‌گیرد ولی معدود همواره تمییز و منصوب است.

**اعداد معطوف** : گفتیم اعداد معطوف دارای دو بخش هستند که میان این دو بخش « واو عطف » قرار دارد. در واقع واو عطف میان یکان و دهگان قرار می‌گیرد. یادتان باشد در زبان عربی بر خلاف زبان فارسی، در اعداد دو رقمی ابتدا یکان می‌آید سپس دهگان. با دقت در اعداد معطوف می‌بینیم که جزء اولش - یعنی یکان - همان اعداد مفرد هستند، لذا قواعدش تابع همان اعداد مفرد است یعنی عدد یک و دو با معدود مطابقت در جنس دارد و اعداد سه تا نه مخالفت در جنس. جزء دوم اعداد معطوف - یعنی دهگان - در واقع همان اعداد عقود است که مذکر و مؤنثشان یکسان است. پس فقط در قسمت اول به جنس عدد توجه می‌کنیم. اما معدود اعداد معطوف همواره مفرد و منصوب است. علت منصوب بودنش این است که برای عدد تمییز واقع شده است.

از نظر اعراب هم، قسمت اول عدد با توجه به نقشش در جمله اعراب می‌گیرد و قسمت دومش معطوف است لذا اعرابش از قسمت اول تبعیت خواهد کرد. مثال : اشتریتُ ثلاثةً و عشرین کتاباً - ذهب اثنان و ثمانون تلمیذاً الى الصلاة.

**اما آنچه دانش‌آموز باید بداند :**

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه اعداد اصلی و ترتیبی را تا دوازده آموخته‌اند البته فقط با خود عدد آشنا هستند و نسبت به قواعد آن اطلاعاتی ندارند. در کتاب دهم اعداد اصلی از یک تا صد و اعداد ترتیبی تا بیست آموزش داده شده است. پس لازم است به نحوه نقش گرفتن هر کدام از اعداد اصلی و نیز رابطه

صفت موصوفی اعداد ترتیبی اشاره نمایید. عنوان «اعداد معطوف» را بیان کنید و بگویید لازم است اول یکان بیاید و بعد دهگان؟

به اعراب و تعداد معدود در اعداد اصلی هم اشاره کنید، می‌توانید این نکات را در مورد اعداد اصلی به دانش‌آموز ارائه دهید تا یادگیری این مطلب برایش تسهیل شود:

۱ غیر از عدد یک و دو، بقیه، اول عدد می‌آید و بعد معدود.

۲ معدود عدد یازده به بعد مفرد است.

۳ معدود عدد یازده به بعد همواره منصوب است و فقط معدود صد، هزار و ... مجرور می‌باشد. ذیل مبحث اعداد، نکات ذیل را از ساعت و عملیات ریاضی بگویید.

## ساعت

برای ساعت از اعداد ترتیبی استفاده می‌شود اما برای دقیقه و ثانیه از اعداد اصلی. مثال: الساعةُ الرابعةُ و ثلاث دقائق، یعنی ساعت چهار و سه دقیقه است. البته هدف کتاب فقط آموزش «الرابع = پانزده دقیقه، الثلث = بیست دقیقه، و النصف = سی دقیقه» می‌باشد. از سوی تعابیر «مانده به» یا «کم» در زبان فارسی معادل «الآ» در زبان عربی می‌باشد.

## محاسبات ریاضی

معادل «جمع»، کلمه ی «زائده»، تفریق، کلمه «ناقص»، معادل تقسیم، عبارت «تقسیم علی»، معادل «ضرب» عبارت «ضرب فی» و معادل «مساوی است» کلمه «یساوی» می‌باشد.

**خود را بیازمای! به فارسی ترجمه کن!**

سی شب!	هفتاد مرد!	هفت در!	شصت نیازمند!
شش روز!	صد دانه!	غذا دادن به ده نیازمند!	پانزده مجسمه!
شانزده شهر!	هفتاد و یک روستا!	بیست و نه صندلی!	

## اسم فعل

«اسم فعل» کلمه‌ای است که معنای فعل دارد ولی اسم است یعنی از جهتی شباهت به اسم دارد و از جهتی شباهت به فعل. این کلمات «زمان‌دار» هستند، لذا حتماً دانش‌آموز را به «ماضی، مضارع یا امر» بودن آن توجه دهید.

نمونه اسم فعل برای ماضی: هیهات (دور شد)، شتآن (دور شد)

نمونه اسم فعل برای مضارع: أُقِّ (دلتنگی می‌کنم)، آه (افسوس)

نمونه‌های اسم فعل برای امر: آمین (برآورده کن)، حَتَّ (بشتاب)، هاک (بگیر)، هات (بیاور)، علیک (برتو واجب است)، إلیک (دور شو، بگیر)، صَه (ساکت باش)

حتماً تمامی اسم فعل‌های مذکور در کتاب مورد عنایت قرار بگیرد و با معنا و زمان به خاطر سپرده شود.

**خود را بیازمای: (این جملات را ترجمه کن، سپس اسم فعل‌ها را مشخص کن)**

۱ صبر بر شما واجب است پس همانا صبر در ایمان همچون سر در بدن است.

کلمه «علیکم» اسم فعل امر است.

۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر شما باد به نفس‌هایتان (مراقب نفس‌هایتان باشید)

«علیکم» اسم فعل امر است.

۳ خاری از ما دور شد.

کلمه «هیها» اسم فعل ماضی است.

۴ پذیرای پروردگار جهانیان.

کلمه «آمین» اسم فعل امر است.

۵ بشتاب به سوی نماز.

کلمه «حی» اسم فعل امر است.

اکنون می‌توانید برای تمرین بیشتر و تثبیت مطلب، از دانش‌آموزان بخواهید در متن درس دوم همهٔ عدد و معدودها را شناسایی کنند. در مورد عدد بگویند اصلی است یا ترتیبی. ضمناً تنها اسم فعل این درس را نیز باید پیدا کنند.

اگر زمان داشتید مطلوب است که برای یادآوری و تکرار مطالب گذشته، بخواهید که در متن این درس تعدادی از اسامی را به لحاظ جنس به دقت بررسی کنند مثلاً این کلمات پیشنهاد می‌شود:

بئر (مؤنث معنوی)، مُصْحَف (مذکر مجازی)، الرَّحْمَة (مؤنث مجازی)، الأَرْض (مؤنث معنوی)، البَرَكَة (مؤنث مجازی)، الوَجَع (مذکر مجازی)، النار (مؤنث معنوی)، الحلال (مذکر مجازی)

## گفتگو (در قطار)

## گردشگری از ایران

■ سلام علیکم!

■ عصر به خیر دوستم!

■ آیا جنابتان از عراق هستید؟

■ نه، من ایرانی هستم. چند بار برای زیارت آمده‌ای؟

■ من برای بار دوم آمدم.

■ سنم شانزده سال است.

■ من از شهر جویبار از استان مازندران هستم.

■ آیا قبلاً به ایران رفته‌ای؟

■ ایران را چگونه دیدی؟

## گردشگری از کویت

■ سلام بر شما و رحمت و برکات خدا بر

شما

■ عصرتان روشن عزیزم

■ نه، من از کویت هستم. آیا تو از پاکستان

هستی؟

■ برای بار اول آمدم. تو چند بار آمده‌ای؟

■ چند سالت است؟

■ تو از کدام شهری؟

■ چقدر جنگل‌های مازندران و طبیعتش

زیباست.

■ بله، برای زیارت امام رضا هشتمین

امام رفتم.

■ ایران، واقعاً کشور زیبایی است و ملت

ایران، ملتی مهمان دوست هستند.

## تمارین

تمرین اول: عملیات حسابی زیر را همچون مثال، با اعداد بنویس.

(بعلاوه +) (تفریق -) (تقسیم  $\div$ ) (ضرب  $\times$ )

۱ ده در سه مساوی سی  $10 \times 3 = 30$

۲ نود منهای ده مساوی هشتاد  $90 - 10 = 80$

۳ صد تقسیم بر پنج مساوی بیست  $100 \div 5 = 20$

۴ شش ضرب در یازده مساوی شصت و شش  $6 \times 11 = 66$

۵ هفتاد و پنج بعلاوه بیست و پنج مساوی صد  $75 + 25 = 100$

۶ هشتاد و دو تقسیم بر دو مساوی چهل و یک  $82 \div 2 = 41$

تمرین دوم : در جای خالی عدد ترتیبی مناسب بنویس.

- ۱ الثانی = روز دوم از ایام هفته، یکشنبه است.
- ۲ السادس = روز ششم از ایام هفته، روز پنجشنبه است.
- ۳ الرابع = فصل چهارم در سال ایرانی، فصل زمستان است.
- ۴ الثالث = فصل سوم در سال ایرانی، فصل پاییز است.

تمرین سوم : در جاهای خالی اعداد مناسب بنویس.

از یک تا سی				
یک	اثنا (دو)	سه	چهار	خمسة (پنج)
سته (شش)	هفت	ثمانية (هشت)	نه	ده
یازده	اثنا عشر (دوازده)	سیزده	چهارده	خمسة عشر (پانزده)
سته عشر (شانزده)	هفده	هجده	تسعة عشر (نوزده)	بیست
بیست و یک	بیست و دو	ثلاثة و عشرون (۲۳)	بیست و چهار	خمسة و عشرون (۲۵)
بیست و شش	سبعة و عشرون (۲۷)	بیست و هشت	تسعة و عشرون (۲۹)	سی

اعداد عقود			
بیست	ثلاثون (سی)	چهل	پنجاه
ستون (شصت)	هفتاد	هشتاد	تسعون (نود)

تمرین چهارم : معدود صحیح را در جای خالی مشخص کنید.

- ۱ عشر امثال = هرکس نیکی بیاورد، پس ده برابرش برای اوست.
- ۲ لا عباً = یازده بازیکن در تیم فوتبال بازی می کنند.
- ۳ جنود = چهار سرباز جلوی در سازمان ایستاده اند.
- ۴ قمران = دو ماه دور ستاره مریخ هستند.
- ۵ نافذة = یک پنجره در خانه باز است.



تمرین پنجم : ساعت را با رقم بنویس.

- ۱ ده دقیقه به یازده
- ۲ هفت و بیست دقیقه
- ۳ دوازده تمام
- ۴ یک ربع به شش
- ۵ پنج و نیم

تمرین ششم : عبارات زیر را ترجمه کن. آیا می دانی که ...

- ۱ سگ قادر به شنیدن صدای ساعت از مسافت چهل قدمی است؟
- ۲ مورچه می تواند چیزی را حمل کند که وزنش پنجاه برابر بیشتر است؟
- ۳ هشتاد درصد موجودات عالم، حشرات هستند؟
- ۴ طول قد زرافه شش متر است؟
- ۵ کلاغ سی سال یا بیشتر زندگی می کند؟

## بحث علمی

بر حسب ذوقت درباره یک آیه در قرآن کریم و یک حدیث در نهج الفصاحه جستجو کن که در آن دو عدد وجود دارد.  
پس هر آنچه می توانید از قرآن بخوانید.

## باران ماهی

«خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد پس ابری را برمی‌انگیزد پس آن را در آسمان می‌گستراند...» آیا باور می‌کنی که روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان فرو می‌ریزند؟ قطعاً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است اما آیا ممکن است که باران ماهی را ببینیم؟ آیا گمان می‌کنی که آن باران، حقیقی باشد و فیلمی خیالی نباشد؟ بسیار خوب! پس به این عکس‌ها نگاه کن تا باور کنی! با دقت نگاه کن! تو سقوط ماهی‌ها از آسمان را می‌بینی گویا (از آسمان ماهی‌هایی می‌بارد).

مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می‌نامند. این پدیده مردم را در طول سال‌های طولانی متحیر کرد، پس جوابی برای آن نیافتند. «باران ماهی» سالانه در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی اتفاق می‌افتد. این پدیده گاهی در یک سال، دوبار اتفاق می‌افتد. پس مردم ابر بزرگ سیاهی و رعد و برقی و بادهای قوی و باران شدیدی را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می‌کنند، سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود، پس مردم آنها را برای پختن و خوردنش (برمی‌دارند) می‌گیرند.

دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده‌ی عجیب کوشیدند پس گروهی را برای دیدن مکان و شناختن ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند، فرستادند، پس دریافتند که بیشتر ماهی‌های پخش شده بر زمین از یک نوع هستند اما در این امر، عجیب این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های همسایه نیستند بلکه متعلق به اقیانوس اطلس هستند که به مسافت دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی‌ها دور هستند. سبب شکل‌گیری این پدیده چیست؟ گردبادی شدید اتفاق می‌افتد پس ماهی‌ها را با قوت به آسمان می‌کشد و آنها را به مکانی دور می‌برد و هنگامی که سرعتش را از دست می‌دهد بر زمین فرو می‌افتند.

مردم در هندوراس این روز را سالانه جشن می‌گیرند و آن را جشنواره باران ماهی می‌نامند.

«و از آسمان آبی فرو فرستاد پس به وسیله آن رزقی از میوه‌ها برایتان بیرون آورد.»

## صحیح و خطارا بر حسب متن درس مشخص کنید :

۱ اهالی هندوراس این روز را ماهانه جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره دریا» می‌نامند. غلط

(سالانه - جشنواره باران ماهی)

۲ هنگامی که گردباد، سرعتش را از دست می‌دهد، ماهی‌ها بر زمین فرو می‌افتند. صحیح

۳ دانشمندان از شناخت راز این پدیده عجیب ناامید شدند. غلط (بدان پی بردند)

۴ همانا نزول باران و برف از آسمان، امری طبیعی است. صحیح

۵ این پدیده ده بار در سال اتفاق می‌افتد. غلط (دوبار در سال)

### فعل ثلاثی مجرد و مزید (۱)

بر این اساس که ریشه هر فعلی، چند حرفی است، تقسیم به ثلاثی و رباعی و... می‌شوند که در این درس ثلاثی و انواعش مدنظر است اما سال بعد بخشی از رباعی آموزش داده خواهد شد.

اگر ریشه فعلی دارای سه حرف اصلی باشد، به آن ثلاثی می‌گویند. خود ثلاثی به دو قسم مجرد و مزید تقسیم می‌شود که ملاک، «اولین صیغه فعل ماضی» یعنی «لغاتب ماضی» در هر فعل است. در صورتی که صیغه لغاتب ماضی را بررسی کردیم و دیدیم که چیزی جز سه حرف اصلی ندارد، مجرد است.

کلمه «مجرد» به معنای «خالی» می‌باشد لذا فعلی که اولین صیغه ماضی اش از هر حرف اضافه ای خالی است، یک فعل مجرد به حساب می‌آید مثل: فعل «صَبَرَ» به معنای «صبر کرد» که در صیغه لغاتب ماضی، هیچ حرف اضافه ای ندارد و تنها سه حرف است. فعل «يُخْرِجُونَ» نیز باید برای تشخیص مجرد و مزید، اولین صیغه ماضی اش را پیدا کنیم که آن «خَرَجَ» می‌باشد. می‌بینیم که «خَرَجَ» نیز فقط شامل سه حرف اصلی بوده؛ پس ثلاثی مجرد است. در مقابل، اگر صیغه لغاتب ماضی را بررسی کردیم و حرف یا حرفی زائد پیدا کردیم، مطمئن می‌شویم که آن فعل، مزید است، مثلاً فعل «يُخْرِجُونَ» صیغه لغاتب ماضی اش «أَخْرَجَ» می‌باشد. فعل «أَخْرَجَ» غیر از سه حرف اصلی «خ ر ج» دارای یک حرف زائد یعنی «همزه» است، پس یک فعل مزید به حساب می‌آید.

وزن ماضی، مضارع، و مصدر افعال ثلاثی مجرد، سماعی است. یعنی باید آنها را یا شنیده باشیم که بدانیم بر چه وزنی هستند یا به کتاب لغت مراجعه کنیم مثلاً یک فعل بر وزن های «فَعَلَ يَفْعُلُ» و دیگری بر وزن «فَعَّلَ يَفْعُلُّ» است و هیچ قاعده صددرصدی برای اوزان و مصدرشان وجود ندارد اما ثلاثی مزید، قیاسی و قاعده مند است یعنی اوزان ماضی، مضارع و مصدرشان مشخص و ثابت است. در دروس سه و چهار کتاب، این اوزان بیان می‌شوند.

ثلاثی مزید هشت باب مشهور دارد که در درس سوم، چهارتا از آنها آموزش داده می‌شود. باب‌های استفعال، افتعال، انفعال و تفعل مورد بحث در این درس می‌باشد.

**باب استفعال:** اولین بایی که در کتاب معرفی شده است، باب استفعال می‌باشد. ماضی باب استفعال بر وزن «اسْتَفْعَلُ»، مضارع بر وزن «يَسْتَفْعِلُ» و مصدرش بر وزن «اسْتَفْعَالٌ» می‌باشد. در کتاب، یک ستون دیگر وجود دارد که وزن امر را معرفی کرده است. دقت داشته باشید که اولاً این، وزن امر حاضر یعنی امر صیغه مفرد مذکر مخاطب یا «للمخاطب» است. ثانیاً می‌دانیم که امر را از روی فعل مضارع می‌سازیم. ساختار امر در صیغه‌های مخاطب به این شکل است که ابتدا حروف مضارعه را حذف می‌کنیم. اگر حرفی که در ابتدا باقی ماند، دارای حرکت نبود، لازم است یک همزه به ابتدایش افزوده شود و در غیر این صورت نیازی به همزه نیست. سپس

برای حرکت دادن به همزه، باید عین الفعل، بررسی شود. در صورتی که عین الفعل، کسره یا فتحه داشت، این همزه، مجرور می‌شود (البته یک استثنا در باب افعال دارد که در درس بعدی به مدد الهی خواهیم گفت) و در صورتی که ضمه داشت، همزه نیز مضموم می‌گردد. در این ابواب نیز، همین قاعده جاری است اما اکثر دبیران برای افزایش تسلط دانش‌آموزان، امر را نیز در کنار ماضی و مضارع تدریس می‌کنند؛ به عبارتی اوزان باب استفعال به این ترتیب می‌باشد: ماضی = اِسْتَفْعَلُ / مضارع = يَسْتَفْعِلُ / امر حاضر = اِسْتَفْعِلْ / مصدر = اِسْتَفْعَالُ برای نمونه ریشه «غ ف ر» را به این باب می‌پریم: اِسْتَفْعَرَ (ماضی)، يَسْتَفْعِرُ (مضارع) اِسْتَفْعِرْ (امر حاضر)، اِسْتَفْعَارُ (مصدر).

دانش‌آموز باید بداند که هر کدام از این افعال، همانند ثلاثی مجرد در چهارده صیغه صرف می‌شوند. اکنون تعداد حروف زائدش را مورد توجه قرار دهید. اولین صیغه ماضی اش، «اِسْتَفْعَلُ» است که غیر از حروف اصلی «ف ع ل» دارای سه حرف زائد «همزه، سین، تاء» می‌باشد؛ لذا این فعل مزید دارای سه حرف زائد است. دانستن حروف زائد به دانش‌آموز کمک می‌کند که افعال را بهتر شناسایی کرده، به باب هر فعل، پی ببرد.

**باب اِفتعال :** باب بعدی که کتاب معرفی کرده است، «اِفتعال» می‌باشد. اوزان باب اِفتعال از این قرار است: ماضی = اِفْتَعَلَ، مضارع = يَفْتَعِلُ، امر حاضر = اِفْتَعِلْ و مصدر = اِفْتِعَالُ. در این فعل دو حرف زائد داریم یعنی با بررسی صیغه للغائب ماضی «اِفْتَعَلَ» می‌بینیم که این فعل دارای «همزه و تاء» زائد است. تنها بایی که دارای حروف زائد «همزه و تاء» توأمان است؛ همین باب اِفتعال است. لذا این نکته، راهنمای خوبی برای شناختن باب است.

مثال: اِشْتَرَكَ (ماضی)، يَشْتَرِكُ (مضارع)، اِشْتَرِكْ (امر حاضر)، اِشْتِرَاكُ (مصدر)

**باب اِنفعال :** باب بعدی اِنفعال است و اوزانش از این قرار هستند:

ماضی «اِنْفَعَلَ»، مضارع «يَنْفَعِلُ»، امر حاضر «اِنْفَعِلْ» و مصدر «اِنْفِعَالُ»

این باب نیز جزء ابوابی است که دو حرف زائد دارند. حروف «همزه و نون» دو حرف زائدی هستند که در اولین صیغه ماضی این باب وجود دارد. یادتان باشد اِنفعال تنها بایی است که دارای «نون» زاده است پس، به این دقت کنید که «نون» جزء حروف اصلی است یا زائد، اگر زائد بود، یقیناً باب اِنفعال داریم. مثال:

اِنْهَزَمَ (ماضی)، يَنْهَزِمُ (مضارع)، اِنْهَزِمْ (امر حاضر)، اِنْهَزَامُ (مصدر)

**باب تَفَعُّل :** چهارمین باب مذکور در این درس، تَفَعُّل است. اوزان باب تَفَعُّل:

تَفَعَّلَ (ماضی)، يَتَفَعَّلُ (مضارع)، تَفَعَّلْ (امر حاضر) و تَفَعُّلُ (مصدر)

اولین صیغه ماضی این فعل نیز دارای دو حرف زائد «تاء و تکرار عین الفعل» است. وجود «تشدید و تاء زائد» می‌تواند راهنمای خوبی برای شناختن باب تَفَعُّل باشد. مثال:

تَقَبَّلَ (ماضی)، یَتَقَبَّلُ (مضارع)، تَقَبَّلَ (امرحاضر)، تَقَبَّلَ (مصدر)

بیان دو نکته در این زمینه ضروری است :

۱ دانش آموز باید حرکات هر فعل و باب را دقیقاً به خاطر بسپارد، گرچه در تمارین کتاب نخواستہ که دانش آموز خودش فعل را بسازد و به شناختن افعال اکتفا کرده است ولی در کنکور سؤالاتی تحت عنوان «ضبط حرکات» وجود دارد که دقت دانش آموز در همین مسائل را مدنظر قرار می دهد. از سویی تغییر یک حرکت می تواند منجر به تغییر معنا، صیغه یا زمان افعال شود. به طور مثال :

فعل «افْتَعَلَ» ماضی للغائبین است ولی فعل «افْتَعَلَ» امر للمخاطبین است درحالی که فقط در حرکت عین الفعل باهم متفاوت هستند؛ لذا بسیار مهم است که دانش آموزان اعراب ها را به دقت به ذهن سپرده، تمرین کافی داشته باشند.

۲ صورت بعضی افعال باب تَفَعَّلَ در ماضی و امر عیناً مثل هم است نظیر افعال زیر :

تَفَعَّلَا : ماضی للغائبین و امر للمخاطبین و للمخاطبتین

تَفَعَّلُوا : ماضی للغائبین و امر للمخاطبتین

تَفَعَّلَنْ : ماضی للغائبات و امر للمخاطبات

اگر این افعال به تنهایی آمده باشند، همه موارد در موردشان صادق است اما اگر در جمله آمده باشند، باید از سبک و سیاق جمله و قرائن تشخیص دهیم که کدام صیغه است.

۳ دانستن حروف زائد هر باب برای شناختن آن، بسیار کمک کننده خواهد بود اما دانش آموز باید دقت کند

که حرفی که توجهش را جلب کرده، جزء سه حرف اصلی نباشد تا به خطا نیفتد مثلاً گاهی «نون» جزء حروف اصلی است اما به دلیل همراهی با همزه، ذهن دانش آموز را به سمت باب انفعال می برد مثل فعل «انْتَبَهَ». در این فعل حرف «نون» جزء حروف اصلی است اما می تواند ذهن دانش آموز را به سمت باب انفعال منحرف کند؛ در حالی که این فعل مربوط به باب افتعال است و «ن ب ه» حروف اصلی آن هستند.

گاهی نیز حرف «سین» سریعاً ذهن را به باب استفعال متمایل می کند در حالی که ممکن است این حرف، اصلی باشد مثل «اسْتَمَعَ» که از باب افتعال است ولی گاهی دانش آموز را به خطا انداخته، او تصور می کند این فعل از باب استفعال است.

لذا شایسته است به دقت این نکات برای دانش آموز توضیح داده شود.

۴ نکته آخر اینکه از اهداف آموزشی، این نیست که دانش آموز خودش افعال را به باب ها ببرد و آنها را بسازد. شما می توانید برای افزایش تمرکز و یادگیری بهتر کسانی که خواستار هستند، این کار را به عنوان فعالیت های فوق برنامه و امتیازی از آنها بخواهید.

اکنون می توانید «إختبر» صفحه ۳۰ را با همراهی دانش آموزان پاسخ دهید.

### افعال ثلاثی مزید را ترجمه، سپس نوع باب را مشخص کن.

اِسْتَعْفَرَ: طلب آمرزش کرد. یَسْتَعْفِرُ: طلب آمرزش می کند. اِسْتَعْفِرَ: طلب آمرزش کن. باب استفعال  
 اِعْتَدَرَ: پوزش خواست. یَعْتَدِرُ: پوزش می خواهد. اِعْتَدَرَ: پوزش بخواه. باب افتعال  
 اِنْقَطَعَ: بریده شد. یَنْقَطِعُ: بریده می شود. اِنْقَطَعَ: ببر – بریده شو. باب انفعال  
 تَكَلَّمَ: سخن گفت. یَتَكَلَّمُ: سخن می گوید. تَكَلَّمَ: سخن بگو باب تفعُّل

حال که دانش آموز چند فعل را در این باب‌ها دید و ترجمه متفاوتشان را حس کرد، می‌توانید از دلایل به کاربردن ابواب سخن بگویید. به راستی کاربرد ابواب چیست؟ و چه نقشی را در زبان عربی ایفا می‌کنند؟ هرگاه فعلی از ثلاثی مجرد وارد ثلاثی مزید می‌شود، غالباً تغییر معنا خواهد داشت؛ یعنی ترجمه فعل از باب‌های مختلف متأثر می‌شود، البته مواردی هم وجود دارد که فعلی که به باب می‌رود، معنایش مترادف ثلاثی مجرد می‌شود اما تعداد این ابواب نسبت به افعالی که تحت تأثیر باب قرار می‌گیرند، بسیار کمتر است. هربابی یک یا چند معنای مشهور و غالب دارد اما چنین نیست که به‌طور مطلق یک معنا را افاده کند. کتاب، به بیان پرکاربردترین معانی در هر باب پرداخته و دانستن همین مطالب، برای دانش‌آموز کفایت می‌کند، چرا که مبحث معانی ابواب بسیار گسترده است و کاری بس دشوار می‌نماید.

### معنای باب استفعال

باب استفعال همچون بقیه ابواب، دارای معانی متعددی است اما معنای پرکاربرد و غالب در این باب، طلب است. بسیاری از افعال در این باب، معنای طلب را افاده می‌کنند لذا این معنای طلب مشهور است. به‌طور مثال فعل «اِسْتَعْفَرَ» که قبلاً ترجمه کردیم، دربردارنده معنای طلب است. یا فعل «رَحِمَ» به معنای «رحم کرد» وقتی به این باب می‌رود، معنای درخواست و طلب می‌دهد، «اِسْتَرْحَمَ» یعنی «رحمت خواست». معنای دیگری برای این باب وجود دارد که فراوانی اش کمتر از «طلب و درخواست» است اما این معنا هم کاربرد دارد و آن عبارت است از «مفعول را دارای صفتی یافتن»؛ یعنی مفعول را در جمله دارای ویژگی و صفتی می‌یابیم. به‌طور مثال فعل «كَبَّرَ» به معنای «بزرگ بود» در باب اِسْتَفْعَالَ «اِسْتَكْبَرَّ» این معنا را می‌دهد: «خود را بزرگ یافت». در آیه «فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» کلمه «ابلیس» مفعول جمله است که دارای ویژگی «کبر و خودبزرگ بینی» است. در مثالی دیگر عبارت «اِسْتَكْرَمْتُ سَعِيداً» را ببینید. کلمه «اِسْتَكْرَمْتُ» به باب اِسْتَفْعَالَ رفته است و شامل این معنای دوم است؛ یعنی مفعول جمله، «سعيد» را دارای صفتی می‌بینم. ترجمه عبارت این است: «سعيد را با کرامت یافتم».

### اختبر نفسک : خود را بیازمای : به فارسی ترجمه کن.

■ او شمارا از زمین پدید آورد و در آن، خواستار آباد کردن از شما شد پس از او طلب آموزش کنید. در این عبارت فعل «استعمر» ماضی للغائب باب استفعال و فعل «استغفروا» امر للمخاطبین باب استفعال است که هر دو معنای طلب را افاده می‌کنند. تشخیص باب این دو فعل و زمان و صیغه آنها را از دانش‌آموز بخواهید.

■ اگر از شما در دین یاری خواستند؛ پس یاری کردن بر شما واجب است (بر شما باد به یاری کردن). فعل «استنصروا» ماضی للغائبین باب استفعال و در معنای خواستن و طلب است.

حَدَمَ : خدمت کرد.      اِسْتَحْدَمَ : طلب خدمت کرد/ استخدام کرد

شَهِدَ : شاهد بود.      اِسْتَشْهَدَ : طلب شهادت کرد/ شاهد خواست

در این دو فعل باب استفعال نیز معنای طلب را می‌بینیم. خوب است به دانش‌آموزان بگویید بسیاری از افعالی که به باب استفعال می‌روند، متعدی هستند البته قطعی و صد در صدی نیست، بلکه در بسیاری موارد، چنین است.

### معنای باب‌های افعال، انفعال و تَفَعُّل

معنای غالب و مشهور در این سه باب، مطاوعه و اثرپذیری است. بسیاری از دانش‌آموزان در درک این معنا مشکل دارند، سعی کنید به خوبی و به وضوح مطلب را توضیح دهید.

مطاوعه، یعنی اتفاقی افتاده یا کاری انجام شده و کسی تحت تأثیر آن کار یا اتفاق قرار گرفته است. معمولاً برای بیان مطاوعه از این باب‌ها استفاده می‌کنند. به طور مثال: «منع الطبيبُ المریضَ عن العمل، فامتنع» یعنی: «پزشک بیمار را از کار باز داشت پس او از کار خودداری کرد.» دَقَّتْ کنید، فعل «مَنَعَ» که مربوط به ثلاثی مجرد و به معنای «بازداشت» است، به باب افعال رفته (اِمْتَنَعَ) و افاده‌ی مطاوعه، کرده است. در واقع مریض تحت تأثیر منع پزشک، از کار، خودداری کرده است لذا در این فعل، معنای مطاوعه و اثرپذیری را شاهد هستیم. عبارت «أَدَبَ الوالدُ الطِّفْلَ، فَتَأَدَّبَ»، به معنای «پدر، کودک را ادب کرد پس او با ادب شد»، دارای فعل «تَأَدَّبَ» از باب تَفَعُّل است. در اینجا نیز پدر، فعلی انجام داده و کودک تحت تأثیر آن فعل قرار گرفته است لذا معنای مطاوعه را می‌بینیم.

در جمله «كسر الطفلُ الزجاجَ، إنكسرَ الزجاجُ» به معنای «کودک، شیشه را شکست، شیشه شکسته شد.» فعل «إنكسر» در باب افعال را می‌بینیم که معنای مطاوعه دارد.

در عبارت «نَبَّهْتُ المجرمَ، فانتبهَ» یعنی «مجرم را آگاه ساختم، پس آگاه شد.» فعل «إنتبه» به باب افعال رفته است و افاده‌ی مطاوعه می‌کند.

### اِخْتَبَرِ نَفْسَكَ : به فارسی ترجمه کن.

قطع : برید	إِنْقَطَعَ : بریده شد	(باب انفعال = مطاوعه)
بعث : فرستاد	أَنْبَعَثَ : فرستاده شد	(باب انفعال = مطاوعه)
نشر : منتشر کرد	إِنْتَشَرَ : منتشر شد	(باب افتعال = مطاوعه)
ملاً : پر کرد	إِمْتَلَأَ : پر شد	(باب افتعال = مطاوعه)
فَتَّحَ : باز کرد	تَفْتَحَ : باز شد	(باب تَفَعَّلَ = مطاوعه)

«عَلِمَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا فَتَعَلَّمَ : خداوند همه اسماء را به انسان یاد داد، پس یاد گرفت.» در این عبارت فعل «تَعَلَّمَ» از باب تَفَعَّلَ و در معنای مطاوعه است.

«جَمَعْتُ زَمَلَانِي لِلْإِصْفَافِ الصَّبَاحِ فَاجْتَمَعُوا. هم کلاسی‌هایم را برای به صف شدن صبحگاهی جمع کردم، پس جمع شدند.» فعل «اجتمعوا» ماضی باب افتعال و به معنای اثرپذیری است. اگر دقت کنید می‌بینید که در موارد بسیاری فعل‌هایی که معنای مطاوعه دارند، همراه با «شد» ترجمه می‌شوند البته مطلق نیست ولی کاربرد زیادی دارد.

باب‌های افتعال و تَفَعَّلَ در بسیاری موارد لازم هستند اما ممکن است فعل متعدی هم داشته باشند اما باب انفعال در صد در صد مواقع، لازم می‌باشد. اما لازم و متعدی به چه معناست؟

### فعل لازم و فعل متعدی

هر جمله فعلیه علاوه بر فعل و فاعل (یا نایب فاعل) ممکن است مفعول هم داشته باشد. اما فاعل و مفعول چه چیزی هستند و چه شاخصه‌هایی دارند؟

فاعل اسمی است که انجام دهنده کار یا دارنده حالت است و معمولاً با سؤال «چه کسی/چه چیزی» در جمله شناسایی می‌شود. فاعل همواره مرفوع است.

مفعول اسمی است که کاری بر آن واقع می‌شود. در بسیاری از موارد با سؤال «چه کسی را/چه چیزی را» پیدا می‌شود و کلمه «را» شناسه آن در فارسی است. اما گاهی هم کلمه‌ای که در فارسی به صورت متمم ترجمه می‌شود، مفعول جمله واقع می‌گردد. البته این، در صورتی است که حرف جرّ بر سر آن نیامده باشد مثلاً «عَلَّمْتُكَ الدَّرْسَ» به معنای «درس را به تو یاد دادم». در این عبارت ضمیر «ک» مفعول اول و کلمه «الدرس» مفعول دوم است در حالی که هنگام ترجمه به فارسی ضمیر «ک» را به صورت متمم — به تو — ترجمه می‌کنیم.

این نکته را در ذهن داشته باشید که مفعول همواره منصوب است.

اکنون می‌خواهیم فعل لازم و متعدی را توضیح دهیم. اگر فعل جمله به نحوی باشد که برای تکمیل



معنایش نیازی به مفعول نداشته باشد، فعل لازم نامیده می‌شود و اگر فعل برای تکمیل معنا نیازمند به مفعول باشد، متعدی نام دارد مثل :

- ۱ ذهب علی «علی رفت» یک جمله کامل است و نیازی به مفعول ندارد و اگر سؤال «چه کسی را؟» از آن بپرسیم یعنی بگوییم: «چه کسی را رفت؟» کاملاً بی معنا خواهد بود، لذا فعل «ذهب» یک فعل لازم است.
- ۲ أرسَل جوادُ رسالَةً «جواد نامه‌ای را فرستاد» جمله‌ای است که در بردارنده مفعول می‌باشد. به عبارتی فعل «أرسَل» با فاعلش یعنی «جواد» یک معنای کامل را نمی‌رساند و سؤال «چه چیزی را؟» بی جواب می‌ماند مگر اینکه مفعولی برایش بیاید که در اینجا «رساله» است و می‌بینیم که کلمه «رساله» پاسخ سؤال «جواد چه چیزی را فرستاد؟» می‌باشد. پس فعل «أرسَل» یک فعل متعدی است.

### إختبر نفسك : این جمله‌ها را ترجمه کن و فعل متعدی را مشخص کن.

- ۱ این پدیده دوبار در سال اتفاق می‌افتد. فعل «تحدث» فعل لازم
- ۲ خداوند آسمان را با ستارگانی همچون مرواریدها زینت داد. فعل «زان» فعل متعدی
- ۳ پدر حامد رایانه‌ای برای او خرید. فعل «اشتري» فعل متعدی

## تعدی به بیش از یک مفعول

برخی افعال در زبان عربی هستند که نیازمند بیش از یک مفعول هستند. پیش‌تر مثال «عَلَّمْتُكَ الدرس» را مطرح کردیم و گفتیم که دارای دو مفعول «ک» و «الدرس» است. ما در زبان فارسی دو یا چند مفعولی نداریم، اما در زبان عربی چنین امری ممکن است. البته کتاب فقط افعال دو مفعولی را در سطح بسیار مختصری مطرح کرده است و لازم نیست دانش‌آموز چیزی بیش از این بداند. پس متمم‌های زبان فارسی در صورتی که در زبان عربی بدون حرف جر بیایند، مفعول خواهند بود که این امر را در افعال دو مفعولی به وضوح می‌بینیم.

کتاب تعدادی از افعال دو مفعولی را معرفی کرده است که لازم است دانش‌آموز همه آنها را به دقت به خاطر بسپارد. این افعال عبارت‌اند از: «أَتَى و أعطى به معنای داد (چه چیزی را به چه کسی، هر دو مفعول خواهند بود)، جعل (قرار داد)، رزق (روزی داد)، ألبس (پوشانید)، بَلَّغ (رسانید)، صَيَّرَ (گردانید)، وَجَدَ (یافت)، ظَنَّ و حَسِبَ (گمان کرد)، سَمِيَ (نامید)، وعد (وعده داد)

- «و قد آتيناك مِن لَدُنَّا ذِكْرًا : و از نزد خودمان به تو ذکری (قرآن) را داده‌ایم.» در این عبارت ضمیر «ک» و «ذکرًا» مفعول هستند که در ترجمه، یکی را به صورت متمم و دیگری را همراه با «را» می‌بینیم. پس فعل «آتينا» فعلی دو مفعولی است.

به این نکته هم توجه کنید که میان دو مفعول فاصله افتاده است و این منعی ندارد.

- «اندوه را شادی گردانیدم». در این عبارت کلمات «الحزن» و «سروراً» هر دو مفعول هستند لذا فعل «صیرت» دومفعولی می باشد.
- «دانش را سودمند یافتیم». در این عبارت کلمات «العلم» و «نافعاً» مفعول هستند و فعل «وجدنا» دومفعولی است.
- «خانه را نزدیک پنداشتند». در این جمله نیز کلمات «البيت» و «قرباً» مفعول بوده و فعل «ظنوا» دو مفعولی است.

**إختبر نفسك : این جملات را ترجمه کن سپس دو مفعول را در هر عبارت مشخص کن.**

- ۱ دیروز به کارگر پول هایی را دادم. کلمات «العامل» و «تقوداً» هر دو مفعول هستند.
- ۲ سخن دروغگو را مهم میندار. کلمات «كلام» و «مهمناً» هر دو مفعول هستند.
- ۳ استاد، دانش آموز را کوشا پنداشت. کلمات «الطالب» و «مجتهداً» هر دو مفعول هستند.
- ۴ صبر را حل کننده مشکلات یافتیم. کلمات «الصبر» و «حلال» هر دو مفعول هستند.
- ۵ باران زمین را بعد از غبار آلودگی سرسبز گردانید. کلمات «الأرض» و «خضرة» مفعول هستند.

## گفتگو (در بخش گذرنامه ها)

### نگهبان اداره گذرنامه

خوش آمدید! شما از کدام کشور هستید؟

خوش آمدید! ما را مشرف فرمودید.

ماشاءالله! خوب به عربی سخن می گویی!

تعداد همراهان چندتاست؟

خوش آمدید میهمانان! آیا بلیت های ورود دارید؟

مردان به سمت راست و زنان به سمت چپ بروند برای بازرسی. چشم!

لطفاً! گذرنامه هایتان را در دستانتان قرار دهید.

### مسافر ایرانی

ما از ایران و از شهر زابل هستیم.

سپاسگزارم سرورم.

این زبان را دوست دارم. عربی زیباست!

شش تا! پدر و مادرم، دوخواهرم و دو برادرم.

بله! هریک از ما بلیتش دستش است.

چشم!

ما آماده ایم.

تمرین اول: جمله صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن.

- ۱ جشنواره، جشنی است به مناسبتی زیبا همچون جشنواره شکوفه‌ها و جشنواره فیلم‌ها. صحیح
- ۲ برف، نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر کوه‌ها نازل می‌شود. غلط
- ۳ ایرانی‌ها اولین روز از روزهای سال شمسی را به عنوان نوروز جشن می‌گیرند. صحیح
- ۴ ماهی‌ها در جوی و دریا زندگی می‌کنند درحالی که انواع مختلفی دارند. صحیح
- ۵ گردباد، بادی شدید است که از مکانی به مکان دیگر منتقل نمی‌شود. غلط

تمرین دوم: در جای خالی فعلی مناسب قرار بده و صیغه‌اش را مشخص کن.

- ۱ پس صبر کن همانا وعده خداوند حق است و برای گناهت طلب آموزش کن. إغفر (بیامرز) ثلاثی مجرد – استغفر (طلب آموزش کن) صحیح به علت معنای طلب و درخواست که در باب استفعال وجود دارد. صیغه: مفرد مذکر مخاطب (للمخاطب)
- ۲ همه ما بعد از سه سال از مدرسه دانش آموخته خواهیم شد. تخرّج (دانش آموخته می‌شویم) صحیح، به علت معنای مطاوعه که در باب تفعّل داریم – نخرج (خارج می‌شویم) ثلاثی مجرد، غلط است زیرا معنا ندارد که بعد از سه سال از مدرسه خارج شویم بلکه هدف، معنای اثرپذیری از حضور در مدرسه است. صیغه: للمتكلم مع الغير
- ۳ خدای من! امید من از خلق بریده شد درحالی که تو امید من هستی. قطع (برید) ثلاثی مجرد – انقطع (بریده شد) صحیح، زیرا می‌خواهد بگوید در اثر امیدواری به خداوند، امید به خلق بریده می‌شود لذا مطاوعه مدّنظر است و باید بین این دو فعل، آنچه مربوط به باب انفعال است، انتخاب شود. صیغه: مفرد مذکر غایب (للاغائب)
- ۴ دوستم برای بازگشت به خانه، انتظار پدرش را می‌کنشید. ينتظر (انتظار می‌کشد) صحیح، زیرا باید معنای مطاوعه دهد لذا فعل باب افتعال را برمی‌گزینیم – ينظر (نگاه می‌کند) ثلاثی مجرد، صیغه: مفرد مذکر غائب (للاغائب)
- ۵ من و هم کلاس ام‌نامه‌هایی را از طریق اینترنت دریافت کردیم. إستلمنا (دریافت کردیم) صحیح، زیرا فعل (سلم) در اینجا معنا نمی‌دهد و باید به باب افتعال برود – سلمنا (سالم ماندیم) ثلاثی مجرد، در جمله بی‌معنا است. صیغه: للمتكلم مع الغير

### تمرین سوم : آیه‌ها و دو حدیث را ترجمه کن.

- ۱ برای گناهانشان طلب آمرزش کردند و فقط خداوند است که گناهان را می‌آمرزد. (چه کسی گناهان را می‌آمرزد به جز خداوند؟) این عبارت دارای دو فعل «إِسْتَعْفَرُوا» و «يَغْفِرُ» است. فعل اول ماضی للغائبین باب استفعال و دومی مضارع للغائب ثلاثی مجزّد است.
- ۲ پس بگو غیب فقط برای خداوند است پس منتظر باشید همانا من همراه با شما از منتظران هستم. در این عبارت فعل «إِنْتَظِرُوا» امر للمخاطبین باب افتعال می‌باشد.
- ۳ صبر کن بر آنچه می‌گویند و از آنها جدا شو (از آنها دوری کن). در این جمله هر سه فعل از ثلاثی مجزّد هستند «إصبر» امر للمخاطب، «يقولون» مضارع للغائبین و «أهجر» نیز امر للمخاطب است.
- ۴ مردم خفتگانند پس هنگامی که می‌میرند، بیدار می‌شوند. در این عبارت فعل «إِتَّبِعُوا» ماضی باب افتعال در صیغه للغائبین است.
- ۵ همانا شما مسئولید حتی نسبت به زمین‌ها و چهارپایان.

### تمرین چهارم : کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن.

- |                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| أَنْزَلَ (نازل کرد) ≠ رفع (بالا برد) | أَصْبَحَ (شد) = صَارَ                   |
| حَفَلَةٌ (جشن) = مَهْرَجَانٌ         | صَعِدَ (بالارفتن) ≠ نَزَلَ (پایین آمدن) |

### تمرین پنجم : جمله‌های زیر را ترجمه کن.

- صورت‌هایتان را بشوید. (فعل «إِغْسِلُوا» امر للمخاطبین ثلاثی مجزّد)
- آنها را می‌شناسند. (فعل يعرفون مضارع للغائبین ثلاثی مجزّد)
- کسانی که ستم کردند، خواهند دانست. (فعل «يَعْلَمُ» مضارع للغائب ثلاثی مجزّد و «ظلموا» ماضی للغائبین ثلاثی مجزّد)
- آنچه را شما نمی‌دانید، می‌دانم. (فعل «أَعْلَمُ» مضارع للمتکلم وحده ثلاثی مجزّد و تعلمون مضارع للمخاطبین ثلاثی مجزّد)
- و ناامید نشوید. (فعل تياسوا مضارع للمخاطبین ثلاثی مجزّد)
- می‌گویند شنیدیم. (فعل «يقولون» مضارع للغائبین ثلاثی مجزّد و «سمعنا» ماضی للمتکلم مع الغير ثلاثی مجزّد)
- بیشترشان شکر نمی‌کنند. (فعل «يشكرون» مضارع للغائبین ثلاثی مجزّد)
- آن را بیرون آورد. (فعل «استخرج» ماضی للغائب باب استفعال)

- به سوی پروردگارت بازگرد. (فعل «إرجعی» امر للمخاطبة ثلاثی مجزّد)
- به خودم ستم کردم. (فعل «ظلمتُ» ماضی للمتكلم وحده ثلاثی مجزّد)
- آنها را پیشوایان قرار دادیم. (فعل «نجعل» مضارع للمتكلم مع الغير ثلاثی مجزّد)
- بر چیزی توانمند نیست. (فعل «بقدر» مضارع للغائب ثلاثی مجزّد)
- گفت پس از آن، خارج شو! (فعل «قال» ماضی للغائب ثلاثی مجزّد و «أخرج» امر للمخاطب ثلاثی مجزّد)
- دریا را ترک کن. (فعل «أتْرکُ» امر للمخاطب ثلاثی مجزّد)
- در زمین جستجو می کند. (فعل «یَبْحَثُ» مضارع للغائب ثلاثی مجزّد)
- می ساختند. (فعل «کانوا» ماضی للغائبین ثلاثی مجزّد «یصنعون» مضارع للغائبین ثلاثی مجزّد)

می توانید از دانش آموزان بخواهید که از میان افعال فوق لازم و متعدّی‌ها را شناسایی کنند. تمامی افعال، متعدّی بودند به جز این موارد: لا تَبأسُوا، إرجعی، لا یَقْدِرُ، أخرج، در ضمن فعل «نجعل» دو مفعولی می باشد.

## جستجوی علمی

درباره قصه کوتاه قرآنی به زبان عربی در اینترنت یا مجله‌ای یا کتابی جستجو کن و با کمک گرفتن از فرهنگ لغت عربی - فارسی آن را به فارسی ترجمه کن.

## همزیستی مسالمت آمیز

قطعاً رسالت اسلام در گذر زمان براساس منطق و دوری از هرگونه بدی استوار است. پس به درستی که خداوند می‌گوید: «و نیکی و بدی برابر نیستند (بدی را) به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آن گاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.»

همانا قرآن به مسلمانان امر می‌کند که معبودهای مشرکان و کفار را دشنام ندهند. پس او می‌گوید: «کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند...» اسلام به ادیان الهی احترام می‌گذارد. «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه‌ای یکسان بین ما و شما که جز خداوند را نپرستیم و چیزی را به او شرک نوزیم».

قرآن بر آزادی عقیده تأکید می‌کند: «هیچ اجباری در دین نیست». اصرار بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نمی‌باشد زیرا به وسیله آن کسی سود نمی‌برد و بر همه مردم واجب است که با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند همراه با اینکه هر یک از آنها عقایدش را نگه دارد؛ زیرا «هر گروهی با آنچه نزدشان هست، خوشحالتند».

کشورهای اسلامی مجموعه‌ای از ملت‌های بسیارند که در زبان‌ها و رنگ‌هایشان متفاوت‌اند. خداوند بلند مرتبه فرمود: «ای مردم! به درستی که ما شما را از مذکر و مؤنث خلق کردیم و شما را ملت‌ها و قبایلی قرار دادیم برای اینکه یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» قرآن ما را به یکپارچگی امر می‌کند.

«همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و پراکنده نشوید...» اتحاد امت اسلامی در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود که از جمله آنها (شکل‌ها) اجتماع مسلمانان در مکانی واحد در حج است. مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند که در مساحتی وسیع از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند. امام خمینی (رحمت خدا بر او باد) فرمود: «هنگامی که کسی کلامی بگوید که مسلمانان را پراکنده کند، پس بدانید که او یا نادان است یا دانایی است که برای ایجاد تفرقه میان صفوف مسلمانان تلاش می‌کند.»

و رهبرمان آیت‌الله خامنه‌ای فرمود: «هر کس از شما کسی را بنگرد که به تفرقه دعوت می‌کند، پس او مزدور دشمن است.»

## صحیح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کن.

- ۱ اصرار کردن بر نقاط اختلاف و دشمنی برای دفاع از حقیقت جایز است. غلط (جایز نیست)
- ۲ رسالت اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی استوار است. صحیح
- ۳ بر همه مردم واجب است که با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند. صحیح
- ۴ بعضی از ملت‌ها به سبب رنگ بر دیگران برتری دارند. غلط (برتری فقط در تقواست)
- ۵ یک چهارم ساکنین جهان از مسلمانان هستند. غلط (یک پنجم)

## بدانید: فعل ثلاثی مزید (۲)

در درس قبل با تعریف مجزّد و مزید دربارهٔ افعال آشنا شدید و نیز چهار باب از باب‌های ثلاثی مزید معرفی شد. در این درس چهار باب دیگر را بیان خواهیم کرد.

باب افعال یکی از پرکاربردترین ابواب ثلاثی مزید است. ماضی، مضارع، امر حاضر و مصدر این باب را به ترتیب می‌بینیم:

«أَفْعَلٌ، يُفْعَلُ، أَفْعَلٌ، إِفْعَالٌ» نظیر: «أَحْسَنُ، يُحْسِنُ، أَحْسِنُ، إِحْسَانٌ».

همانطور که می‌بینیم صیغه لغائب ماضی این فعل یعنی «أَفْعَلٌ» دارای یک «همزه» زائد است. یک نکته بسیار مهم در مورد این باب ناظر به ساختار امر حاضر آن است. در همه جا برای ساخت امر حاضر در صورتی که نیاز به همزه باشد، حرکت همزه بر اساس عین الفعل یا مکسور می‌شود یا مضموم. در واقع همان‌طور که پیش‌تر گفته بودیم در صورتی که عین الفعل مکسور یا مفتوح بود، همزه مکسور می‌شد و در صورتی که مضموم بود، همزه نیز ضمه می‌گرفت. اما تنها یک استثنا وجود دارد و آن، امر حاضر باب افعال است که در هر شرایطی باید همزه مفتوح بگیرد. در واقع تنها امری که ابتدایش همزه مفتوحه می‌آید، امر حاضر باب افعال است. اکنون صرف شش صیغه امر حاضر این باب را در یک نمونه ببینید:

«أَخْرِجْ، أَخْرِجَا، أَخْرِجُوا، أَخْرِجِي، أَخْرِجِي، أَخْرِجِي»

می‌بینید با وجود اینکه عین الفعل کسره دارد، همزه ابتدایش مفتوح شده است.

## باب تفعیل

باب تفعیل نیز از دیگر ابواب ثلاثی مزید است. ماضی، مضارع، امر و مصدر آن بدین ترتیب است:

«فَعَّلٌ، يُفَعَّلُ، فَعَّلٌ، تَفَعُّلٌ» نظیر: «حَسَّنَ، يُحَسِّنُ، حَسَّنَ، تَحْسِينٌ»

با دقت در فعل «فَعَّلَ» که اولین صیغه ماضی این باب است، در می‌یابیم که این باب هم تنها دارای یک حرف زائد یعنی «تکرار عین الفعل» است.

به امر حاضر این باب توجه کنید. می‌بینیم که بعد از حذف حروف مضارعه، فاء الفعل دارای حرکت است؛ لذا قابل خواندن بوده و نیازمند همزه نمی‌باشد.

### باب مفاعلة

ماضی، مضارع، و مصدر باب مفاعلة به ترتیب چنین است:

«فَاعَلَّ، يُفَاعِلُ، فَاعِلٌ، مُفَاعَلَةٌ» همچون: «قَابَلُ، يُقَابِلُ، قَائِلٌ، مُقَابَلَةٌ»

این باب نیز تنها دارای یک حرف زائد یعنی «الف» است. در این باب هم دانش‌آموزان را به حرکات دقیق توجه دهید. ماضی للغائبین و امر للمخاطبین تنها در حرکت عین الفعل متفاوت‌اند؛ و این نیازمند دقت بیشتر دانش‌آموزان است. ضمناً مصدر این باب در زبان فارسی هم بسیار پرکاربرد است، با این تفاوت که ما معمولاً بر وزن «مُفَاعَلْتُ» به کار می‌بریم؛ مثل «مُجَاهَدْتُ»، «مُشَارِكْتُ»، «مُمَارِسْتُ» و... اما حرکت عین الفعل همین کلمات در زبان عربی مفتوح است؛ یعنی «مُجَاهَدَةٌ»، «مُشَارِكَةٌ»، «مُمَارِسَةٌ» و...

در برخی سؤالات «عین الخطأ» دیده شده است که حرکت «عین الفعل» این کلمات را مکسور کرده‌اند تا دانش‌آموزی که غفلت می‌کند از دانش‌آموزی که با دقت می‌نگرد، تشخیص داده شود. پس این نکته را به دانش‌آموزان گوشزد نمایید.

### باب تفاعل

باب تفاعل یکی از ابواب ثلاثی مزید می‌باشد که اوزان ماضی، مضارع، امر و مصدرش به ترتیب چنین است:

«تَفَاعَلُ، يَتَفَاعَلُ، تَفَاعُلٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَاعُلٌ» مثل: «تَقَابَلُ، يَتَقَابَلُ، تَقَابُلٌ، تَقَابُلٌ»

با بررسی لغائب ماضی این باب، در می‌یابیم که دارای دو حرف زائد «تاء / الف» است. در این باب هم یک سری افعال مشابه داریم که باید به آنها توجه داشته باشیم. صیغه للغائبین ماضی در این باب بر وزن «تَفَاعَلُوا» دقیقاً شبیه امر صیغه للمخاطبین می‌باشد. صیغه للغائبین ماضی نیز دقیقاً نظیر للمخاطبین امر یعنی «تَفَاعَلُوا» است و از دیگر مشابهات در صیغه للغائب ماضی و للمخاطبات امر است که هر دو «تَفَاعَلُنَّ» هستند. دانش‌آموز باید دقت و توجه کامل به این موارد داشته باشد.

از سویی در ابتدای ماضی باب‌های تَفَعَّلُ و تفاعل حرف «تاء» وجود دارد که باعث می‌شود بسیاری از دانش‌آموزان هرگاه با این افعال روبه‌رو می‌شوند، تصور کنند که این «تاء»، حروف مضارعه بوده لذا با یک فعل مضارع مواجه هستند!! درحالی که چنین نیست! لذا شما می‌توانید با بیان این نکات، ضریب خطا را در دانش‌آموزان پایین بیاورید.



اختبر نفسک (خود را بیازمای) : افعال ثلاثی مزید را ترجمه کن و بابشان را بنویس.	
تَعَامَلْ (ماضی) : داد و ستد کرد (صیغه للغائب)	يَتَعَامَلُ (مضارع) : داد و ستد می کند. (صیغه للغائب)
تَعَامَلْ (امر) : داد و ستد کن! (صیغه للمخاطب)	تَعَامَلْ (مصدر باب تفاعل) : داد و ستد کردن
عَلِّمْ (ماضی) : یاد داد (لغائب)	يُعَلِّمُ (مضارع) : یاد می دهد (لغائب)
عَلِّمْ (امر) : یاد ده! (للمخاطب)	تَعْلِيمٌ (مصدر باب تفعیل) : یاد دادن
كَاتَبَ (ماضی) : نامه نگاری کرد (لغائب)	يُكَاتِبُ (مضارع) : نامه نگاری می کند (لغائب)
كَاتَبَ (امر) : نامه نگاری کن! (للمخاطب)	مُكَاتَبَةٌ (مصدر باب مفاعلة) : نامه نگاری کردن
أَدْخَلَ (ماضی) : داخل کرد (لغائب)	يُدْخِلُ (مضارع) : داخل می کند (لغائب)
أَدْخَلَ (امر) : داخل کن! (للمخاطب)	إِدْخَالٌ (مصدر باب افعال) : داخل کردن

## معانی ابواب

در درس گذشته عرض کردیم که وقتی فعلی به ثلاثی مزید می رود، ترجمه اش متأثر می شود. با تأثیر باب های استفعال، افتعال، انفعال، و تفعّل آشنا شدید. اکنون می خواهیم تأثیر بقیه ابواب را بر ترجمه افعال بیان کنیم. معنای غالب و مشهور در باب های افعال و تفعیل «تعدیه» است. تعدیه یعنی متعدی کردن. در واقع اگر فعل لازمی به باب های افعال و تفعیل برود، در قریب به اتفاق مواقع، متعدی خواهد شد و نیز اگر فعل متعدی به این باب ها برود، غالباً تبدیل به فعلی دومفعولی می شود. به مثال های کتاب درسی دقت کنید. فعل «نَزَلَ» در ثلاثی مجرّد به معنای «پایین آمد» یک فعل لازم است ولی وقتی به باب تفعیل می رود، «نَزَلَ» متعدی می شود و معنای «پایین آورد» پیدا می کند. فعل «جَلَسَ» نیز در ثلاثی مجرّد به معنای «نشست»، فعلی لازم است، اما در باب افعال «أَجَلَسَ» به معنای «نشاند» متعدی خواهد بود. به فعل «عَلَّمَ» دقت کنید. این فعل در ثلاثی مجرّد به معنای «دانست» است. این فعل، متعدی است و وقتی به باب تفعیل می رود، «عَلَّمَ» به معنای «یاد داد» یک فعل دو مفعولی می شود. به عبارت روبرو نگاه کنید تا دو مفعولش را ببینید : «عَلَّمْتُكَ الدَّرْسَ» در این جمله فعل «عَلَّمْتُ» از باب تفعیل به معنای «یاد دادم» و دو مفعولی است. ضمیر «ک» مفعول اوّل و «الدَّرْسَ» مفعول دومش می باشد. به معنای عبارت توجه کنید : «درس را به تو یاد دادم.» مفعول بودن کلمه «درس» واضح است چون با «را» همراه شده است اما «به تو» در مثال مذکور، متمم زبان فارسی است؛ ولی چون در زبان عربی بدون حرف جر آمده است، مفعول فعلش به حساب می آید. (البته نکاتی در این زمینه وجود دارد که لازم به ذکر نیست.)

در این قسمت ذکر این نکته ضروری می نماید که در صورتی که فعلی به باب های افعال و تفعیل برود و معنای ثلاثی مزیدش کاملاً متفاوت از ثلاثی مجرّدش شود و هیچ تناسب معنایی میان آن دو نباشد؛ دیگر تعدیه

معنایی ندارد. مثلاً فعل «صَدَقَ» در ثلاثی مجزّد به معنای «راست گفت» وقتی به باب افعال می‌رود، «أَصَدَقَ» به معنای «مهریه تعیین کرد» می‌شود و اساساً ریشه معنایی متفاوتی پیدا می‌کند؛ لذا دیگر تعدیه معنایی ندارد. تعدادی از افعال در باب افعال هستند که لازم می‌باشند نظیر: «أَدَبَرَ، أَلْفَحَ، أَسْفَرَ، أَمَكَّنَ، أَصَدَقَ، أَوْزَقَ، أَمَنَ، أَقْبَلَ و...». در واقع فعل‌هایی که نیازمند حرف اضافه هستند، غالباً لازم هستند هر چند در باب افعال باشند.

اکنون مثال‌های کتاب را بررسی می‌کنیم:

«نَزَلَ حَامِدٌ مِنَ فَوْقِ الْفَرَسِ وَلَكِنْ خَافَ مَاجِدٌ وَ مَانِرٌ لَمْ يَنْزِلْهُ»

«حامد از روی اسب پیاده شد ولی ماجد ترسید و پیاده نشد و پدرش او را پیاده کرد.»

دَقَّتْ كَنبِدَ فَعَلَ «نَزَلَ» به معنای «پیاده شد» لازم است؛ اما در باب افعال «أَنْزَلَ» پیاده کرد» متعدی شده است.

اما همانطور که پیش‌تر گفتیم معانی مذکور، معانی غالب و مشهور است. در حالی که این ابواب، معانی دیگری هم دارند. به طور مثال آیه «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْتَهُ وَ قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ» دارای فعل‌های «أَكْبَرْتَهُ» از باب افعال به معنای «بزرگ یافتند» در بردارنده این مفهوم است: «مفعول را دارای صفتی یافتن» و نیز فعل «قَطَّعْنَ» در باب تفعیل به معنای «سخت بریدند» دلالت بر تکثیر می‌کند و شدت کار را می‌رساند.

در مثال «أورق الشجر: درخت دارای برگ شد.» می‌بینیم که فعل باب افعال داریم ولی این فعل لازم است. مثال «طَوَّفَ صَدِيقِي: دوستم بسیار طواف کرد» نیز فعلی لازم است که مربوط به باب تفعیل است؛ و اساساً معنای تکثیر دارد نه تعدیه.

### إِخْتَبَرَ نَفْسَكَ (لِلتَّرْجِمَةِ):

قَرَّبَ: نزدیک کرد (متعدی)

قَرَّبَ: نزدیک شد (لازم)

فَهَّمَهُ: فهماند (متعدی به دو مفعول)

فَهَّمَهُ: فهمید (متعدی به یک مفعول)

أَفْرَعَهُ: خالی کرد (متعدی)

أَفْرَعَهُ: خالی شد (لازم)

عَرَّفَهُ: شناساند (متعدی به دو مفعول)

عَرَّفَهُ: شناخت (متعدی به یک مفعول)

أَدْخَلَ: داخل کرد (متعدی)

أَدْخَلَ: داخل شد (لازم)

أَضْحَكَ: خندان (متعدی)

أَضْحَكَ: خندید (لازم)

اکنون می‌توانید از دانش‌آموزان بخواهید در موارد فوق، ثلاثی مزیدها را همراه با بابشان شناسایی کنند.

أَفْرَعَهُ وَ أَدْخَلَ وَ أَضْحَكَ: باب افعال

قَرَّبَ وَ فَهَّمَهُ وَ عَرَّفَهُ: باب تفعیل

### معنای مشهور باب مفاعلة و تفاعل

دو باب مفاعلة و تفاعل دارای معنای مشارکت هستند؛ یعنی کار طرفینی را نشان می‌دهند. با این تفاوت

که مشارکت در باب مفاعلة میان فاعل و مفعول جمله واقع می‌شود اما در باب تفاعل میان فاعل و اسمی که به فاعل معطوف شده است، مشارکت وجود دارد؛ در واقع هر دو در معنا فاعل اند اما در ظاهر، یکی فاعل و دیگری معطوف به فاعل است.

پس نتیجه می‌گیریم که باب مفاعلة در صورتی که معنای مشارکت داشته باشد، حتماً مفعول دارد؛ لذا متعدی خواهد بود؛ ولی باب تفاعل در بسیاری موارد لازم است. البته باب مفاعلة هم اگر معنای مشارکت نداشته باشد و در دیگر معانی، به کار رفته باشد؛ ممکن است لازم باشد.

مثال‌های کتاب را بررسی می‌نماییم:

■ **ضارَبَ فُوَادٌ هِشَامًا** : فُوَادٌ با هِشَامٌ زد و خورد کرد. در این مثال فعل «ضارَبَ» از باب مفاعلة است و کار مشارکتی میان فُوَادٌ و هِشَامٌ را نشان می‌دهد. می‌بینیم که فُوَادٌ، فاعل جمله و هِشَامٌ مفعول است. در این عبارت فعل ضارب، متعدی است.

■ **تَضَارَبَ فُوَادٌ وَ هِشَامٌ** : فُوَادٌ و هِشَامٌ یکدیگر را زدند. در این نمونه فعل «تضارب» از باب تفاعل بوده و مشارکت میان فُوَادٌ و هِشَامٌ را درحالی نشان می‌دهد که فُوَادٌ، فاعل جمله و هِشَامٌ، با حرف «واو» معطوف شده است. در معنا هر دو فاعل هستند اما در ظاهر خیر. پس فعل «تضارب» لازم خواهد بود. افعال «جالسوا» و «کاتبوا» که کتاب به آنها اشاره کرده است، از باب مفاعلة و متعدی هستند. افعال «تدافعوا» و «تهاجموا» از باب تفاعل و لازم هستند.

اما اشاره‌ای هم به دیگر معانی این ابواب می‌نماییم:

در آیه ۴ سوره منافقون، فعل «قاتل» از باب مفاعلة است ولی کار طرفینی و مشارکتی را نشان نمی‌دهد بلکه گاهی افعال باب مفاعلة، هم معنای ثلاثی مجردشان هستند. قاتل نیز مترادف قتل است و اینجا چون به صورت دعایی به کار رفته است، به این شکل ترجمه شده است.

فعل «تجاهلوا» نیز از باب تفاعل است؛ اما معنای مشارکت ندارد بلکه بیانگر تظاهر است. یکی از معانی باب تفاعل، همین تظاهر است. یعنی به چیزی، کاری یا حالتی، وانمود کردن. این فعل نیز یعنی «خود را به نادانی زدند».

### إختبر نفسك : «للترجمة»

ضَرَبُوا : زدند (ثلاثی مجرد، ماضی للغائبین)

ضارِبُوا : زد و خورد کردند (باب مفاعلة، ماضی للغائبین)

عاشوا : زندگی کردند (ثلاثی مجرد، ماضی للغائبین)

تَعَايَشُوا : همزیستی کردند (باب تفاعل، ماضی للغائبین)

تصادموا : با یکدیگر تصادف کردند (باب تفاعل، ماضی للغائبین)  
 تفاخروا : به یکدیگر فخر فروشی کردند (باب تفاعل، ماضی للغائبین)  
 أجلس : نشانید (باب افعال، ماضی للغائب)  
 أنزل : نازل کرد (باب افعال، ماضی للغائب)  
 نذم : پشیمان کرد (باب تفعیل، ماضی للغائب)  
 قوب : نزدیک کرد (باب تفعیل، ماضی للغائب)  
 نصروا : یاری کردند (ثلاثی مجرد، ماضی للغائبین)  
 ناصروا : یکدیگر را یاری کردند (باب مفاعلة، ماضی للغائبین)  
 تضاربوا : یکدیگر را زدند (باب تفاعل، ماضی للغائبین)  
 کاتبوا : نامه نگاری کردند (باب مفاعلة، ماضی للغائبین)  
 جادلوا : باهم دعوا کردند (باب مفاعلة، ماضی للغائبین)  
 أوصل : رسانید (باب افعال، ماضی للغائب)  
 أركب : سوار کرد (باب افعال، ماضی للغائب)  
 نقص : کم کرد (باب تفعیل، ماضی للغائب)  
 فرخ : شاد کرد (باب تفعیل، ماضی للغائب)

این افعال با معانی غالب در هر باب آمده‌اند. پیشنهاد می‌کنم از دانش‌آموزان بخواهید، معانی ابواب را به همراه زمان، صیغه و باب فعل شناسایی کنند.

در پایان تدریس این دو درس، لازم است نکته‌ای را متذکر شوم از آنجا که انتهای افعال ماضی، مضارع و امر دارای اعراب است و از سویی، دانش‌آموزان برای حفظ مزیدها، ماضی، مضارع، امر و مصدر را پشت سر هم حفظ می‌کنند، به طور مثال (أَفْعَلٌ، يُفْعِلُ، أَفْعِلْ، إِفْعَالٌ) گاهی فکر می‌کنند که مصدر دارای سکون است. حتماً برایشان توضیح دهید که مصادر، همگی اسم هستند و با توجه به نقشی که در جمله می‌پذیرند، اعراب می‌گیرند. به طور مثال مصدر «إِفْعَالٌ» با توجه به نقشی که می‌گیرد، هر یک از اعراب‌های رفع، نصب و جر را می‌تواند بپذیرد و هرگز ساکن نخواهد بود.

ابوابی که عرض کردیم ابواب مشهور ثلاثی مزید هستند اما ثلاثی مزید دارای دو باب غیر مشهور و کم کاربرد است که کتاب درسی از بیان آنها خودداری کرده است و آنها عبارت‌اند از: «إِفْعَالٌ، يَفْعَلُ، إِفْعَالٌ» نظیر: «إِحْمَرٌّ، يَحْمَرُّ، إِحْمَارٌ» و «أَفْعَوْلٌ، يَفْعُوْعَلُ، أَفْعِيَالٌ» نظیر: «إِحْدَوْدَبٌ، يَحْدَوْدِبُ، إِحْدِيدَابٌ» اکنون شایسته است یا به عنوان تکلیف یا کار کلاسی و گروهی از دانش‌آموزان بخواهید تمامی افعال متن دو درس اخیر را بررسی کنند و این موارد را در آنها شناسایی کنند: «زمان، ثلاثی مجرد یا مزید (در صورتی که مزید بود تشخیص باب)، صیغه، لازم و متعدی»

در صورتی که ترجیح می‌دهید تعدادی از افعال را خودتان به صورت گزینشی از متن دروس انتخاب کنید، این افعال پیشنهاد می‌شود:

متن درس ۳: یُرْسِلُ - تُصَدِّقُ - تَسْأَقُطُ - تُشَاهِدُ - تُمَطِّرُ - حَيَّرَتْ - يَلَاحِظُ - حَاوَلَ - أَرْسَلُوا - يَحْتَفِلُ  
پاسخ‌ها:

يُرْسِلُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب افعال، للغائب، متعدی  
تُصَدِّقُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب تفعيل، للمخاطب، متعدی  
تَسْأَقُطُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب تفاعل، للغائبة، لازم  
تُشَاهِدُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب مفاعلة، للمخاطب، متعدی  
تُمَطِّرُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب افعال، للغائبة، متعدی  
حَيَّرَتْ: ماضی، ثلاثي مزيد، باب تفعيل، للغائبة، متعدی  
يَلَاحِظُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب مفاعلة، للغائب، متعدی  
حَاوَلَ: ماضی، ثلاثي مزيد، باب مفاعلة، للغائب، متعدی  
أَرْسَلُوا: ماضی، ثلاثي مزيد، باب افعال، للغائبين، متعدی  
يَحْتَفِلُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب افتعال، للغائب، لازم

متن درس ۴: يَحْتَرِمُ - يُوَكِّدُ - يَنْتَفِعُ - تَحْتَلِفُ - اِعْتَصِمُوا - يُفَرِّقُ  
پاسخ‌ها:

يَحْتَرِمُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب افتعال، للغائب، متعدی  
يُوَكِّدُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب تفعيل، للغائب، لازم (به علت همراهی با حرف جر)  
يَنْتَفِعُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب افتعال، للغائب، لازم  
تَحْتَلِفُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب افتعال، للغائبة، لازم  
اِعْتَصِمُوا: امر، ثلاثي مزيد، باب افتعال، للمخاطبين، لازم  
يُفَرِّقُ: مضارع، ثلاثي مزيد، باب تفعيل، للغائب، متعدی

## گفتگو (حوار)

در سالن بازرسی در گمرک‌ها

زائر

چشم برادر، اما مشکل چیست؟

مشکلی نیست.

برای خانواده‌ام.

پلیس گمرک

این کیف را به اینجا بیاور!

بازرسی ساده!

بیخشید! این کیف مال کیست؟

لطفاً آن را باز کنید!  
 در کیف چیست؟  
 این کتاب چیست؟  
 این قرص‌ها چیست؟  
 این، جایز نیست.  
 مشکلی نیست.  
 آن را جمع کن و برو!

بفرما! کیفم برای بازرسی باز است.  
 مسواک و خمیر دندان و حوله و لباس‌ها  
 کتابی نیست، بلکه دفتر خاطرات است.  
 قرص‌های آرام‌بخش، سردرد دارم.  
 اما من واقعاً به آن احتیاج دارم.  
 ممنون.  
 خدا نگهدار.

## تمارین

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات لغت نامه، با توضیحات زیر تناسب دارد؟

- ۱ رئیس کشورها، کسی که مسئولین را امر می‌کند و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می‌کند = قائد (رهبر)
- ۲ شناخت بعضی، بعضی دیگر را = تعارف (شناخت یکدیگر)
- ۳ کسی که برای مصلحت دشمن کار می‌کند = عمیل (مزدور)
- ۴ یک جزء از پنج = خمس (یک پنجم)

تمرین دوم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب از کلمات زیر بگذار. (دو کلمه اضافی است)

- ۱ (عندی) موبایلی دارم که باتری‌اش در طول نصف روز خالی می‌شود.
  - ۲ (سواء) هم کلاسی‌هایم در درس یکسان هستند.
  - ۳ (الشعب) ملت ایرانی هیچ فشاری را نمی‌پذیرد.
  - ۴ (من دون) غیر خداوند، کسی را نپرستید.
- کلمات «یجوز: جایز است» و «قائمة: بر اساس» اضافی هستند.

تمرین سوم: به فارسی ترجمه کن. (آیا می‌دانی که...)

- ۱ زرافه در یک روز نمی‌خوابد مگر کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله؟
- ۲ قبرستان «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگ‌ترین قبرستان‌های دنیاست؟
- ۳ چین اولین کشوری (دولتی) در عالم است که پول‌های کاغذی را به کار گرفت؟

۴ اسب قادر است به اینکه بر روی پاهایش ایستاده بخوابد؟ (البته کلمه «النوم» اسم است و می‌توان

آن را بدین شکل نیز ترجمه کرد: اسب قادر است بر خوابیدن بر روی پاهایش به صورت ایستاده.)

۵ بیشترین ویتامین C برای پرتقال در پوستش است.

در موارد فوق فقط یک فعل مزید وجود دارد و آن، «إِسْتَخْدَمَت» است. می‌توانید از دانش‌آموزان

بخواهید آن را پیدا کنند و بابش را شناسایی نمایند.

**تمرین چهارم: آیه‌ها را ترجمه کن و نوع افعال و صیغه‌شان را بنویس سپس افعال متعدی را مشخص کن.**

۱ و از آسمان آبی نازل کرد پس به وسیله آن (آب) از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد.

أَنْزَلَ: ماضی باب افعال صیغه للغائب و متعدی

أَخْرَجَ: ماضی باب افعال صیغه للغائب و متعدی

۲ خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنها را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون

می‌آورد.

افعال: آمَنُوا: ماضی باب افعال صیغه للغائبین و لازم

ممکن است این سؤال پیش بیاید که چگونه «آمَنُوا» ماضی باب افعال است؟

این فعل، مهموز است و اولین حرف اصلی‌اش همزه است؛ از سویی ماضی باب افعال هم در ابتدای

خود یک همزه دارد. در کنار هم قرار گرفتن این دو همزه باعث شده است که با هم ادغام و تبدیل به «الف»

شوند، یعنی این فعل در اصل «الْأَمْنُوا» بر وزن «أَفْعَلُوا» بوده است. این نکته را به صورت دقیق تر در سال

بازدهم خواهید خواند.

يُخْرِجُ: مضارع باب افعال صیغه للغائب و متعدی

۳ پس صبر کن همانا وعده خداوند حق است و برای گناهت آمرزش بخواه.

افعال: إِصْبِرْ: امر ثلاثی مجزّد صیغه للمخاطب و لازم

إِسْتَغْفِرْ: امر باب استفعال للمخاطب و لازم

۴ و آن (قرآن) را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد.

افعال: أَنْزَلْنَا: ماضی باب افعال صیغه للمتکلم مع الغير و متعدی

نَزَلَ: ماضی ثلاثی مجزّد صیغه للغائب و لازم

در تمارین فوق افعال «أَنْزَلَ، أَخْرَجَ، يُخْرِجُ، أَنْزَلْنَا» تعدیه باب افعال را نشان می‌دهند و نیز فعل «استغفر»

افاده معنای طلب در باب استفعال را دارد.

تمرین پنجم : افعال و مصادر جدول را ترجمه کن.

ماضی	مضارع	مصدر	امر
أَنْتَجَ : تولید کرد	يُنْتَجُ : تولید می کند	إِنْتِاج : تولید کردن (افعال)	أَنْتِجْ : تولید کن
شَجَّعَ : تشویق کرد	يُشَجِّعُ : تشویق می کند	تَشْجِيع : تشویق کردن (تفعليل)	شَجِّعْ : تشویق کن
سَاعَدَ : کمک کرد	يُسَاعِدُ : کمک می کند	مُسَاعَدَة : کمک کردن (مفاعله)	سَاعِدْ : کمک کن
اسْتَلَمَ : دریافت کرد	يَسْتَلِمُ : دریافت می کند	اسْتِلَام : دریافت کردن (افتعال)	اسْتَلِمْ : دریافت کن
اسْتَحْدَمَ : به کار گرفت	يَسْتَحْدِمُ : به کار می گیرد	استخدام : به کار گرفتن (استفعال)	اسْتَحْدِمْ : به کار بگیر
انْتَفَعَ : سود برد	يَنْتَفِعُ : سود می برد	انتفاع : سود بردن (افتعال)	انْتَفِعْ : سود ببر
تَعَلَّمَ : یاد گرفت	يَتَعَلَّمُ : یاد می گیرد	تَعَلُّم : یاد گرفتن (تفعلل)	تَعَلَّمْ : یاد بگیر
انْكَسَرَ : شکسته شد	يَنْكَسِرُ : شکسته می شود	انْكَسَار : شکسته شدن (انفعال)	انْكَسِرْ : بشکن



## این، آفرینش خداوند است

غواص‌هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ رنگارنگی را دیدند که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شد و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کرد که غواصان در آن می‌توانستند در پرتوهای این ماهی‌ها عکس بگیرند.<sup>۱</sup> دانشمندان کشف کرده‌اند که این پرتوها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می‌شود که زیر چشم‌های آن ماهی‌ها زندگی می‌کنند. آیا ممکن است بشر، روزی از آن معجزه دریایی استفاده کند و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها استفاده کند؟

چه بسا بدان توانمند شود زیرا «هرکس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد.»

همانا زبان گربه سلاح دارویی دائمی است زیرا آن (زبان گربه) پر از غده‌هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می‌کند پس گربه زخمش را چندین بار می‌لیسد تا بهبود یابد.

همانا بعضی از پرندگان و حیوانات به وسیله غریزه‌شان گیاهان طبی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه از گیاه مناسب برای پیشگیری از مریضی‌های مختلف استفاده کنند؛ این حیوانات، انسان را به خواص طبی بسیاری از گیاهان خشکی و غیر آن، راهنمایی کرده‌اند.

همانا بیشتر حیوانات علاوه بر دارا بودن زبانی خاص خودشان، زبانی عمومی دارند که از طریق آن می‌توانند یکدیگر را درک کنند (با یکدیگر مفاهیم داشته باشند) پس کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به بقیه حیوانات هشدار می‌دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند پس او (کلاغ) به منزله جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

اردک غده‌ای طبیعی در نزدیکی دمش دارد که شامل روغنی خاص است که آن (روغن) را در جسمش پخش می‌کند تا جسمش تحت تأثیر آب قرار نگیرد.

آفتاب پرست می‌تواند بدون اینکه سرش را حرکت دهد، دو چشمش را در جهت‌های مختلف بچرخاند و آن (آفتاب پرست) می‌تواند در یک زمان، دو جهت را ببیند.

چشم جغد حرکت نمی‌کند پس آن (چشم جغد) ثابت است اما به‌جای این نقص، حرکت دادن سرش در هر جهتی را جایگزین می‌کند و می‌تواند سرش را بدون اینکه جسمش را حرکت دهد، صدو هفتاد درجه بچرخاند.

۱- نکته ترجمه: فعل «شاهدوا» بر ترجمه افعال مضارعی که بعد آن آمده است، مثل یبعث، تحوّل و تستطیع تأثیر گذاشت و باعث شد آن افعال، با وجود اینکه مضارع هستند، ماضی استمراری ترجمه شوند.

## اهداف آموزشی قابل مشاهده در متن

تاکنون دانش آموزان با تعداد و جنس اسم و نیز افعال ثلاثی مجرد و مزید و افعال لازم و متعدی آشنا شده‌اند. می‌توانید از متن این درس برای تثبیت این اطلاعات استفاده کنید، مثلاً از دانش آموزان بخواهید جنس و تعداد اسامی زیر را به دقت و به‌طور کامل بیان کنند:

العقاصون : جمع مذکر سالم – مذکر حقیقی	اعماق : جمع مکسر – مذکر مجازی
العلماء : جمع مکسر – مذکر حقیقی	عیون : جمع مکسر – مؤنث معنوی
المعجزة : مفرد مؤنث مجازی	القط : مفرد مذکر حقیقی
جواسیس : جمع مکسر – مذکر حقیقی	إتجاهیین : مثنی مذکر مجازی

در مورد افعال زیر هم از دانش آموزان بخواهید ثلاثی مزیدها را به همراه زمان، صیغه، لازم و متعدی بودنشان بررسی کنند. آنها در این متن باید افعال زیر را بیابند:

شاهدوا : ماضی ثلاثی مزید باب مفاعلة صیغه للغائبین متعدی
ینبعتُ : مضارع ثلاثی مزید باب انفعال صیغه للغائب لازم
تُحوّلُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة متعدی
یُمكنُ : مضارع ثلاثی مزید باب افعال صیغه للغائب لازم
تُفرزُ : مضارع ثلاثی مزید باب افعال صیغه للغائبة متعدی
یلتئمُ : مضارع ثلاثی مزید باب افتعال صیغه للغائب لازم
تستعملُ : مضارع ثلاثی مزید باب استفعال صیغه للغائبة متعدی
تتفاهمُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفاعل صیغه للغائبة لازم
یُحدّرُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة متعدی
تبتعدُ : مضارع ثلاثی مزید باب افتعال صیغه للغائبة لازم
یتأثرُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفعّل صیغه للغائب لازم
تُحرّکُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة متعدی
تُعوّضُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة متعدی

دیدید که در متن این درس از همه ابواب ثلاثی مزید، فعل داشتیم البته تعدادی دیگر از افعال ثلاثی مزید در متن وجود دارد که جزء معتلات هستند و دانش آموز با آنها آشنا نیست. از میان افعال فوق، فعل‌های «ینبعتُ، تبتعدُ، يتأثرُ و تحركُ» دارای معنای مطاوعه هستند و فعل‌های «تحوّلُ، تُفرزُ، يُحدّرُ، تُحرّکُ و تُعوّضُ» دارای معنای تعدیه و فعل «تفاهمُ» دارای معنای مشارکت هستند.

## جمله صحیح و غیر صحیح را بر اساس حقیقت و واقعیت مشخص کن!

- ۱ زرافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می‌دهد تا از خطر دور شود. (غلط است؛ کلاغ چنین صدایی دارد.)
- ۲ آفتاب پرست می‌تواند چشمانش را فقط در یک جهت بچرخاند. (غلط است، در دو جهت)
- ۳ ماهی‌های نورانی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کند. (صحیح)
- ۴ زبان گربه پر از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده ترشح می‌کند. (صحیح)
- ۵ زنده‌های (موجودات) دریایی در اعماق اقیانوس زندگی نمی‌کنند. (غلط)
- ۶ سر جغد در یک جهت حرکت می‌کند. (غلط، صد و هفتاد درجه می‌چرخد)

## قواعد درس

### انواع جمله

هر جمله‌ای در زبان عربی به حسب ظاهر یا با اسم شروع شده است یا با فعل یا با حرف. اگر جمله‌ای با اسم شروع شود غالباً جمله اسمیه به حساب می‌آید. اگر با فعل شروع شود، جمله فعلیه نام دارد اما اگر با حرف شروع شود، چیست؟

اگر جمله‌ای با حرف شروع شود، لازم است آن حرف را کنار بگذاریم البته اگر حرف جرّ بود، باید آن را همراه با اسمی که مجرور شده و تمامی آنچه بدان وابسته است<sup>۱</sup>، کنار بگذاریم و ببینیم اکنون فعل داریم یا حرف؟ اگر فعل بود، جمله فعلیه و اگر اسم بود، جمله اسمیه است. نمونه‌ای برای هر کدام، از متن درس عرض می‌نمایم:

۱ لا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ : این جمله با فعل «لا تَتَحَرَّكُ» شروع شده است لذا فعلیه است البته ابتدایش حرف «لا» است که باید کنار گذاشته شود.

۲ مَن طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ : این جمله با اسم «من» شروع شده است لذا اسمیه است.

۳ لِلْبَطَّةِ عُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ : این جمله با حرف جرّ «لِ» شروع شده است لذا آن را به همراه اسمی که مجرور شده است، کنار می‌گذاریم و می‌بینیم اسم «عُدَّة» باقی می‌ماند لذا یک جمله اسمیه است. در صورتی که کلمه «الْبَطَّة» دارای صفت یا مضاف الیه بود، باید آنها را هم کنار می‌گذاشتیم و کلمه بعدی را چک می‌کردیم.

اما شناختن جملات اسمیه و فعلیه چه ضرورتی دارد؟

می‌دانیم در زبان عربی غالباً هر کلمه‌ای نقشی و به تبع آن نقش، اعرابی دارد. شناخت جمله اسمیه و فعلیه به ما می‌فهماند که باید به دنبال کدام ارکان و نقش‌ها باشیم.

۱- یعنی صفت یا مضاف الیه

## ارکان جمله فعلیه

جمله فعلیه دارای ارکانی اصلی است. به جدول زیر توجه فرمایید :



در صورتی که جمله ای با فعل لازم شروع شده باشد، برای تکمیل معنای خود، نیازمند فاعل است. فاعل در سه شکل می تواند در جمله بیاید :

- ۱ اسم ظاهر : یعنی اسم مرفوعی، فاعل واقع می شود مثل : *تستطیعُ الحرباءُ أن تُدیِرَ...* در این جمله کلمه «الحرباء» فاعل برای فعل «تستطیع» است و معنایش را کامل کرده است.
- ۲ ضمیر بارز : یعنی ضمیری رفعی به فعل چسبیده است که نشان دهنده فاعل می باشد؛ مثل : «الغواصون الذین ذهبوا إلی...» در این عبارت ضمیر بارز «واو» فاعل برای فعل «ذهبوا» است.
- ۳ ضمیر مستتر : یعنی فعل جمله ضمیر بارزی ندارد که فاعلش باشد، اسم ظاهری هم در جمله پس از فعل نیست که معنای فاعلی بدهد؛ لذا این فعل، دارای ضمیری مستتر است که نشانگر فاعل جمله است؛ مثل : «للغرابِ صوتٌ یُحدِّرُ به بقیَّةَ الحيوانات...» در این مثال ضمیر مستتر «هو» فاعل برای فعل «یُحدِّر» می باشد که در واقع به کلمه «الغراب» بازمی گردد.

اگر جمله ما در بردارنده یک فعل معلوم متعدی باشد، دارای سه رکن اساسی فعل، فاعل و مفعول خواهد بود؛ زیرا فعل متعدی برای تکمیل معنا علاوه بر فاعل، نیازمند مفعول هم هست. شرایط فاعل را عرض کردیم اما مفعول ضمن اینکه یک جایگاه منصوبی است، می تواند دارای دو شکل باشد :

- ۱ اسم ظاهر : مانند «تستطیعُ أن تدیرَ رأسها...» کلمه «رأس» مفعول اسم ظاهر برای فعل «أن تدیر» است. فاعلش نیز ضمیر «هی» مستتر می باشد.
- ۲ ضمیر بارز : مانند «تحتوی زیتاً خالصاً تنشره علی جسمها» در این عبارت، ضمیر بارز «ه» مفعول برای فعل «تنشر» می باشد و البته کلمه «زیتاً» مفعول اسم ظاهر برای فعل «تحتوی» است. اما مبحث فعل مجهول را در درس هفتم توضیح خواهیم داد.

## ارکان جمله اسمیه

جمله اسمیه دارای دو رکن اصلی مبتدا و خبر است که هر دو مرفوع اند. مبتدا و خبر دقیقاً معادل نهاد و گزاره در زبان فارسی هستند. مبتدا همان اسم ابتدای جمله است که سخنی درباره آن گفته می‌شود. خبر، واضح است آن چیزی است که مطلبی را درباره مبتدا بیان می‌کند.

مبتدا در جمله به دو صورت می‌تواند بیاید :

۱ اسم ظاهر : مانند «الغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى...» در این عبارت کلمه «الغَوَاصُونَ» مبتداست.

۲ ضمیر بارز : مانند «هو بمنزلة جاسوس...» در این جمله ضمیر «هو» مبتداست.

خبر نیز معمولاً به یکی از سه صورت ذیل می‌آید؛ البته این مطلب در کتاب امسال نیست اما دانش‌آموزان در ادامه با آنها آشنا خواهند شد. اشکال خبر :

۱ مفرد : یعنی یک اسم به تنهایی خبری از مبتدا ارائه می‌کند، مثل : «السانُ القَطُّ سلاحٌ طيبٌ» در این جمله کلمه «السان» مبتدا و «سلاح» خبر از نوع مفرد است. در اینجا مراد، این نیست که لزوماً یک اسم مفرد خبری دهد بلکه «مفرد» در مقابل «جمله» است یعنی یک اسم اعم از اینکه «مفرد، مثنی یا جمع» باشد، به تنهایی بیانگر خبر باشد.

۲ جمله : یعنی جمله‌ای به بیان خبر پرداخته باشد. خبر جمله، خود بر دو قسم است :

الف) جمله اسمیه : یعنی یک جمله که خودش شامل مبتدا و خبر است، برای مبتدای اولی، خبری را گزارش کرده باشد مثل : «الشمسُ فیها ضیاءٌ». در این عبارت کلمه «الشمس» مبتداست. کل عبارت «فیها ضیاءٌ» حاکی از خبری در مورد «الشمس» است اما خود این عبارت مشتمل بر مبتدا و خبر است؛ در واقع «فیها» خبر و «ضیاء» مبتداست. می‌بینیم که یک جمله اسمیه به کلی خبری برای مبتدایی دیگر ارائه داده است. به چنین نوع خبری، جمله فعلیه می‌گویند.

ب) جمله فعلیه : یعنی یک فعل، خبر داده باشد مثل : «هی تستطيع أن تری فی إتجاهین...» در این جمله «هی» مبتدا و فعل «تستطيع» خبر جمله فعلیه است. یادتان باشد که هر خبر جمله فعلیه ای خودش یک جمله به حساب می‌آید و ارکانی دارد که پیش‌تر عرض شد.

۲ شبه جمله : یعنی یک جار و مجرور یا ظرف<sup>۱</sup> خبر واقع شوند. مبحث جار و مجرور در درس هشتم و مبحث ظرف در سال دوازدهم تدریس خواهد شد. جار و مجرور یعنی حرفی بر سر یک اسم بیاید و آن اسم را مجرور کند. ظرف نیز اسم منصوبی است که دلالت بر زمان یا مکان وقوع فعل می‌نماید. مثال‌ها :

■ «مَقْبَرَةٌ (وادی السلام) مِن أَكْبَرِ المَقَابِرِ.» کلمه «مقبرة» مبتدا و عبارت «مِن أَكْبَرِ» خبر از نوع شبه جمله (جار و مجرور) است.

۱- نام دیگر ظرف، مفعول فیه است.

■ «عندی جَوَالٌ تَفْرَعُ بِطَارِيئِهِ...» کلمه «جَوَالٌ» مبتدا و کلمه «عندی» خبر از نوع شبه جمله (ظرف) است. در مثال‌هایی که گذشت دیدیم گاهی خبر بر مبتدا مقدم می‌شود و شرایطی دارد که در سال دوازدهم درباره آنها سخن خواهیم گفت.

**إختبر نفسک : جمله فعلیه و اسمیه را مشخص کن سپس جایگاه اعرابی کلمات رنگی را مشخص کن.** (غرض از محلّ اعرابی، تشخیص نقش کلمه در جمله است.)

- ۱ جمله فعلیه: **يَضْرَبُ** : فعل / **اللّه** : فاعل و مرفوع / **الأمثال** : مفعول و منصوب / **للناس** : جار و مجرور
- ۲ جمله اسمیه: **إِضَاعَةٌ** : مبتدا و مرفوع / **الفرصة** : مضاف الیه و مجرور / **غَضَبَةٌ** : خبر مفرد و مرفوع در مثال‌های فوق می‌بینیم که مبتدا، خبر، فاعل و مفعول هر کدام می‌توانند صفت یا مضاف الیه داشته باشند. واضح است صفت یا مضاف الیه ارکان اصلی نیستند اما می‌توانند به دنبال ارکان اصلی و در میان آنها بیایند. در عبارت «صدور الأحرار قبور الأسرار» کلمه «صدور» مبتدا و «قبور» خبر مفرد است. کلمه «الأحرار» مضاف الیه برای «صدور» و کلمه «الأسرار» مضاف الیه برای «قبور» است.
- در عبارت «بِزْرَعِ الْفَلَاحِ الْمُجِدِّ اشْجَارَ التَّفَاحِ» کلمه «بِزْرَعِ» فعل و «الْفَلَاحِ» فاعل و «اشْجَارَ» مفعول است. اینها ارکان اصلی هستند اما کلمه «الْمُجِدِّ» صفت برای «الْفَلَاحِ» و کلمه «التَّفَاحِ» مضاف الیه برای «اشْجَارَ» است.

**إختبر نفسک : احادیث را ترجمه کن سپس جایگاه اعرابی کلمات رنگی را مشخص کن.**

- ۱ حسد، نیکی‌ها را می‌خورد آن چنان که آتش هیزم را می‌خورد.
- الحسد : مبتدا و مرفوع / **يَأْكُلُ** : خبر جمله فعلیه و فاعلش هو مستتر / **الحسنات** : مفعول و منصوب / **كما** : جار و مجرور / **تَأْكُلُ** : فعل / **النَّارُ** : فاعل و مرفوع / **الحطب** : مفعول و منصوب
- ۲ خداوند برای بندگان چیزی برتر از عقل تقسیم نکرد.
- ما قسم : فعل / **اللّه** : فاعل و مرفوع / **للعباد** : جار و مجرور / **شيئاً** : مفعول و منصوب
- ۳ میوه دانش، اخلاص در عمل است.
- ثمره : مبتدا و مرفوع / **العلم** : مضاف الیه و مجرور / **إخلاص** : خبر مفرد و مرفوع / **العمل** : مضاف الیه و مجرور

در عبارات فوق، نقش اکثر کلمات بیان شد گرچه تمرین فقط کلمات رنگی را خواسته است، لطفاً از دانش‌آموزان در حدّ مطالبات کتاب بخواهید و بیشتر از آن را به صورت امتیازی بپرسید.

## گفتگو (همراه با راننده تاکسی)

گردشگر : ای راننده! می‌خواهیم به مدائن برویم.  
 راننده تاکسی : من در خدمتان هستم بفرمایید!  
 گردشگر : مسافت از بغداد تا آنجا چقدر است؟  
 راننده تاکسی : گمان می‌کنم مسافت سی و هفت کیلومتر باشد. عجیب است برای چه به مدائن می‌روید؟  
 گردشگر : برای زیارت بارگاه سلمان فارسی و دیدن طاق کسری! برای چه تعجب می‌کنی؟  
 راننده تاکسی : زیرا فقط تعداد کمی از زوار به مدائن می‌روند.  
 گردشگر : ابتدا به زیارت عتبات مقدسه در شهرهای چهارگانه کربلا و نجف و سامرا و کاظمین مشرف شدیم.  
 راننده تاکسی : زیارت همگی قبول! آیا می‌دانی سلمان فارسی کیست یا خیر؟  
 گردشگر : بله او را می‌شناسم. او از اصحاب پیامبر است و اصلتش از اصفهان است.  
 راننده تاکسی : آفرین! آیا اطلاعاتی از طاق کسری داری؟  
 گردشگر : قطعاً آن، یکی از قصرهای پادشاهان ساسانی قبل از اسلام است. دو شاعر بزرگ هنگام مشاهده‌شان از ایوان کسری شعر سروده‌اند : بحتری از بزرگ‌ترین شعرای عرب و خاقانی شاعر ایرانی.  
 راننده تاکسی : ماشاءالله! آفرین بر تو! اطلاعاتت زیاد است!

## تمارین

تمرین اول : کدام کلمه از کلمات و اژه‌نامه با توضیحات زیر متناسب است؟

- ۱ پرنده‌ای که در مکان‌های متروک در روز می‌خوابد و در شب خارج می‌شود. بوم (جغد)
- ۲ عضوی پشت جسم حیوان که غالباً آن را برای طرد حشرات تکان می‌دهد. ذَنَب (دم)
- ۳ گیاهانی مفید برای درمان که از آنها همچون دارو استفاده می‌کنیم. اعشاب طَبِیَّة (گیاهان دارویی)
- ۴ پرنده‌ای که در خشکی و آب زندگی می‌کند. بَطَّ (اردک)
- ۵ عدم وجود نور. الظَّلام (تاریکی)
- ۶ بخش نور. إِنْزَارَة (نورانی کردن)

تمرین دوم : کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن.

- إِسْتِطَاعَ (توانست) = قَدَرَ  
 سَلِمَ (صلح) ≠ حَرَبَ (جنگ)  
 إِقْتَرَبَ (نزدیک شد) ≠ إِبْتَعَدَ (دور شد)  
 إِحْسَانَ (نیکی) ≠ إِسَاءَةَ (بدی)

ظَلَام (تاریکی) ≠ ضیاء (روشنایی)	بَنَى (ساخت) = صَنَعَ
تَفَرَّقَ (پراکنده شد) ≠ تَجَمَّعَ (جمع شد)	أَغْلَقَ (بست) ≠ فَتَحَ (گشود)
عَالِم (دانا) ≠ جاهِل (نادان)	عَیْم (ایر) = سَحَاب
قَرُبَ (نزدیک شد) ≠ بَعُدَ (دور شد)	واقِف (ایستاده) ≠ جالِس (نشسته)
مِن فَضْلِک (لطفاً) = رَجاءٌ	مسرور (شاد) ≠ حَزین (غمگین)
جاهِز (آماده) = حاضِر	سائِل (مایع) ≠ جامد (جامد)

تمرین سوم : اسم هر تصویر را در جای خالی بنویس سپس آنچه از تو خواسته شده را مشخص کن!

گاو شیر می دهد.	۱ تُعْطَى (البقرة) الحَلِيبَ.
کلاغ خبرهای جنگل را ارسال می کند.	۲ يُرْسِلُ (الغراب) اَخْبَارَ الغَايَةِ.
دم طاووس زیباست.	۳ ذَنْبُ (الطاووس) جَمِیلٌ.
آفتاب پرست دارای چشم های متحرک است.	۴ (الجرباء) ذَاتُ عَیونٍ مُتَحَرِّکَةٍ.
پلیس، امنیت را به وسیله سگ ها حفظ می کند.	۵ الشَّرْطِیُّ یحْفَظُ الأَمْنَ بِـ (الکِلاب).
۳ مضاف الیه : الطاووس	۱ فاعل : البقرة
۶ خبر : طائرٌ	۲ مفعول : اَخْبَار
	۵ مبتدا : الشَّرْطِی
	۴ الصَّفَّةُ : مُتَحَرِّکَةٍ

تمرین چهارم : آیات را ترجمه کن سپس فعل و فاعل و مفعول را در کلمات رنگی مشخص کن.

۱ خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنین نازل کرد.	اللَّهُ : فاعل و مرفوع	سکینة : مفعول و منصوب	جمله فعلیه
۲ برای خودم نه سودی دارم نه زبانی مگر آنچه خدا بخواهد.	نفعاً : مفعول و منصوب	جمله فعلیه	
۳ برای ما مثالی زد و آفرینشش را فراموش کرد.	مثال : مفعول و منصوب	خلق : مفعول و منصوب	جمله فعلیه
۴ پروردگارت بر احدی (هیچ کس) ستم نمی کند.	ربّ : فاعل و مرفوع	جمله فعلیه	
۵ خداوند آسانی را برای شما می خواهد.	اللَّهُ : فاعل و مرفوع	اليسر : مفعول و منصوب	جمله فعلیه



تمرین پنجم : احادیث را ترجمه کن سپس مبتدا و خبر را مشخص کن.

- ۱ پشیمانی بر سکوت بهتر از پشیمانی از سخن گفتن است.  
الندم : مبتدا و مرفوع      خیرٌ : خبر مفرد و مرفوع      بقیه اجزای جمله، جار و مجرور هستند.
- ۲ بزرگ‌ترین نادانی، زیاده‌گویی در ستایش و نکوهش است.  
أكبر : مبتدا و مرفوع      الحُمق : مضاف الیه و مجرور      الإغراق : خبر مفرد و مرفوع  
فی المدح : جار و مجرور      الذّم : معطوف و مجرور
- ۳ آقای قوم، خادمشان در سفر است.  
سیّد : مبتدا و مرفوع      القوم : مضاف الیه و مجرور      خادم : خبر مفرد و مرفوع  
هم : مضاف الیه و مجرور      فی السّفر : جار و مجرور
- ۴ داش، شکار است و نوشتن، بند!  
العلم : مبتدا و مرفوع      صید : خبر مفرد و مرفوع      الكتابة : مبتدا و مرفوع  
قید : خبر مفرد و مرفوع
- ۵ نماز کلید هر خوبی است.  
الصلاة : مبتدا و مرفوع      مفتاح : خبر مفرد و مرفوع      کلّ : مضاف الیه و مجرور  
خیر : مضاف الیه و مجرور

## جستجوی علمی

درباره متن کوتاه علمی به زبان عربی پیرامون آفرینش خداوند جستجو کن سپس به کمک واژه نامه عربی – فارسی، به فارسی ترجمه کن.



زَرِينُ كَلَا فِي مُحَافَظَةِ مازندران

## آثار جذاب

ایران از کشورهای زیبا در عالم است و به بسیاری از مناطق جذاب و آثار تاریخی و فرهنگی مشهور است و در آن، صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه دنیا جذب می‌کند. ایران در سال‌های اخیر شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای در گردشگری بود. پس آن (ایران) می‌تواند از گردشگری به ثروتی عظیم بعد از نفت دست یابد. بعضی از گردشگران ایران را کشوری برتر برای گذراندن تعطیلات می‌بینند.

سازمان یونسکو اقدام به ثبت کردن شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی کرد؛ زیرا آن (مناطق فرهنگی و تاریخی ایران) بسیاری از گردشگران را به سوی آن (ایران) جذب می‌کند. از جمله نشانه‌ها و آثار تاریخی در ایران: بارگاه امام رضا و مقبره فردوسی در مشهد است و بارگاه خانم معصومه در شهر قم و آثار پرسپولیس و بارگاه‌های حافظ و سعدی در استان فارس و «طاق بستان» و «کتیبه بیستون» در استان کرمانشاه و قلعه «فلک الافلاک» در خرم‌آباد و قلعه والی و جنگل‌های بلوط در ایلام و «حمام گنجعلی خان» در استان کرمان، مشهور به تولید پسته و فرش و آبشارهای شوشتر و بارگاه پیامبر دانیال (ع) در خوزستان و بارگاه ابن‌سینا دانشمند مشهور در جهان و غار علی‌صدر درحالی‌که از طولانی‌ترین غارهای آبی جهان در همدان و بناهای تاریخی در اصفهان درحالی‌که سازمان جهانی یونسکو در لیست میراث جهانی. اما استان‌های سه‌گانه شمالی در ساحل دریای قزوین هستند پس آنها به خاطر مناظر زیبایشان جالبند و گویا آنها قطعه‌ای از بهشت هستند پس آنها مناسب کارت پستال هستند. گریزی نیست از نگارش کتابی بزرگ برای شمارش مناطق جذب گردشگری در ایران. بخشی دیگر از آنها را ذکر می‌کنیم:

یزد و شیرینی‌هایش و مناطق صحرايي‌اش و تبریز و بازار مشهورش به اینکه بزرگ‌ترین بازار مسقف در عالم است.

و دریاچه زریبار در مروان و گنبد سلطانیه در زنجان و موزه میراث روستایی در نزدیکی رشت و هزاران مناطق دیگر.

پس تنوع آثار ایران و پایداری وضعیت امنیت در آن، گردشگران را به سفر به آن برای دیدن زیبایی آثارش و طبیعت جذابش تشویق می‌کند.

در متن درس درباره جوابی کوتاه برای این سوالات جستجو کن.

- ۱ اسم غاری که از بزرگ‌ترین غارهای آبی در جهان است، چیست؟ علی صدر
- ۲ ایران از چه چیزی می‌تواند به ثروتی بعد از نفت دست یابد؟ (گردشگری) السّیّاحَة
- ۳ بنایی از بناهای تاریخی در شهر اصفهان نام ببر؟ سی و سه پل (ثلاثة و ثلاثون جسراً)
- ۴ کدام صنعت ایرانی گردشگران را از همه جهان جذب می‌کند؟ صنایع دستی (صناعة يدویة)
- ۵ قلعه والی کجا واقع شده است؟ در ایلام (تقع فی ایلام)

## بدانید (اعراب و بنا)

می‌دانیم که در زبان عربی انتهای هر کلمه‌ای حرکتی دارد. اینکه آن حرکت قابل تغییر است یا ثابت و یکنواخت، نشان دهنده معرب یا مبنی بودن کلمات است.

کلماتی که اعراب انتهایشان در هر شرایطی غیر قابل تغییر است و همواره ثابت می‌ماند، مبنی می‌گویند و به کلماتی که در مواضع و نقش‌های مختلف، اعراب‌های متفاوتی می‌گیرند، معرب می‌گویند. حرکاتی که کلمات مبنی می‌گیرند از این قرار است: (ـَ) فتحه، (ـُ) ضمه، (ـِ) کسره و (ـْ) سکون یا ساکن. بر این اساس که کلمه مبنی کدام یک از حرکات فوق را داشته باشد، به این نام‌ها خوانده می‌شود: مبنی بر فتح، مبنی بر ضمه، مبنی بر کسر و مبنی بر سکون.

اما کدام کلمات، مبنی هستند؟

۱ از میان اسامی اینها مبنی هستند: ضمائر، اسامی اشاره به جز مثنی‌ها، موصولات به جز مثنی‌ها، اسامی استفهام به جز «أیُّ»، اسم فعل‌ها، هر دو قسم اعداد مرکب به جز قسمت اول عدد دوازده، اسامی شرط به جز «أیُّ»، کنایه‌ها و تعدادی از ظروف.

از میان موارد فوق در کتاب تنها چهار مورد اول مطرح شده است اما با توجه به اینکه دانش‌آموزان در مورد اسم فعل و اعداد، مطالبی خوانده‌اند، می‌توانید به این دو مورد هم اشاره نمایید. به نمونه اسامی مبنی و حرکاتشان دقت کنید:

اسامی اشاره: تلک: مبنی بر فتح - اولئک: مبنی بر فتح - هؤلاء: مبنی بر کسر، هذا: مبنی بر سکون. توجه داشته باشید اسامی که به حروف کشیده (ایُّ) ختم می‌شوند، مبنی بر سکون به حساب می‌آیند مثل هذا. موصولات: مَنْ: مبنی بر سکون - ما: مبنی بر سکون - الّدی: مبنی بر سکون - الّذین: مبنی بر فتح و ... ضمائر: هو: مبنی بر فتح - هما: مبنی بر سکون - هم: مبنی بر سکون - ک: مبنی بر کسر - نحن: مبنی بر ضمه و ...

اسامی استفهام : كَيْفَ : مبنی بر فتح - مَتَى : مبنی بر سکون - أَيْنَ : مبنی بر فتح و . . .

۲ از میان افعال : تمامی افعال ماضی، تمامی افعال امر حاضر (هر شش صیغه)، صیغه ششم و دوازدهم مضارع. در تشخیص حرکت افعال مبنی باید به لام الفعل نگاه کنیم نه به آخرین حرکت؛ زیرا آخرین حرکت ممکن است مربوط به ضمیر باشد و ضمائر، بناء خاص خودشان را دارند ولی آنچه حرکت افعال مبنی به حساب می آید، حرکتی است که بر روی لام الفعل قرار دارد. ذکر دو نکته پیش از بیان نمونه‌ها، ضروری است: اولاً اینکه آنچه عرض شد که کلماتی که به حروف کشیده ختم می‌شوند، مبنی بر سکون هستند، تنها مربوط به اسامی و حروف است اما در افعال چنین نیست و حرکت لام الفعل مهم است. ثانیاً افعال امر حاضر در صیغه‌هایی که حذف نون داریم، مبنی بر حذف نون هستند. اکنون به نمونه‌های آن دَقْتُ نمایم:

فعل‌های ماضی : ذَهَبَ : مبنی بر فتح - ذَهَبَا : مبنی بر فتح - ذَهَبُوا : مبنی بر ضمّ - ذَهَبْتُ : مبنی بر فتح - ذَهَبْتُ : مبنی بر سکون (دَقْتُ کنید که فتحه در اینجا، بناء ضمیر «ت» است.)  
فعل‌های امر حاضر : اِذْهَبْ : مبنی بر سکون - اِذْهَبَا : مبنی بر حذف نون - اِذْهَبِي : مبنی بر حذف نون - اِذْهَبْنَ : مبنی بر سکون (در اینجا نیز فتحه، بناء ضمیر «نون» است و باید به حرکت لام الفعل نگاه کنیم.)  
فعل‌های مضارع : يَذْهَبَنَّ و تَذْهَبَنَّ هر دو مبنی بر سکون

۳ حروف : تمامی حروف مبنی هستند. برای تشخیص نوع بناء، لازم است به آخرین حرکتشان نگاه کنیم. در صورتی که یکی از حرکات (ـُـ) داشت، بر همان بناء است اما اگر به حروف کشیده ختم شده بود، مبنی بر سکون خواهد بود.

نمونه‌های حروف : فٌ : مبنی بر فتح      هَلٌ : مبنی بر سکون      بِ : مبنی بر کسر  
عَلِيٌّ : مبنی بر سکون      فَيٌّ : مبنی بر سکون

غیر از مواردی که به عنوان کلمات مبنی معرفی کردیم، باقی کلمات، معرب هستند؛ یعنی بقیه اسماء و افعال به نحوی هستند که اعرابشان (حرکت انتهای کلمه) بر اساس نقشی که می‌گیرند یا شرایطی که پیدا می‌کنند، قابل تغییر است.

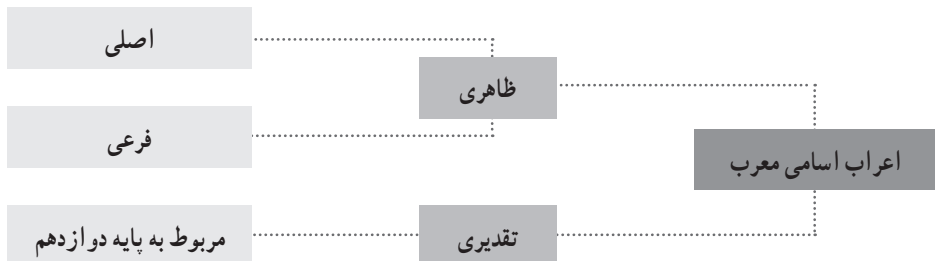
اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : کلمات معرب و مبنی را مشخص کن، سپس نوع بناء را بیان کن!

دَفَعَ (پرداخت) : فعل ماضی - مبنی بر فتح      يَتَرَكُ (ترک می‌کند) : فعل مضارع - معرب  
اِصْبِرْ (صبر کن) : فعل امر حاضر - مبنی بر سکون  
لَا تَلْعَبْ (بازی نکن) : فعل مضارع مجزوم (نهی) - معرب

سَوْفَ (فعل مضارع را مستقبل می‌کند): حرف - مبنی بر فتح  
 الَّذِينَ (کسانی که): اسم موصول - مبنی بر فتح  
 أَيْنَ (کجا): اسم استفهام - مبنی بر فتح  
 تِلْكَ (آن): اسم اشاره به دور - مبنی بر فتح  
 تَقَاعُدٌ (بازنشستگی): اسم - معرب  
 اَلنُّصُوصُ (متن‌ها): اسم - معرب  
 اِقْبَلُوا (بپذیرید): فعل امر حاضر - مبنی بر حذف نون  
 تَنْجَحَنَّ (موفق می‌شوید): فعل مضارع للمخاطبات - مبنی بر سکون  
 تَكْتُمُ (پنهان می‌کنی): فعل مضارع - معرب

## حركات معرب

با حرکات اسامی مبنی آشنا شدیم اما حرکات کلمات معرب چگونه است؟  
 کلمات معرب دارای این اعراب‌ها خواهند بود: رفع، نصب، جرّ، جزم  
 به کلماتی که دارای اعراب رفع هستند، مرفوع، دارای اعراب نصب، منصوب، دارای اعراب جرّ،  
 مجرور و دارای اعراب جزم هستند، مجزوم می‌گویند. اعراب رفع و نصب مشترک میان اسامی و افعال  
 است اما اعراب جرّ، مخصوص اسامی و اعراب جزم، مخصوص افعال است.  
 هرکدام از این اعراب‌ها به اشکال مختلفی می‌توانند بر روی کلمات جاری شوند. مبحث اعراب به‌طور  
 مبسوط در پایه یازدهم تدریس خواهد شد اما در این درس، اندکی از آن مطرح می‌شود که مربوط به  
 اعراب اسم‌های مفرد، مثنی و جمع مذکر سالم است. دانش‌آموزان در سال یازدهم با اعراب اسم‌های جمع  
 مؤنث سالم، غیرمنصرف، اسامی خمسسه و اعراب فعل مضارع آشنا خواهند شد و نیز اعراب اسامی مقصور،  
 منقوص و مضاف به یاء متکلم نیز در پایه دوازدهم آمده است. اکنون به‌صورت مشروح درباره اعراب‌های  
 مذکور در کتاب دهم سخن خواهیم گفت و موارد دیگر را مختصراً بیان می‌نماییم.  
 اعراب اسامی معرب به اشکال زیر خواهد بود:



■ اعراب ظاهری یعنی اعرابی که آن را در ظاهر کلمه می‌بینیم که خود بر دو قسم اصلی و فرعی است. اعراب اصلی در کلمات این چنین است:

همان‌طور که گفتیم اسامی، مرفوع، منصوب و مجرور می‌شوند؛ مثل **عَلِيٌّ عَلِيًّا عَلِيٌّ** همان‌طور که در انتهای خود، علائم فوق را بروز می‌دهند غالباً دارای اعراب اصلی هستند اما برخی اسامی هستند که این نشانه‌ها را به شکلی دیگر نشان می‌دهند مثلاً اسامی مثنی هرگاه در جایگاهی قرار بگیرند که لازم است نشانه رفع داشته باشند، هرگز ضمه و تنوین رفع نمی‌گیرند. در درس یکم آموختیم (ان - ين) نشانه‌های اسم مثنی هستند. وقتی با آن مواجه شدیم باید بدانیم که «الف» نشانه رفع اسم مثنی است مثلاً کلمه «مسلمان» فقط در جایگاهی کاربرد دارد که مرفوع هستند مثل فاعل، نایب فاعل یا مبتدا. به‌طور نمونه این عبارت را ببینید: «يَذْهَبُ الْمُسْلِمَانِ إِلَى الْمَسْجِدِ» کلمه «المسلمان» در این عبارت فاعل و مرفوع است اما نشانه رفعش ضمه نیست بلکه «الف» است و هرگز نمی‌توانیم در این جمله به جای «المسلمان» کلمه «المسلمين» قرار دهیم.

از سویی نشانه «ين» در اسامی مثنی نشانگر اعراب نصب و جرّ خواهد بود؛ یعنی اگر اسمی مثنی بخواهد در جایگاه منصوب یا مجرور قرار گیرد، حتماً باید با «ين» بیاید زیرا «ياء» نشانه نصب یا جر خواهد بود؛ مثلاً در عبارت «رَأَيْتُ الْمُسْلِمِينَ فِي الْمَسْجِدِ» کلمه «المسلمين» در جایگاه مفعول و منصوب واقع شده است.

### اسامی جمع مذکر سالم چه نشانه‌هایی داشتند؟

«وَنَ» و «يَنَ» نشانه‌های جمع مذکر سالم هستند. اگر اسم جمع مذکری در جایگاه رفع قرار گیرد، حتماً باید با «وَنَ» همراه باشد زیرا «واو» نشانه مرفوع بودن آن اسم است؛ مثل **يَذْهَبُ الْمُسْلِمُونَ إِلَى الْمَسْجِدِ** کلمه «المسلمون» فاعل و مرفوع با اعراب فرعی «واو» است.

هنگامی که جمع مذکر سالم در جایگاه نصب یا جرّ قرار گیرد، «ين» می‌گیرد زیرا «ياء» نشانه نصب و جرّ می‌باشد؛ به‌طور مثال: «رَأَيْتُ الْمُسْلِمِينَ فِي الْمَسْجِدِ» کلمه «المسلمين» مفعول و منصوب با اعراب فرعی «ياء» است و در عبارت «سَلِّمْتُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ» کلمه «المسلمين» مجرور به حرف جرّ با اعراب فرعی «ياء» است. این اعراب‌ها در ظاهر اسم دیده می‌شوند لذا تحت عنوان اعراب ظاهری قرار می‌گیرند ولی از آنجا که اعراب اصلی نیستند، معروف به اعراب فرعی یا نیایی می‌باشند؛ به موارد زیر توجه نمایید:

۱ در اسامی مثنی «الف» اعراب فرعی رفع (ر) است.

۲ در اسامی مثنی «ياء» اعراب فرعی نصب (ن) و جرّ (ج) است.

۳ در اسامی جمع مذکر سالم «واو» اعراب فرعی رفع است.

۴ در اسامی جمع مذکر سالم «ياء» نصب و جرّ خواهد بود.

یک بار نیز اعراب نقش‌هایی که پیش‌تر آموختیم را مرور می‌نماییم :

۱ فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع هستند.

۲ مفعول، منصوب است.

۳ مضاف الیه، مجرور است.

**إختبر نفسك : اعراب کلمات رنگی مرفوع، منصوب و مجرور را مشخص کن!**

■ قرأ الطالبُ المجدَّةُ قصيدةً رائعةً : قرأ (فعل) - الطالبُ (فاعل و مرفوع با اعراب اصلی) - المجدَّةُ

(صفت و مرفوع به تبعیت از طالب با اعراب اصلی) - قصيدةً (مفعول و منصوب با اعراب اصلی) -

رائعةً (صفت و منصوب به تبعیت از قصيدة با اعراب اصلی)

■ لا تکتُبُ شيئاً على الآثارِ التاريخيةِ : لا تکتُبُ (فعل و فاعلش ضمیر أنت مستتر) - شيئاً (مفعول و

منصوب با اعراب اصلی) - على الآثارِ (جار و مجرور با اعراب اصلی) - التاريخيةِ (صفت و مجرور

با اعراب اصلی به تبعیت از آثار)

■ «لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ...»: رَأَى (فعل) - الْمُؤْمِنُونَ (فاعل و

مرفوع با اعراب فرعی واو) - الْأَحْزَابَ (مفعول و منصوب با اعراب اصلی) - قَالُوا (فعل و فاعلش

ضمیر بارز واو) - هَذَا (جمله جدیدی شروع شده است، مبتدا) - مَا (خبر مفرد) - وَعَدَ (فعل) - نا

(مفعول) - اللَّهُ (فاعل و مرفوع با اعراب اصلی)

■ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ : ثَمَرَةُ (مبتدا و مرفوع با اعراب اصلی) - الْعِلْمِ (مضاف الیه و مجرور

با اعراب اصلی) - إِخْلَاصُ (خبر مفرد و مرفوع با اعراب اصلی) - الْعَمَلِ (مضاف الیه و مجرور با

اعراب اصلی).

**إختبر نفسك : کلمات رنگی را ترکیب کنید. (یعنی نقش و اعرابشان را بگویید.)**

۱ رنگ بنفش برای اتاق خواب، آرام‌بخش اعصاب است.

اللُّونُ : مبتدا و مرفوع با اعراب اصلی - البنفسجی : صفت و مرفوع با اعراب اصلی - لِغُرْفَةِ : جار

و مجرور با اعراب اصلی - التَّوْمُ : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی - مُهَدَّئِي : خبر مفرد و مرفوع با

اعراب اصلی - الاعصاب : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی

۲ مدیر مدرسه جلوی دانش‌آموزان برنده ایستاده است.

مدیر : مبتدا و مرفوع با اعراب اصلی - المدرسة : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی - واقف :

خبر مفرد و مرفوع با اعراب اصلی - الطَّالِبُ : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی - الفائزين : صفت

و مجرور با اعراب فرعی «باء»

- ۳ عاقل سخن کسی را که بسیار دروغ می گوید، تأیید نمی کند.  
 لا يُضدِّقُ : فعل - العاقل : فاعل و مرفوع به اعراب اصلی - قولٌ : مفعول و منصوب با اعراب اصلی -  
 الذی : مضاف الیه - یکذِّبُ : فعل و فاعلش هو مستتر  
 ۴ شیر تازه بر از کلسیم است.  
 الحليب : مبتدا و مرفوع با اعراب اصلی - الطَّازِجُ : صفت و مرفوع با اعراب اصلی - مملوءٌ : خبر  
 مفرد و مرفوع با اعراب اصلی - بالكالسيوم : جار و مجرور با اعراب اصلی  
 ۵ دیروز کارگران در کارگاه را بستند.  
 أغلقُ : فعل - العُمَّالُ : فاعل و مرفوع به اعراب اصلی - بابٌ : مفعول و منصوب با اعراب اصلی -  
 المصنَّعُ : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی

کلماتی که در عبارات فوق از بیان نقش آنها خودداری کردیم، امسال خوانده نمی شود و ضرورتی ندارد اما نقش بقیه کلمات برای دانش آموزان قابل تشخیص است.

در عبارات فوق، کلماتی دیدیم که مبنی بودند و نقش پذیرفته بودند مثل «الذی» که موصول و مبنی بر سکون است اما نقش مضاف الیه گرفته است. مجرور بودن این کلمه به علت مبنی بودن، قابل مشاهده نیست لذا تنها می توان گفت این کلمه در جایگاه و محلّ جزّ واقع شده است و به عبارتی دارای اعراب محلّی است که در پایه یازدهم تدریس خواهد شد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که هر فعلی اعمّ از معرب یا مبنی، غیر از فعل بودن، می تواند نقش دیگری بگیرد مثلاً خبر واقع شود<sup>۱</sup>. آن نقش، هرگز نمی تواند در اعرابش تغییری ایجاد کند لذا آن فعل هم تنها در جایگاه اعراب قرار گرفته است و ظاهرش همان گونه که هست باقی می ماند.

مثال های کتاب درسی را ببینید :

هِنَّ ذَهَبَيْنٌ : هُنَّ : مبتدا و مرفوع است اما چون مبنی است، رفع را در ظاهرش نمی بینیم.  
 ذَهَبَيْنٌ : خبر و مرفوع است اما باز هم چون فعلی است که نقش پذیرفته<sup>۲</sup>، تغییری در ظاهرش اتفاق نمی افتد.  
 ذَلِكْ زَمِيْلُهُ : ذَلِكْ : مبتدا و در جایگاه رفع (محللاً مرفوع) زیرا اسم اشاره و مبنی است.

زَمِيْلٌ : خبر مفرد و مرفوع با اعراب اصلی

هُ : مضاف الیه و در جایگاه جر (محللاً مجرور) زیرا ضمیر و مبنی است.

أَعْرِفُهُ جَيِّدًا : أَعْرِفُ : فعل و فاعلش أنا مستتر

هُ : مفعول و در جایگاه نصب (محللاً منصوب) زیرا ضمیر و مبنی است.

۱- در آینده آموزش می دهیم که یک فعل، می تواند نقش هایی بگیرد؛ از جمله صفت، حال و ...

۲- ضمن اینکه اساساً یک فعل مبنی است.



در مورد اعراب دیگر اسامی مختصراً عرض می‌کنم که اسامی جمع مؤنث سالم در حالت رفع و جزّ، اعراب اصلی می‌گیرند اما در حالت نصب، به جای فتحه، کسره می‌گیرند. اسامی غیرمنصرف در حالت رفع و نصب، اعراب اصلی ولی در حالت جزّی اعراب فرعی می‌گیرند و به جای کسره، فتحه می‌گیرند. اسامی خمسه با «واو»، «الف»، «باء» به ترتیب مرفوع، منصوب و مجرور می‌شوند. اینها انواع اعراب فرعی در اسم‌های معرب هستند که در آینده آموزش خواهند دید.

اما اسامی مقصور و مضاف به باء متکلم در هر سه حالت رفع، نصب و جزّ، اعراب تقدیری می‌گیرند، همین‌طور اسامی منقوص در حالت رفع و جزّ. اما در حالت نصب، اعراب اصلی می‌گیرند. اعراب تقدیری نیز در پایه یازدهم تدریس خواهد شد. امسال کافی است با اسامی مثنی و جمع مذکر سالم آشنا شوند.

## اعراب صفت و مضاف الیه

دانش آموزان در دوره اول متوسطه و به‌طور خاص در پایه نهم با صفت و مضاف‌الیه آشنا شده‌اند. صفت، کلمه‌ای است که ویژگی یک اسم دیگر را بیان می‌کند و مضاف‌الیه اسمی است که ربطی با اسم پیش از خود دارد و به آن اضافه شده است اما ویژگی آن را بیان نمی‌کند. معمولاً در زبان فارسی برای تشخیص صفت از مضاف‌الیه از این راهکار استفاده می‌شود:

به دو عبارت «کتابِ نیکو» و «کتابِ کتابخانه» توجه نمایید. اگر در هر دو، کلمه اولی یعنی «کتاب» را به‌صورت ساکن بخوانیم و در انتها «است» بگذاریم، هرکدام معنادار باشد، ساختار وصفی است و در صورتی که بی‌معنا باشد، ساختار اضافی است. اکنون ببینیم:

«کتابِ نیکو است» و «کتابِ کتابخانه است» مشهود است که «کتابِ نیکو» ساختار وصفی و «کتابِ کتابخانه» اضافی است لذا کلمه «نیکو» صفت برای «کتاب» و کلمه «کتابخانه» مضاف‌الیه برای آن است. این، یکی از راهکارهاست گرچه راه‌های دیگری هم وجود دارد که برای جلوگیری از اطاله کلام از گفتن آنها خودداری می‌نماییم.

## اما اعراب صفت و مضاف‌الیه چیست؟

اعراب صفت از موصوفش تبعیت می‌کند؛ یعنی هر اعرابی که موصوف داشته باشد، صفت هم همان اعراب را می‌گیرد. اعراب مضاف‌الیه همواره مجرور است و هرگز با اعرابی دیگر نخواهد آمد. در پایان به این نکته تأکید می‌کنیم که به حرکات کلمات مبنی، بناء و به حرکات کلمات معرب، اعراب می‌گویند.

**إختبر نفسك : صفت و مضاف الیه را مشخص کن سپس اعرابشان را بیان کن.**

۱ رضایت خداوند در رضایت والدین است.

اللَّهُ مضاف الیه برای رضا و مجرور به اعراب اصلی – الوالدین مضاف الیه برای رضا و مجرور با اعراب فرعی «باء»

۲ ساکت بودن زبان، سلامتی انسان است. (سکوت زبان نشان دهنده سلامتی انسان است.)

اللسان مضاف الیه برای سکوت و مجرور با اعراب اصلی – الإنسان مضاف الیه برای سلامة و مجرور با اعراب اصلی

۳ انسان ضعیف دروغ می گوید و انسان قوی راست می گوید.

الضعیف والقوی دو صفت برای انسان در دو عبارت و مرفوع به تبعیت از فاعلها

۴ دانش آموزان مؤدب نزد معلمها محترمند.

المؤدبون صفت برای الطلاب و مرفوع با اعراب فرعی «واو» برای تبعیت از طلاب (مبتدا) / المعلمین مضاف الیه برای «عند» و مجرور با اعراب فرعی «باء»

۵ ملت دانا ملتی موفق است.

العالم صفت برای الشعب و مرفوع با اعراب اصلی به تبعیت از مبتدا / ناجح صفت برای شعب و مرفوع با اعراب اصلی به تبعیت از خبر

## گفتگو (در داروخانه)

**حاجی :** ببخشید، نسخه ندارم و این داروهایی که بر ورقه نوشته شده اند را می خواهم.  
**داروخانه دار :** ورقه را به من بده : دماسنج، قرصهای تسکین دهنده سردرد، قرصهای آرام بخش، کپسول آمپی سیلین، پنبه پزشکی، پمادی برای حساسیت پوست ... مشکلی نیست اما آمپی سیلین را به تو نمی دهم.

**حاجی :** چرا نمی دهی؟ آیا نداری؟

**داروخانه دار :** نه! داریم! ولی فروش آن بدون نسخه جایز نیست.

**حاجی :** خیلی ممنون جناب داروخانه دار!

**داروخانه دار :** این داروها را برای چه کسی می خری؟

**حاجی :** برای دوستانم (همسفرانم) در کاروان می خرم.

**داروخانه دار :** شفا از جانب خداوند است.

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات درس، مناسب توضیحات زیر است؟

- ۱ ابزاری برای آگاهی یافتن از درجه حرارت بدن و هوا. محرار (دماسنج)
- ۲ روز استراحت برای کارمندان و کارگران و دانش‌آموزان. عَطْلَة (تعطیلی)
- ۳ منطقه‌ای خشک کنار دریاها و اقیانوس‌ها. شاطِئ (ساحل)
- ۴ اداره‌ای برای تحویل دادن نامه‌ها و دریافت کردن آنها. بَرِید (اداره پست)
- ۵ گیاهی که میوه‌ای (ثمره‌ای) سفید رنگ می‌دهد. قُطْن (پنبه)
- ۶ مکانی برای فروش داروها. صیدلَّیَّة (داروخانه)

تمرین دوم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب از میان کلمات زیر قرار بده. (دو کلمه اضافی)

باند زخم / گنبد / پوستی / جالب / گردشگری / روستا / شیرینی‌ها

- ۱ دوستم بیماری پوستی داشت پس به بیمارستان رفت.
- ۲ قصیده‌ای جالب از امیر شاعران احمد شوقی خواندم.
- ۳ زیر گنبد شاهچراغ در شهر شیراز نشستیم.
- ۴ کردستان از مناطق جذب گردشگری در ایران است.
- ۵ زندگی در روستا واقعاً جالب است.

تمرین سوم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب قرار بده.

- ۱ دو گردشگر از آمریکای مرکزی در موزه دیدیم.
- ۲ «سائحین» چون در جایگاه مفعول است لذا با «باء» و به صورت منصوب می‌آید.
- ۳ دو پرستار، زنی را که با ماشین تصادف کرد، کمک کردند.
- ۴ «ممرّضتان» چون فاعل است پس با «الف» و به صورت مرفوع می‌آید.
- ۵ آندوه مؤمنان در قلب‌هایشان است نه در صورت‌هایشان.
- ۶ «امیرالمؤمنین» زیرا مضاف الیه است و باید با «باء» مجرور شود.
- ۷ دو پلیس در ابتدای میدان اولی ایستادند.
- ۸ «الشرطبان» چون مبتدا و مرفوع با اعراب فرعی «الف» است.

۵ معلم‌ها در جشن مدرسه حاضرند.

«المعلمون» چون مبتدا و مرفوع با اعراب فرعی «واو» است.

۶ خلبان‌ها از هواپیماهای جنگی شان پیاده شدند.

«الطيارون» چون فاعل و مرفوع با اعراب فرعی «واو» است.

تمرین چهارم: کلمات رنگی را اعراب کن. (نقش و اعرابشان را بنویس.)

- |                                |  |
|--------------------------------|--|
| ۱ آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟  | الإحسان مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی      |
| ۲ عقل سالم در بدن سالم است.    | السّليم صفت برای العقل و مرفوع با اعراب اصلی |
| ۳ خبر بد به سرعت پخش می‌شود.   | السّیئ صفت برای الخبر و مرفوع با اعراب اصلی  |
| ۴ از انجام کار نیک پشیمان نشو! | الخير مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی        |
| ۵ صبر، کلید گشایش است.         | الفَرَج مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی      |
| ۶ نیازمندی، مادر اختراع است.   | الإختراع مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی     |

تمرین پنجم: کلمات معرب را مشخص کن.

- ۱ یَجِدْنَ (مضارع صیغه ششم/مبني) - تحصلنَ (مضارع صیغه دوازدهم/مبني) - تُحَوَّلُ (مضارع و معرب) - إشهدُ (امر حاضر/ مبني)
- ۲ هربتَ (ماضی/مبني) - نَقَصَ (ماضی/مبني) - نَفَعْنَا (ماضی/مبني) - تَقَرَّبُ (مضارع و معرب)
- ۳ هی (ضمیر/مبني) - أنتَ (ضمیر/مبني) - کما (ضمیر/مبني) - صحیفة (اسم معرب)
- ۴ برید (اسم معرب) - اولئک (اسم اشاره/مبني) - تلک (اسم اشاره/مبني) - هذِهِ (اسم اشاره/مبني)
- ۵ هلْ (حرف استفهام/مبني) - فستق (اسم معرب) - أینَ (اسم استفهام/مبني) - متی (اسم استفهام/مبني)
- ۶ علی (حرف/مبني) - جُرِحَ (اسم معرب) - ثُمَّ (حرف/مبني) - مِنْ (حرف/مبني)

تمرین ششم: دو آیه و حدیث‌ها را ترجمه کن سپس اعراب کلمات رنگی را مشخص کن.

۱ خداوند کعبه را خانه حرام قرار داد برای اینکه قیامی برای مردم باشد.

الكعبة: مفعول و منصوب

۲ خداوند به کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، وعده داده است.

اللّه: فاعل و مرفوع

۳ بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.

النَّاسِ (اَوَّلِي): مضاف اليه و مجرور/ النَّاسِ (دومی): مفعول و منصوب

۴ روزگار دو روز است؛ روزی برای تو و روزی علیه تو.

یومان: خبر و مرفوع با اعراب فرعی «الف»

۵ زیبایی علم، نشر آن است و ثمره اش عمل به آن است.

نشر: خبر و مرفوع / ثمره: مبتدا و مرفوع

در پایان این درس می‌توانیم از عبارات متن این درس و دروس قبلی و تمارین، برای تثبیت قواعد استفاده کنیم. می‌توانید از نمونه‌های زیر استفاده کنید:

«جملات اسمیه و فعلیه را مشخص کنید و نقش‌های مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، صفت و مضاف اليه را

همراه با ذکر اعرابشان بیان نمایید.»

۱ یَرَى بَعْضُ السَّائِحِينَ اِيرانَ بِلدًا مَمْتازًا.

جمله فعلیه - یَرَى: فعل / بَعْضُ: فاعل و مرفوع / السَّائِحِينَ: مضاف اليه و مجرور با اعراب فرعی «باء» /

اِيرانَ: مفعول اول و منصوب با اعراب فرعی «باء» / بِلدًا: مفعول دوم و منصوب / مَمْتازًا: صفت و منصوب

۲ اِلسلامُ يَحْتَرُمُ اَلْاَدِيانَ اِلِلهِيَّة.

جمله اسمیه - اِلسلامُ: مبتدا و مرفوع / يَحْتَرُمُ: فعل و فاعلش هو مستتر / اَلْاَدِيانَ: مفعول و منصوب /

اِلِلهِيَّة: صفت و منصوب

۳ اَلْمُسْلِمُونَ خَمْسُ سَكَّانِ اَلْعَالَمِ.

جمله اسمیه - اَلْمُسْلِمُونَ: مبتدا و مرفوع با اعراب فرعی «واو» / خَمْسُ: خبر مفرد و مرفوع / سَكَّانِ:

مضاف اليه و مجرور / اَلْعَالَمِ: مضاف اليه و مجرور

۴ اِنْتانَ خَيْرٌ مِنْ واحِد.

جمله اسمیه - اِنْتانَ: مبتدا و مرفوع با اعراب فرعی «الف» / خَيْرٌ: خبر مفرد و مرفوع / مِنْ واحِد: جار

و مجرور

۵ لا تَجْعَلُنَا مَعَ القَوْمِ الظَّالِمِينَ.

جمله فعلیه - لا تَجْعَلُ: فعل و فاعل اَنْتَ مستتر / نا: مفعول / القَوْمِ: مضاف اليه و مجرور / الظَّالِمِينَ:

مضاف اليه و مجرور با اعراب فرعی «باء»

## بودجه بندی پیشنهادی ترم دوم

برای ترم دوم نیز بودجه بندی زیر را به عنوان پیشنهاد، تقدیم می نمایم.

کلاس	جلسه	هفته	ماه
	اول	اول	بهمن
	دوم	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>پرسش و رفع اشکال ترجمه و لغات متن درس ۷ + بررسی مجهولات پیدا شده توسط دانش آموزان ■ تکلیف :</p> <p>حل تمرین درس ۷</p>	
	سوم	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>حل تمرین درس ۷ در قالب پرسش ضمن پرسش از قواعد و مرور آنها ■ تکلیف :</p> <p>حفظ حوار + تعدادی فعل متعدی معلوم به دانش آموز بدهید و بخواهید آنها را تبدیل به مجهول کنند (اعم از ماضی و مضارع / مجرد و مزید)</p>	
چهارم	دوم	<p>■ برنامه کلاس :</p> <p>پرسش حوار و افعالی که برای تکلیف ارائه شده بود + تدریس قواعد درس ۸ به جز مبحث نون وقایه (با توجه به سبک بودن مطلب، می توان آن را در چنین زمانی تدریس کرد) ■ تکلیف :</p> <p>حل تمرین درس ۸ به جز تمرین خامس (که مربوط به نون وقایه است)</p>	

<p>■ برنامه کلاس : حل تمارین درس ۸ + تدریس نون وقایه و حل تمرین خامس در کلاس با همراهی دانش‌آموزان ■ تکلیف : ترجمه درس ۸ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه</p>	پنجم		
<p>■ برنامه کلاس : پرسش و رفع اشکال ترجمه و لغات درس ۸ + کار بروی جار و مجرورهای متن درس ۸ و توجه دادن به معانی حروف ■ تکلیف : حفظ حواریت درس ۸ + پیدا کردن جار و مجرورهای درس ۶ همراه با معانی حروف + چند فعل متعدی معلوم ارائه نمایید که دانش‌آموزان آنها را مجهول کنند.</p>	ششم	سوم	بهمن
<p>■ برنامه کلاس : پرسش حواریت + رفع اشکال تکلیف با محوریت کار گروهی ■ تکلیف : مطالعه برای امتحان درس‌های ۷ و ۸</p>	هفتم		
<p>■ برنامه کلاس : امتحان دروس ۷ و ۸ ■ تکلیف : ترجمه متن درس ۹ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه</p>	هشتم	چهارم	
<p>■ برنامه کلاس : رفع اشکال امتحان و بیان نکات مهم + پرسش ترجمه و لغات درس ۹ ■ تکلیف : حفظ حواریت</p>	نهم		
<p>■ برنامه کلاس : پرسش حواریت + تدریس قواعد اسم فاعل و اسم مفعول از درس ۹ ■ تکلیف : انجام اختبرهای اسم فاعل و اسم مفعول + تعدادی فعل ثلاثی مجرد و مزید به دانش‌آموزان بدهید و بخواهید که از آنها اسم فاعل و اسم مفعول بسازند.</p>	دهم	اول	اسفند

<p>■ برنامه کلاس : رفع اشکال تکلیف فوق + تدریس مبحث صیغه مبالغه و صفت مشبیه از درس ۹ (تکمیل قواعد درس ۹) ■ تکلیف : حل تمارین درس ۹</p>	یازدهم	دوم	اسفند
<p>■ برنامه کلاس : حل تمامی تمارین درس ۹ ■ تکلیف : ترجمه متن درس ۱۰ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه + حفظ حوار</p>	دوازدهم		
<p>■ برنامه کلاس : پرسش ترجمه و لغات درس ۱۰ + پرسش حوار ■ تکلیف : پیدا کردن اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشبیه از متن درس ۱۰</p>	سیزدهم	سوم	
<p>■ برنامه کلاس : رفع اشکال تکلیف فوق + تدریس قواعد درس ۱۰ ■ تکلیف : حل تمارین درس ۱۰</p>	چهاردهم		
<p>■ برنامه کلاس : پرسش و رفع اشکال تمارین درس ۱۰ ■ تکلیف : مطالعه برای امتحان دروس ۹ و ۱۰</p>	پانزدهم		
<p>■ برنامه کلاس : امتحان دروس ۹ و ۱۰ ■ تکلیف عید : یافتن موارد زیر از دروسی که قبلاً این موارد در آنها جستجو نشده : ۱- انواع مشتقات هر کدام ۵ تا ۲- نون و قایه ۵ تا ۳- افعال مزید با شناسایی صیغه از هر باب ۵ تا ۱۰ فعل ماضی و مضارع متعدی نیز ارائه نمایید و بخواهید مجهول شوند.</p>	شانزدهم	چهارم	



<p>■ برنامه کلاس : کارگروهی بر روی تکلیف عید و رفع اشکال کردن آنها (با اختصاص امتیاز ویژه برای تکالیفی که بی نقص و کامل هستند) ■ تکلیف : ترجمه متن درس ۱۱ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه + حفظ حوار</p>	<p>هفدهم</p>	<p>سوم</p>	
<p>■ برنامه کلاس : پرسش ترجمه و لغات درس ۱۱ + پرسش حوار ■ تکلیف : بررسی جملات متن درس ۱۱ و تشخیص اسمیه یا فعلیه بودن آن جملات + تعیین مبتدا و خبر آن جملات</p>	<p>هجدهم</p>		<p>فروردین</p>
<p>■ برنامه کلاس : تدریس قواعد درس ۱۱ ■ تکلیف : حل تمرین درس ۱۱</p>	<p>نوزدهم</p>		
<p>■ برنامه کلاس : حل تمرین درس ۱۱ ■ تکلیف : بر سر جملات اسمیه ای که دو جلسه قبل به عنوان تکلیف، پیدا کرده بودند، یکی از حروف مشبیه را بیاورند و تغییرات اعرابی در اسم و خبر را اعمال کنند + جملاتی که خودشان دارای حروف مشبیه بودند، اسم و خبرشان را با اعراب مشخص نمایند.</p>	<p>بیستم</p>	<p>چهارم</p>	
<p>■ برنامه کلاس : کارگروهی بر روی تکلیف داده شده و مبحث حروف مشبیه و لانی جنس ■ تکلیف : ترجمه متن درس ۱۲ به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه + حفظ حوار</p>	<p>بیست و یکم</p>		
<p>■ برنامه کلاس : پرسش ترجمه و لغات درس ۱۲ + پرسش حوار ■ تکلیف : تعدادی فعل ثلاثی مزید و تعدادی اسم مشتق ارائه دهید و از دانش آموزان بخواهید آنها را در سطح معلوماتشان تجزیه کنند.</p>	<p>بیست و دوم</p>	<p>اول</p>	<p>اردیبهشت</p>

<p>■ برنامه کلاس : تدریس قواعد درس ۱۲ + رفع اشکال تکلیف فوق (با توجه به حجم کم درس ۱۲ امکان انجام این کار وجود دارد). ■ تکلیف : حل تمرین درس ۱۲</p>	<p>بیست و سوم</p>	<p>دوم</p>	<p>اردیبهشت</p>
<p>■ برنامه کلاس : حل تمرین درس ۱۲ ■ تکلیف : مطالعه برای امتحان دروس ۱۱ و ۱۲</p>	<p>بیست و چهارم</p>		
<p>■ برنامه کلاس : امتحان دروس ۱۱ و ۱۲</p>	<p>بیست و پنجم</p>	<p>سوم</p>	
<p>■ اکنون چند جلسه باقی می ماند که اولاً برای تعطیلات احتمالی، آنها را نیاز داریم، در ثانی به هر اندازه که جلسات اضافه داشتیم لازم است کل کتاب دوازدهم را تقسیم بندی نموده، در قالب کارگروهی دروس را دوره می نمایم. یکی از بهترین کارها، ارائه نمونه سؤالات امتحانی سال های گذشته و حل تمرین در گروه است.</p>			

## شروع ترم دوم

کلاس را با بیان یک خسته نباشید بابت امتحانات شروع نمایید و نکات محوری امتحان را مختصراً بگویید تا اگر احیاناً مشکلی باقی مانده است، مرتفع شود.

## لیلة المبيت (شب بیتوته)

کفار قریش از انتشار دین اسلام ترسیدند پس رؤسایشان برای مشورت پیرامون این موضوع جمع شدند؛ پس بر کشتن پیامبر (ص) هم پیمان گشتند و قرار گذاشتند از هر عشیره‌ای مردی را برگزینند برای اینکه شبانه به خانه پیامبر هجوم ببرند تا همگی در قتلش شریک شوند؛ زیرا هنگامی که پیامبر، به این روش کشته شود، راه بر بنی هاشم برای پیگرد قاتل بسته می‌شود پس مجبور به پذیرش دیه‌اش می‌شوند و انتقام گرفتن از همه قبیله‌ها (چندین قبیله) ممکن نمی‌باشد. اما خداوند پیامبر را از طریق وحی از توطئه آگاه کرد.

پس این آیه به او نازل شد: «و هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، توطئه می‌کردند تا تو را در بند کشند یا بکشند یا (از مکه) بیرون کنند و ترفند می‌زنند و خدا نیز ترفند می‌زند و خداوند بهترین ترفند زندگان است.» وقتی که رسول خدا و مسلمانان بدان آگاه شدند، تصمیم بر هجرت به مدینه گرفتند. پس پیامبر، پسر عموی جوانش علی بن ابی طالب (ع) را برگزید برای اینکه به دو کار مهمی اقدام کند که به حسن تدبیر و فداکاری احتیاج دارد.

اولاً (اقدام) به اینکه در مکه بماند برای ادای امانت‌هایی که نزد رسول الله بود، به صاحبانشان. ثانیاً اینکه درباره راهی بیندیشد که کفار، خروج رسول الله از مکه را احساس نکنند. پس علی (ع) در بستر رسول خدا (ص) خوابید و جامه‌اش را برکشید و رسول خدا توانست بدون اینکه کفار آن را احساس کنند، شبانه از مکه خارج شود در حالی که کلام خداوند بلند مرتبه را تکرار می‌کرد: «و پیش رویشان (: من بین ایدیهم) سدی قرار دادیم و پشت سرشان سدی را، پس آنها را پوشانیدیم پس آنها نمی‌بینند.»

و هنگام طلوع فجر، کفار شمشیرهایشان را برکشیدند و به خانه پیامبر (ص) حمله کردند و قصد کشتنش در بستر را کردند، ناگهان علی (ع) جلوشان ایستاد در حالی که جامه سبز رسول الله را از خودش برمی‌داشت و با شجاعت به آنها می‌گفت: «چه می‌خواهید؟!»

پس در این هنگام کفار فهمیدند آن کس که در بستر است، همان علی (ع) است. اما رسول الله (ص)! خداوند او را نجات داد تا به ادای رسالتش ادامه دهد تا اینکه حق پیروز شود. «و از میان مردم، کسی است که جانش را برای طلب خشنودی خداوند می‌فروشد.»

**جمله درست و نادرست را بر اساس حقیقت و واقعیت مشخص کن.**

۱ ییگرد، یاری رساندن به فقر است. (نادرست)

۲ پسر عمو، برادر مادر و عمه، خواهر مادر است. (نادرست)

۳ هرکس بخواد بیروز شود پس تلاش کردن بر او واجب است. (درست)

۴ فعل «شری» دو معنای مختلف دارد: فروختن و خریدن. (درست)

## بدانید (فعل مجهول)

فعل معلوم، فعلی است که فاعلش مشخص است اما گاهی فاعل در جمله، مشخص نیست. به چنین افعالی که فاعلشان مشخص نیست، مجهول می‌گویند. ساختار مجهول در زبان فارسی معمولاً با مشتقات «شدن» به کار می‌رود و باید یادمان باشد که فعل مجهول فقط از یک فعل متعدی ساخته می‌شود؛ زیرا در جمله مجهول، فاعلمان به مفعول جمله معلوم نسبت داده می‌شود. اما علت مجهول آمدن جملات، ممکن است یکی از این موارد باشد:

- ۱ نامعلوم بودن فاعل مثل: «سَرِقَ الْخَاتَمُ: انگشتر دزدیده شد.»
- ۲ واضح بودن فاعل مثل: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينٍ: انسان از خاک آفریده شد.»
- ۳ عدم اهمیت بیان فاعل مثل: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ: یا از هیچ چیز آفریده شدند.»

## ساختار مجهول در زبان عربی

در زبان عربی اگر بخواهیم جمله مجهول را بشناسیم باید اولاً به ساختار فعل جمله توجه کنیم. هنگام مجهول بودن، حرکات فعل، چه در ماضی و چه در مضارع متفاوت است که به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت:

### ساختار ماضی مجهول

در ماضی مجهول، عین الفعل دارای کسره است و ماقبل آن هر حرف متحرکی باشد، مضموم است  
مثل: خُلِقَ یا أُسْتُخِدِمَ

### ساختار مضارع مجهول

در مضارع مجهول، عین الفعل دارای فتحه است و فقط حروف مضارعه مضموم می‌باشد مثل: يُخَلَقُ یا يُسْتَحْدَمُ

پس با دقت در حرکات می‌توانیم یک فعل مجهول را شناسایی کنیم یا یک فعل معلوم را تبدیل به فعلی مجهول نماییم. ذکر این نکته ضروری است که فعل مجهول فقط از فعل متعدی ساخته می‌شود و هرگز نباید فعل لازم را مجهول کرد؛ اما چرا؟

زیرا در واقع آنچه در جمله معلوم، مفعول بوده است، در جمله مجهول، جایگزین فاعل گشته و فعل مجهول، بدان اسناد داده می‌شود؛ پس لازم است حتماً فعل متعدی داشته باشیم. اگر بخواهیم یک جمله معلوم را به مجهول تبدیل کنیم باید به ترتیب، گام‌های زیر را برداریم:

- ۱ حذف فاعل جمله
- ۲ جایگزین کردن مفعول به جای فاعل و نتیجتاً مرفوع کردن مفعول سابق با همان نایب فاعل
- ۳ تغییر ساختار فعل با توجه به ماضی یا مضارع بودنش
- ۴ فعل را به لحاظ جنس با نایب فاعل متناسب می‌نماییم.

در این زمینه به نمونه زیر توجه فرمایید:

جَرَدَ الْكَفَّارُ السُّيُوفَ.

گام اول (حذف فاعل): جَرَدَ السُّيُوفَ

گام دوم (مرفوع کردن نایب فاعل): جَرَدَ السُّيُوفُ

گام سوم (تغییر ساختار فعل): جَرَدَتِ السُّيُوفُ

گام چهارم (تناسب فعل و نایب فاعل از نظر جنس): جَرَدَتِ السُّيُوفُ. (نکته: از آنجا که کلمه «السُّيُوفُ» جمع مکسر است، با آن معامله مفرد مؤنث می‌شود لذا فعلش به صورت جَرَدَتِ می‌آید.)

ساده‌ترین نوع مجهول کردن جمله، همین مورد فوق است که هم فاعل اسم ظاهر است هم مفعول. در

صورتی که هریک از آنها ضمیر باشد یا هردو، کمی سخت‌تر است مانند نمونه‌های زیر:

يَخْتَارُونَ مِنْ كُلِّ عَشِيرَةٍ رَجُلًا: يُخْتَارُ مِنْ كُلِّ عَشِيرَةٍ رَجُلٌ.

أَنْقَذَهُمُ اللَّهُ: أَنْقَذُوا يُخْرِجُ جُوكَ: نُخْرِجُ

دقت داشته باشید در صورتی که مفعول جمله معلوم دارای صفت یا تابعی باشد، وقتی جمله تبدیل به مجهول شد و اعراب گرفت، لازم است توابعش نیز تغییر اعراب داشته باشند و مرفوع شوند. همچنین اگر ضمیری داشتیم که به فاعل برمی‌گشت، با حذف فاعل – که مرجع ضمیر است – آنها نیز حذف می‌شوند. اما آنچه از دانش آموز انتظار می‌رود:

شایسته است از دانش آموز بخواهید در گام اول خودش سعی کند و تغییر حرکت‌های فعل مجهول را کشف کند. مثال‌های کتاب، نمونه‌ای خوبی برای این امر هستند.

ساختن فعل مجهول و مجهول کردن جمله، از اهداف آموزشی نیست بلکه دانش آموز باید بتواند فعل مجهول را تشخیص داده، درست ترجمه نماید.

اختبر نفسک : ترجمه آیات شریفه را کامل کن. سپس افعال مجهول را مشخص نموده، صیغه‌شان را بیان نما.

- ۱ خوانده شود - مورد رحمت قرار گیرید. افعال مجهول : قُرِئَ : ماضی مجهول صیغه للغائب / تُرْحَمُونَ : مضارع مجهول صیغه للمخاطبین
- ۲ نمی آفرینند - آفریده می شوند. فعل مجهول : يُخْلَقُونَ : مضارع مجهول صیغه للغائبین
- ۳ دزه‌ای مورد ستم واقع نمی شوند. فعل مجهول : لَا يُظْلَمُونَ : مضارع منفی مجهول صیغه للغائبین
- ۴ خلق شد. فعل مجهول : خُلِقَتْ : ماضی مجهول للغائبة
- ۵ واجب شد. فعل مجهول : كُتِبَ : ماضی مجهول للغائب
- ۶ آفریده شد. فعل مجهول : خُلِقَ : ماضی مجهول للغائب

عرض کردیم نائب فاعل همان مفعول جمله معلوم است که به صورت مرفوع در جمله می آید. نمونه‌های کتاب را در این زمینه بررسی می‌نماییم :

«سَتَكْتَبُ شَهَادَتَهُمْ وَيُسْأَلُونَ» در این عبارت دو فعل مجهول «تَكْتَبُ» و «يُسْأَلُونَ» داریم. نائب فاعل اولی کلمه «شهادة» است لذا مرفوع آمده و فعلش نیز مؤنث! نایب فاعل دو می «ضمیر بارز واو» و محلاً مرفوع است.

«يُعْرَفُ المجرمون بسیماهم» در این عبارت کلمه «المجرمون» نایب فاعل برای فعل مجهول «يُعْرَفُ» است و با اعراب فرعی مرفوع شده است.

«يُفْتَحُ بابُ صالَةَ الإمتحان للطلاب» کلمه «باب» نایب فاعل برای فعل مجهول «يُفْتَحُ» است.

اختبر نفسک : آیات و جملات زیر را ترجمه نمایید. سپس کلمات رنگی را اعراب نمایید.

- ۱ ماه رمضان (ماهی است) که قرآن در آن نازل شد. شهر : مبتدا و مرفوع با اعراب اصلی
- الذی : خبر مفرد و محلاً مرفوع
- فیه : جار و مجرور محلاً
- ۲ و هنگامی که قرآن خوانده شود، بدان گوش فرا دهید. انزل : فعل مجهول
- القرآن : نایب فاعل و مرفوع با اعراب اصلی
- إذا : ظرف و محلاً منصوب
- القرآن : نایب فاعل و مرفوع با اعراب اصلی
- له : جار و مجرور محلاً
- قرئ : فعل مجهول
- استمعوا : فعل و فاعل ضمیر بارز واو

۳ کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شوند.

إلى الله : جار و مجرور به اعراب اصلی

الأمور : نایب فاعل و مرفوع با اعراب اصلی

۴ اشیاء با ضدهایشان شناخته می‌شوند.

تُعَرَفَ : فعل مجهول

بأصداد : جار و مجرور به اعراب اصلی

۵ راننده، در اتوبوس مدرسه را بست.

أغلق : فعل

السائق : فاعل و مرفوع با اعراب اصلی

حافلة : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی

باب : مفعول و منصوب با اعراب اصلی

المدرسة : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی

۶ مادر سعید غذایی لذیذ پخت.

طبخت : فعل

والدة : فاعل و مرفوع با اعراب اصلی

طعاماً : مفعول و منصوب با اعراب اصلی

سعید : مضاف الیه و مجرور با اعراب اصلی

لذيذاً : صفت و منصوب به تبعیت از طعام

با دقت در نمونه‌های فوق مشهود است که نایب فاعل (مثل فاعل) در سه شکل می‌تواند بیاید :

۱ اسم ظاهر      ۲ ضمیر بارز      ۳ ضمیر مستتر

اگر کلمه‌ای مستقل پس از فعل بیاید و در واقع فعل به آن اسناد داده شود، فاعل یا نایب فاعل اسم ظاهر خواهد بود مثل «قد أنزل الله إليكم ذكراً» که کلمه «الله» فاعل اسم ظاهر می‌باشد و «شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن» که کلمه «القرآن» نایب فاعل اسم ظاهر است. با ضمائر اعم از بارز و مستتر آشنا شده‌ایم. ضمائر بارز همان ضمائر رفعی هستند که به فعل می‌چسبند و صیغه آن فعل را مشخص می‌کنند و ضمائر مستتر نیز ضمائر رفعی هستند که در ظاهر فعل دیده نمی‌شوند ولی سیاق جمله و ساختار فعل، آن را برای ما روشن می‌گرداند. اختبر نفسک : نوع فاعل و نایب فاعل را در این جملات مشخص کن.

۱ کمبود ویتامین C با خوردن آب‌لیمو جایگزین می‌شود.

کلمه «قله» نایب فاعل اسم ظاهر برای فعل «تعوض» است.

۲ هنگام نگاه به نور قرمز احساس خستگی کرد.

ضمیر مستتر «هو» فاعل برای فعل «شعر» است.

۳ دوست حقیقی هنگام سختی‌ها شناخته می‌شود.

ضمیر مستتر «هو» فاعل برای فعل «يعرف» است که به «الصدق الحقیقی» بازمی‌گردد.

- ۴ خلبان را ایستاده کنار هواپیما دیدم.  
ضمیر بارز «تُ» فاعل برای فعل «رأیت» می باشد.
- ۵ شیری تازه در روستا نوشیدیم.  
ضمیر بارز «نا» فاعل برای فعل «شرینا» است.
- ۶ کودکان در تنهایی شان رها نمی شوند.  
ضمیر بارز «واو» نایب فاعل برای فعل «یترکون» است.

### گفتگو (همراه با مسئول پذیرش)

- گردشگر : لطفاً کلید اتاقم را به من بده.  
مسئول پذیرش : شماره اتاق چنده؟  
گردشگر : دویست و بیست.  
مسئول پذیرش : بفرما!  
گردشگر : بیخشید، این کلید اتاق من نیست.  
مسئول پذیرش : از شما عذر می خواهم، سیصد و سی را به شما دادم.  
گردشگر : اشکالی ندارد دوست من! ساعت کار شما چنده؟  
مسئول پذیرش : از شش صبح تا دو بعد از ظهر سپس همکارم بعد از من می آید.  
گردشگر : وقت های صبحانه، ناهار و شام کی است؟  
مسئول پذیرش : صبحانه از هفت و نیم تا یک ربع به نه. ناهار از دوازده تا دو و ربع و شام از هفت تا یک ربع به نه.  
گردشگر : خوراک صبحانه چیست؟  
مسئول پذیرش : چای و نان و پنیر و کره و شیر و مربای زردآلو.  
گردشگر : غذای ناهار چیست؟  
مسئول پذیرش : برنج همراه با مرغ.  
گردشگر : غذای شام چیست؟  
مسئول پذیرش : برنج همراه با خورش بادمجان.  
گردشگر : از شما سپاسگزارم.  
مسئول پذیرش : تشکری بر وظیفه لازم نیست.



## تمارین

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات معجم مناسب توضیحات زیر است؟

- |                      |  |
|----------------------|--|
| مؤامرة = توطئه       | ۱ حرکتی سری که علیه شخصی، حکومتی یا سازمانی طرح ریزی می‌شود. |
| تحالف = هم پیمان شدن | ۲ اتحاد بین اشخاص یا کشورها برای یاری کردن یکدیگر.           |
| سیف = شمشیر          | ۳ سلاحی برای جنگ در زمان قدیم.                               |
| بُرد = چادر          | ۴ چادری راه راه.   |
| أَبْصَرَ             | ۵ دید و نگاه کرد.  |

تمرین دوم: در جای خالی فعلی مناسب قرار بده.

- ۱ دوستم تصویری جذاب بر دیوار مدرسه رسم می‌کند. (یَرْسُمُ)
- ۲ نگهبانان راه را برای پیگرد دزدان بستند. (أَغْلَقَ)
- ۳ صدایی قوی از دور شنیده شد (سَمِعَ) پس همگی ترسیدند.
- ۴ آشپز غذایی نیکو در آشپزخانه می‌پزد. (يَطْبِخُ)
- ۵ شیرینی‌های خوشمزه‌ای در شهر یزد ساخته می‌شود. (تُصَنَعُ)

تمرین سوم: جواب صحیح را مشخص کنید.

- ۱ ماضی از «ثَبَّتْ» = أَثَبَّتَ (باب افعال) / ثَبَّتَ (باب تفعیل) / ثَبَّتَ (ثلاثی مجرد)
- ۲ مضارع از «قَرَّبَ» = يَقْرَبُ (باب تفعیل) / يَقْتَرِبُ (باب افتعال) / يَتَقَرَّبُ (باب تفعّل)
- ۳ مصدر از «أَغْلَقَ» = إِغْلَقُ (باب افعال) / تَغْلِقُ (باب تفعیل) / انغلاق (باب انفعال)
- ۴ امر از «تُعَلِّمُونَ» = عَلِّمُوا (امر باب تفعیل) / أَعْلِمُوا (امر باب افعال) / إِعْلَمُوا (امر ثلاثی مجرد)
- ۵ نهی از «تُنزِلِينَ» = لَا تُنْزِلِي (نهی باب افعال) / لَا تُنْزِلِينَ (نهی باب افعال) / لَا تُنْزِلِي (نهی از ثلاثی مجرد)
- ۶ فعل مجهول = يُضْرَبُ / يُسْرَفُ (مضارع معلوم باب تفعیل) / يُلَاحِظُ (مضارع معلوم باب مفاعلة)

تمرین چهارم: جواب صحیح را انتخاب کن.

- ۱ حَرَّكْتُمْ (ماضی للمخاطَبِينَ) – حَرَّكْتُنَّ (ماضی للمخاطبات) – حَرَّكْنَا (ماضی للمخاطَبِينَ)
- ۲ اِكْتَشِفُوا (امر للمخاطَبِينَ) – اِكْتَشِفْنَ (امر للمخاطبات) – اِكْتَشِفَا (امر للمخاطَبِينَ)
- ۳ تَحْتَرِّمُ (مضارع للمخاطَب) – تَحْتَرِّمِينَ (مضارع للمخاطبة) – يَحْتَرِّمُ (مضارع للغائب)

- ۴ تُفَكِّرَانِ (مضارع للغائبين) - يُفَكِّرُونَ (مضارع للغائبين) - يُفَكِّرَانِ (مضارع للغائبين)  
 ۵ تَحَالَفْتَنَ (ماضی للمخاطبات) - تَحَالَفُوا (ماضی للغائبين) - تَحَالَفْنَ (ماضی للغائبات)  
 ۶ أَخْرَجَ (ماضی للغائب افعال) - أَمْلِكُ (مضارع للمتكلم وحده ثلاثی مجرد) - إِبْتَعَدَ (ماضی للغائب افتعال)

تمرین پنجم: آیات زیر را ترجمه کن سپس افعال مجهول را مشخص کن.

- ۱ ای مردم! مثالی زده شد پس بدان گوش فرا دهید همانا کسانی که به جای خدا فرا می خوانید، مگسی خلق نخواهند کرد.  
صُرِبَ: ماضی مجهول للغائب  
 ۲ و انسان می گوید آیا هنگامی که بمیرم، قطعاً زنده خواهم شد؟  
أُخْرِجُ: مضارع مجهول للمتكلم وحده  
 ۳ بگو همانا من امر شدم که خداوند را عبادت کنم درحالی که دین را برای او (خداوند) خالص گردانیده ام.  
أُمِرْتُ: ماضی مجهول للمتكلم وحده  
 ۴ ماه رمضان (ماهی است) که قرآن در آن نازل شد.  
أُنزِلَ: ماضی مجهول باب افعال للغائب  
 ۵ و از جایی نزدیک بازداشت شدند.  
أُخِذُوا: ماضی مجهول للغائبين

### بحث علمی

درباره آیه یا حدیث یا شعر با کلامی جستجو کن که با مفهوم درس مرتبط باشد. (اشاره به نعمت های الهی) و هرکس شکر کند، تنها به سود خویش شکر می کند.

## ای آن که شگفتی هایش در دریاهاست

اعضای خانواده فیلمی جالب می بینند درباره دلفینی که انسان را از غرق شدن نجات داد و او را به ساحل رساند.

**حامد :** باور نمی کنم! این، امری عجیب است. جداً مرا متحیر کرد.

**پدر :** پسر! عجیب نیست زیرا دلفین دوست انسان در دریاست.

**صادق :** باور کردنش سخت است! پدرم! (ما را با این دوست آشنا کن) این دوست را به ما معرفی کن.

**پدر :** حافظه ای قوی دارد و شنوایی اش بالاتر از ده برابر شنوایی انسان است و وزنش تقریباً به دو برابر وزن انسان می رسد و او از جمله حیوانات پستانداری است که بچه هایش را شیر می دهد.

**نورا :** قطعاً او حیوانی باهوش است که یاری رساندن به انسان را دوست دارد! آیا چنین نیست؟

**پدر :** بله، قطعاً! دلفین ها می توانند ما را به مکان سقوط هواپیما یا مکان غرق شدن کشتی راهنمایی کنند.

**مادر :** دلفین ها نقشی مهم در جنگ و صلح ایفا می کنند و آنچه زیر آب از عجایب و اسرار هست را آشکار می کنند و انسان را بر پیدا کردن مکان های تجمع (جمع شدن) ماهی ها یاری می رسانند.

**صادق :** دلفین ها را دیدم در حالی که حرکاتی جمعی انجام می دادند پس آیا باهم حرف می زنند؟

**مادر :** بله در دانشنامه ای علمی خواندم که دانشمندان تأکید می کنند که دلفین ها می توانند با به کارگیری صداهایی معین سخن بگویند و اینکه همچون پرندگان آواز می خوانند و نظیر کودکان گریه می کنند و سوت می زنند و مثل انسان ها می خندند.

**نورا :** آیا دلفین ها دشمنانی دارند؟

**پدر :** حتماً! دلفین ها کوسه ماهی را دشمنی برای خود می پندارند پس هنگامی که نگاهشان به کوسه ماهی می افتد، سریعاً دور آن جمع می شوند و با بینی های تیزشان او را می زنند و می کشند.

**نورا :** آیا دلفین ها واقعاً انسان را دوست دارند؟

**پدر :** بله، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم : ... جریان آب مردی را به شدت به اعماق کشاند. آن مرد بعد از نجاتش گفت : ناگهان چیزی با قوت مرا به بالا برد سپس مرا به سوی ساحل برد و وقتی تصمیم گرفتم از نجات دهنده ام تشکر کنم، کسی را نیافتم اما دلفین بزرگی را دیدم که در نزدیکی من با شادی در آب می پرید.

**مادر :** همانا دریا و ماهی ها نعمتی بزرگ از جانب خداوند هستند.

رسول خدا (ص) فرمود : نگاه کردن به سه چیز عبادت است : نگاه به قرآن و نگاه در صورت پدر و مادر و نگاه به دریا.

## صحیح و خطا را بر اساس متن درس مشخص کن.

- ۱ دلفین از جمله حیوانات پستانداری است که کودکش را شیر می‌دهد. (صحیح)
- ۲ کوسه ماهی نقشی مهم در جنگ و صلح ایفا می‌کند. (غلط؛ دلفین‌ها چنین هستند.)
- ۳ شنوایی انسان به ده برابر شنوایی دلفین برتری می‌یابد. (غلط؛ برعکس است.)
- ۴ کوسه ماهی دوست انسان در دریاهاست. (غلط؛ دلفین‌ها چنین هستند.)
- ۵ کوسه ماهی دشمن دلفین‌هاست. (صحیح)
- ۶ دلفین‌ها دماغ‌هایی نوک تیز دارند. (صحیح)

## بدانید (جار و مجرور)

در زبان فارسی یک سری حروف هستند که وقتی بر سر اسم می‌آیند، معنای فعل جمله را تکمیل می‌نمایند و گروه متممی را تشکیل می‌دهند. در زبان عربی نیز چنین ساختاری داریم و البته با توجه به اینکه در این زبان، نقش کلمات باعث می‌شود آن کلمه اعراب خاصی بگیرد، در ساختار متممی، آن حرف، مجرور کننده اسم بعد از خود خواهد بود و ساختار جارّ و مجرور را شکل می‌دهند. خود کلمه «جارّ» اسم فاعل و به معنای «مجرور کننده» است و خود کلمه «مجرور» اسم مفعول و به معنای «مجرور شده» است. از این رو به چنین ترکیبی «جارّ و مجرور» می‌گویند. کل حروف جرّ را می‌توان در یک بیت شعر از «الفیه ابن مالک» مشاهده کرد:

«باء تاء كاف لام واو منذ مذ خلا      رُبّ حاشا من عدا فی عن علی حتیّ الی»

از موارد فوق، کتاب تنها به ذکر این هشت مورد اکتفا کرده است: «من فی الی علی یرلّ عن ک»

به یاد داشته باشید ساختار جار و مجرور می‌تواند در عین حفظ کردن نقش خود، خبر شبه جمله نیز باشد نظیر: «سلامة العیش فی المداراة». در این عبارت «سلامة» مبتدا و «فی المداراة» خبر از نوع شبه جمله و محلاً مرفوع است. هرگاه خبر شبه جمله داشته باشیم، حتماً اعرابش محلی خواهد بود.

## مهم‌ترین معانی حروف جرّ

حروف جرّ معانی متعددی دارند و هر کدام ممکن است در چند معنا کاربرد داشته باشند. در کتاب، مهم‌ترین و پرکاربردترین آنها ذکر شده است که مختصراً بدان می‌پردازیم. در این موضوع از کتاب «علم نحو نوشته حمید محمدی» بهره می‌برم.

## حرف «مِن»

حرف «مِن» معنای مشهور «از» را افاده می‌کند که غرض از آن می‌تواند یکی از موارد زیر باشد :

۱ ابتدای غایت : آغاز یک فاصله مکانی یا آغاز یک برهه زمانی مثل : «سبحان الّذی أُسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى<sup>۱</sup> : منزّه است خدایی که شبانه بنده‌اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد<sup>۲</sup>». حرف «مِن» در این آیه نشان دهنده آغاز مکانی است.

«صمّتُ من الصّباح إلى المساء : از صبح تا عصر روزه گرفتم.» در این عبارت حرف «مِن» بیانگر آغاز زمانی است.

۲ تبعیض : برای بیان قسمتی از یک چیز مثل : «أخذتُ من الدراهم : بعضی از درهم‌ها را گرفتم.»

۳ بیان جنس : مانند : «عندی خاتم من ذهب : انگشتری از طلا دارم.»

کتاب سه مثال برای «مِن» آورده است که «حتیّ تنفقوا ممّا تحبّون» نمونه‌ای برای «مِن تبعیض»، «اساور من فضّة» مثالی برای «مِن جنس» و «من هنا إلى هنا» نشان دهنده «مِن غایت» است. البته کتاب فقط ترجمه «از» را بدون اشاره به هریک از موارد مذکور، مطرح کرده است.

## حرف «فی»

حرف «فی» به معنای «در» است و دو معنا را افاده می‌نماید :

۱ معنای غالب و پرکاربرد «فی»، ظرفیت زمانی و مکانی است یعنی برای بیان زمان یا مکان وقوع یک فعل کاربرد دارد. ظرفیت نیز می‌تواند حقیقی یا مجازی باشد. اکنون برای ظرفیت حقیقی مثال‌هایی ارائه می‌نماییم :

نمونه ظرف زمانی : قرأتُ القرآن فی ثلاثة آیام. (قرآن را در سه روز خواندم.)

نمونه ظرف مکانی : رأیته فی المسجد. (او را در مسجد دیدم.)

اما ظرفیت مجازی مثل : «التّجاة فی الصّدق» به معنای «رهایی در راستگویی است.»

۲ مقایسه : گاهی «فی» برای مقایسه میان دو چیز به کار می‌رود و البته این معنا، کاربرد کمتری دارد مثل :

«فما متاع الحیاة الدنیا فی الآخرة إلاّ قلیل<sup>۳</sup> : بهره زندگانی دنیا در (برابر) آخرت اندکی بیش نیست.»<sup>۴</sup>

در کتاب تنها به معنای ظرفیت اشاره شده است و مثال «هو الّذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» حاکی از ظرف حقیقی و «التّجاة فی الصّدق» ظرف مجازی است.

۱- آیه ۱ سوره مبارکه اسری

۲- ترجمه دکتر غلامعلی حداد عادل

۳- آیه ۳۸ سوره مبارکه توبه

۴- ترجمه دکتر غلامعلی حداد عادل

## حرف «إلى»

این حرف غالباً به معنای انتهای غایت مکانی یا زمانی به کار می‌رود مثل: «ذهبت من البصرة إلى الكوفة»: از بصره به سوی کوفه رفتم. (غایت مکانی) / «ثُمَّ أْتَمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ»: آن‌گاه روزه را تا شب به پایان برید. (غایت زمانی)

معنای دیگری هم وجود دارد و آن، به معنای «مع» است مثل: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ»: اموال آنها را با مال‌های خودتان نخورید.

در کتاب برای «إلى» معانی «به، به سوی، تا» را مطرح کرده است. غالباً دانش‌آموزان «إلى» را همواره «به سوی» ترجمه می‌کنند و گاهی این معنا، در جمله، مناسب نیست و در واقع جمله، معنای «با» یا «تا» را افاده می‌کند پس حتماً به آنها خاطر نشان کنید که همیشه «به سوی» ترجمه نکنند.

در مثال‌های کتاب، حرف «إلى» در آیه «سَبَّحَانَ الَّذِي أَسْرَى...» و «قَالَ كَمْ لَيْتَ...» به معنای غایت مکانی و در عبارت «كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ» بیانگر غایت زمانی است.

## حرف «على»

حرف «على» به معنای «بر / بر روی» معمولاً در دو معنا کاربرد دارد:

۱ استعلاء که یا لفظی است: مانند «صعد على الشجرة»: از درخت بالا رفت. یا معنوی است مثل:

«فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»: بعضی از آنها را بر بعضی دیگر برتری دادیم.

۲ معنای دوم «على» مصاحبت است: مانند «و يطعمون الطعام على حبه»: و غذا را با آنکه دوست

دارند، اطعام می‌کنند.

مثال‌های «الناس على دين ملوكهم» و «الدهر يومان يوم لك و يوم عليك» به نظر می‌رسد معنای استعلاء را افاده می‌کنند اما درباره «عليكم بكمالكم الأخلاق» لازم است نکته‌ای را متذکر شوم؛ در صورتی که حرف جرّ «على» با ضمائر همراه شود و معنای «یجب» بدهد، اساساً نباید به دنبال معنای حروف جرّ باشیم بلکه در چنین ساختاری «اسم فعل امر» داریم. پس حرف «على» می‌تواند ساختار اسم فعل را در جمله پدید آورد.

## حرف «بِ»

حرف «بِ» که بسیار پرکاربرد است، معانی متعددی دارد که عبارت‌اند از:

۱ استعانت: مانند «كُتِبْتُ بِالْقَلَمِ»: با قلم نوشتم. یا «ضربته بالسيف»: او را با شمشیر زدم. در این دو

عبارت، گویا نویسنده می‌خواهد بگوید «با کمک قلم یا شمشیر» فعل را انجام داده است.

- ۲ سببیت: مانند «ضربتُه بسوء أدبه: او را به خاطر بی ادبی اش زد.»
- ۳ تعدیه: یعنی به وسیله آن، یک فعل لازم، معنای متعدی می‌یابد مثل: «ذهب اللهُ بنورهم<sup>۱</sup>: خداوند نور آنها را برد.» در این آیه، فعل لازم «رفت» به وسیله حرف «ب» متعدی و به معنای «برد» شده است.
- ۴ قسم: مثل: «بِاللَّهِ: به خداوند سوگند!»
- ۵ باء زائده: که در مواردی کاربرد دارد ولی اصلاً ترجمه نمی‌شود مثل موضعی که بر سر خبر «لیس» می‌آید همچون: «أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ<sup>۲</sup>: خداوند نسبت به بندگانش ستمگر نیست.»
- ۶ به معنای «فی» یا همان «در»: مانند «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِيَدِهِ<sup>۳</sup>: خداوند در جنگ بدر شما را یاری کرد.» در کتاب درسی معانی «به وسیله» و «در» مطرح شده و این حرف در آیه «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ<sup>۴</sup>» حاکی از استعانت و در آیه «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِيَدِهِ» به معنای «در» است.

### حرف «لِ»

حرف «لِ» معانی متعدد بسیاری دارد. غالباً به معنای «برای» است. اکنون به برخی از آن معانی اشاره می‌نماییم:

- ۱ اختصاص مانند: «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ<sup>۵</sup>: عزت خاص خداوند و پیامبرش و مؤمنین است.»
- ۲ استحقاق مانند: «الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ: بهشت از آن متقین است.»
- ۳ مالکیت و شبه مالکیت به معنای «داشتن» مانند: «لِعَلِيٍّ كِتَابٌ: علی کتابی دارد.» و «لِلدَّارِ بَابٌ: خانه دری دارد.»
- ۴ تعلیل مانند: «فَرَّ لِلْخَوْفِ: به سبب ترس گریخت.»
- در کتاب معانی «برای، از آن، داشتن» برای «لِ» مطرح شده است. به نظر بنده این حرف در آیه «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ<sup>۶</sup>» معنای مالکیت، در روایت «لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سِوَاءَ الْخَلْقِ» و آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِي دِينِي<sup>۷</sup>» معنای شبه مالکیت و در عبارات «لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي.» به معنای تعلیل است. بیان این نکته خالی از لطف نیست که «لِ» بر سر اسم ظاهر و ضمیر متکلم و حده به صورت مکسور و در غیر این دو مورد به صورت مفتوح می‌آید مثل: «لِعَلِيٍّ»، «لِي»، و «لَهُ»

۱- آیه ۱۷ سوره مبارکه بقره

۲- آیه ۱۰ سوره مبارکه حج

۳- آیه ۱۲۳ سوره مبارکه آل عمران

۴- آیات ۳ و ۴ سوره مبارکه علق

۵- آیه ۸ سوره مبارکه منافقون

۶- آیه ۱۷۱ سوره مبارکه نساء

۷- آیه ۶ سوره مبارکه کافرون

## حرف «عن»

حرف «عن» در موارد زیر کاربرد دارد :

- ۱ مجاوزه و عبور دادن مانند : «رَمِيْتُ السَّهْمَ عَنِ الْقَوْسِ : تیر را از کمان پرتاب کردم.»
- ۲ به معنای «درباره» مانند : «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي... : هنگامی که بندگانم درباره من از تو سؤال بپرسند» البته این حرف هم در معانی دیگری به کار می‌رود که کم کاربرد هستند و از بیان آنها پرهیز می‌نماییم.

## حرف «ك»

معنای غالب این حرف، تشبیه است مانند : «لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى : مرد مانند زن نیست.» مثال کتاب نیز حاکی از همین معناست.

## اختیار نفسک : کلمات رنگی را ترکیب کن :

۱ دانش بهتر از مال است. دانش از تو حفاظت می‌کند در حالی که تو مال را محافظت می‌نمایی.

العلم : مبتدا و مرفوع به ضمه      خیر : خبر مفرد و مرفوع به ضمه

من المال : جار و مجرور به کسره      العلم : مبتدا و مرفوع به ضمه

يحرص : خبر جمله فعلیه و محلاً مرفوع و فاعلش هو مستتر

ك : مفعول و منصوب محلاً      أنت : مبتدا و مرفوع محلاً

تحرص : خبر جمله فعلیه و محلاً مرفوع و فاعلش أنت مستتر المال : مفعول و منصوب به فتحه

۲ شرافت انسان به دانش و ادب است نه به اصل و نسب.

شرف : مبتدا و مرفوع به ضمه      المرء : مضاف الیه و مجرور به کسره

بالعلم : جار و مجرور به کسره      الأدب : معطوف و مجرور به کسره

بالأصل : جار و مجرور به کسره      النسب : معطوف و مجرور به کسره

اما اینکه حروف جرّ در جمله چه تأثیری دارند بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا بسیار پرکاربرد است. حرف جرّ به این علت «جرّ» یا «جازه» مجرور کننده» خوانده شده است که باعث مجرور شدن اسم بعد از خود می‌شود. پس اسمی که بعد از حرف جرّ واقع می‌شود، دارای محلّ اعرابی مجروری است.

پیش‌تر عرض کردیم اسامی معرب صحیح الآخر اگر مفرد باشند، با کسره و تنوین جرّ، مجرور می‌شوند مثل : «المسلم / مسلم». اگر مثنی یا جمع مذکر سالم باشند با «ی» مثل : «المسلمین / المسلمین». این مبحث را تحت عنوان اعراب فرعی در کتاب یازدهم به‌طور مبسوط خواهیم دید.



## اختبر نفسک : کلمه مناسب را در جای خالی قرار بده.

- ۱ عربی از زبان‌های رسمی در سازمان ملل متحد است.  
جای خالی (منظّمه) به دلیل وجود حرف جرّ «فی»
- ۲ محبوب‌ترین بندگان خداوند نزد خدا، سودمندترین آنها به بندگانش است.  
جای خالی (اللّه) به دلیل وجود حرف جرّ «إلی»
- ۳ من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم. جای خالی (هجِر) به دلیل وجود حرف جرّ «من»
- ۴ دانشمند بدون عمل همچون درخت بدون میوه است.  
جای خالی (الشجر) به دلیل وجود حرف جرّ «ک»
- ۵ سعید مزرعه را به دو نیم تقسیم کرد.  
جای خالی (نصفین) به دلیل وجود حرف جرّ «إلی» با «ی» مجرور شده چون مثنی است.
- ۶ یک پنجم ساکنین دنیا از مسلمانان هستند.  
جای خالی (المسلمین) به دلیل وجود حرف جرّ «من» و با «ی» مجرور شده زیرا جمع مذکر سالم است.

## نون وقایة

هرگاه ضمیر متصل نصبی جری متکلم وحده یعنی «ی» به یک فعل یا به حرف جرّ «عن» و «من» بچسبد، میان این دو، حرف «ن» واقع می‌شود که معروف به «نون وقایة» است مثل: «یحیّرنی» که فعل «یحیّر» به ضمیر «ی» چسبیده و حرف «ن» میان این دو قرار گرفته است. این «نون» هیچ تاثیری در ترجمه یا اعراب ندارد.

## اختبر نفسک : این جملات را ترجمه کن.

- ۱ پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده.  
اجعل + ن + ی
- ۲ خدایا به وسیله آنچه به من آموختی، به من سود رسان و آنچه که به من سود می‌رساند را به من بیاموز.  
انفع + ن + ی   علمت + ن + ی   علم + ن + ی   ینفع + ن + ی
- ۳ خداوند مرا امر کرد به مدارا کردن با مردم همان طور که مرا به برپاداشتن واجبات امر کرد.  
امر + ن + ی
- ۴ خدایا مرا بسیار شکرگزار قرار بده و صبور قرار ده و مرا در چشم خود کوچک و در چشم‌های مردم بزرگ قرار ده.  
اجعل + ن + ی

## گفتگو (همراه با مدیر خدمات داخلی هتل)

گردشگر: ببخشید! چه کسی مسئول تمیز کردن (نظافت) اتاق‌ها و محافظت از آنهاست؟  
 مسئول پذیرش: آقای دمشقی مدیر خدمات داخلی اتاق‌های هتل است. مشکل چیست؟  
 گردشگر: اتاق تمیز نیست و کمبودهایی دارد.  
 مسئول پذیرش: از شما عذر می‌خواهم لطفاً استراحت کن، با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت.  
 «مسئول پذیرش با مدیر داخلی تماس می‌گیرد و مدیر داخلی همراه با مهندس تعمیرات می‌آید.»  
 مدیر داخلی خدمات هتل: دوست من! مشکل چیست؟  
 گردشگر: اتاق من و اتاق همسفرهایم تمیز نیست و کمبودهایی دارد.  
 مدیر داخلی: کارگران نظافت خواهند آمد. مشکلات دیگر چیست؟  
 گردشگر: در اتاق اولی تختی شکسته وجود دارد، در اتاق دومی ملحفه کم است و در اتاق سومی کولر کار نمی‌کند.  
 مدیر داخلی: از شما عذر می‌خواهیم! به سرعت همه چیز را تعمیر می‌کنیم. به روی چشم!  
 گردشگر: چشم سلامت!

## تمارین

- تمرین اول: جمله درست و نادرست را بر اساس حقیقت و واقعیت مشخص کن.
- ۱ هنگامی که جریان برق در شب قطع می‌شود، هر مکانی در تاریکی فرو می‌رود. (درست)
  - ۲ طاووس از جمله پرندگان آبی است که بالای کوه‌های یخی زندگی می‌کند. (نادرست)
  - ۳ دانشنامه واقعاً فرهنگ‌نامه‌ای کوچک است که اندکی از علوم را جمع می‌کند. (نادرست)
  - ۴ بینی عضو نفس کشیدن و بویایی است. (درست)
  - ۵ خفاش پرنده‌ای از جمله پستانداران است. (درست)

تمرین دوم: کلمات مترادف و متضاد را مشخص کنید.

- بعث (برانگیخت) = أرسل  
 صغار (کودکان) ≠ كبار (بزرگان)  
 ساطی = ساحل  
 بکی (گریست) ≠ ضحک (خندید)  
 أقل (کمتر) ≠ أكثر (بیشتر)  
 ضوء (روشنایی) ≠ ظلام (تاریکی)  
 بُعد (دور شد) ≠ قُرب (نزدیک شد)  
 بغتةً (ناگهانی) = فجأة  
 دفع (پرداخت) ≠ استلم (دریافت کرد)  
 کتم (پنهان کرد) = ستر

تمرین سوم : آیات و دو حدیث را ترجمه کن سپس زیر جار و مجرور خطی بکش و علامت جر را بگو.

۱ به وسیله رحمتت مرا در میان بندگان درستکارت داخل کن.

جار و مجرورها : برحمة (مجرور به کسره) فی عباد (مجرور به کسره)

۲ آنها را در رحمتان داخل کردیم به درستی که آنان از درستکاران هستند.

جار و مجرورها : فی رحمة (مجرور به کسره) من الصالحین (مجرور به اعراب فرعی ی)

۳ ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

۴ ادب انسان بهتر از طلای اوست.

۵ یاد خدا بر تو واجب است پس همانا آن، نور قلب است.

جار و مجرورها : علیک (مجرور محلاً. نکته : در ظاهر جار و مجرور است اما در واقع اسم فعل امر است)

بذکر (مجرور به کسره)

تمرین چهارم : کلمات جدول متقاطع را ترجمه کن سپس رمزش را بنویس. (دو کلمه اضافی)

۱ کوچک‌ها : صغارا	۲ این طور : كذلك	۳ تیز : حادة	۴ پدیده : ظاهرة
۵ سوت زدند : صفروا	۶ روغن‌ها : زيوت	۷ نقش : دور	۸ شنوایی : سمع
۹ جالب : رائع	۱۰ نجات دهنده : منقذ	۱۱ نامیدیم : سمینا	۱۲ دستبند : سوار
۱۳ گرم و صمیمی : حمیم	۱۴ برف‌ها : ثلوج	۱۵ حافظه : ذاكرة	۱۶ پستاندار : لبونة
۱۷ پرندگان : طيور	۱۸ رسانید : أوصل	۱۹ باران بارید : أمطر	۲۰ بخشید : عفا
۲۱ می‌رسند : یبلغن	۲۲ ترانه خواندید : غنّیتم	۲۳ گریه کرد : بکی	

رمز : امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود : «روزگار دو روز است : یک روز برای تو و یک روز علیه تو»

تمرین پنجم : افعال زیر را ترجمه کن.

إسألونی : از من پرسید	یعرّفونی : مرا می‌شناسند	أعطانی : به من عطا کرد
ینصرنی : مرا یاری می‌کند	إرحمونی : به من رحم کنید	لا تحیرنی : مرا متحیر نکن
عرّفنی : مرا معرفی کن	أنزلنی : مرا پایین بیاور	

تمرین ششم : احادیث را ترجمه کن سپس محلّ اعرابی (نقش) کلمات رنگی را مشخص کن.  
(گنج سخن)

- ۱ یاد خداوند درمان قلب هاست. **اللّه** : مضاف الیه و مجرور به کسره / القلوب : مضاف‌الیه و مجرور به کسره
- ۲ آفت علم، فراموشی است. **آفة** : مبتدا و مرفوع به ضمه / النسیان : خبر مفرد و مرفوع به ضمه
- ۳ قطع کننده خویشاوندی به بهشت وارد نمی شود. **قاطع** : فاعل و مرفوع به ضمه
- ۴ هم نشین نیکوکار بهتر از تنهایی است. **الصالح** : صفت و مرفوع به ضمه / من الوحدة : جار و مجرور به کسره
- ۵ تنهایی بهتر از هم نشین بد است. **الوحدة** : مبتدا و مرفوع به ضمه / من جلیس : جار و مجرور به کسره
- ۶ زبان خطاکار، کوتاه است. **لسان** : مبتدا و مرفوع به ضمه / قصیر : خبر مفرد و مرفوع به ضمه

تمرین هفتم : آیه و احادیث را ترجمه کن سپس مبتدا و خبر و فاعل و مفعول را مشخص کن و اعرابش را بیان کن.

- ۱ کافر می گوید ای کاش من خاک بودم. **يقول** : فعل
- ۲ دانشمند بدون عمل، همچون درخت بدون میوه است. **الكافر** : فاعل و مرفوع به ضمه
- ۳ خوب سؤال کردن، نیمی از دانش است. **العالم** : مبتدا و مرفوع به ضمه
- ۴ دانشمندی با دانشمندان، عبادت است. **بلاعمل/بلاثمر** : جار و مجرور
- ۵ هنگامی که انسان بمیرد، عملش قطع می شود مگر از سه چیز : صدقه جاری یا علمی که از آن سود برد می شود یا فرزند صالحی که برای او دعا می کند. **كالشجر** : خبر شبه جمله و محلاً مرفوع / جار و مجرور به کسره
- ۶ **حسن** : مبتدا و مرفوع به ضمه
- ۷ **نصف** : خبر مفرد و مرفوع به ضمه
- ۸ **مجالسة** : مبتدا و مرفوع به ضمه
- ۹ **عبادة** : خبر مفرد و مرفوع به ضمه

الإنسان : فاعل و مرفوع به ضمه	مات : فعل
عمل : فاعل و مرفوع به ضمه	انقطع : فعل
من ثلاث : جار و مجرور به كسره	ه : مضاف اليه و محلاً مجرور
به : جار و مجرور محلاً	ينتفع : فعل و نائب فاعلش هو مستتر
له : جار و مجرور محلاً	يدعو : فعل و فاعلش هو مستتر

## بحث علمی

درباره داستان حقیقی کوتاه در مورد حیوان جستجو کن و آن را در روزنامه دیواری بنویس. سپس به فارسی ترجمه کن به کمک فرهنگ لغت عربی به فارسی.

## آرایه تلمیح در ادبیات فارسی

رسول خدا فرمودند: زیبایی آدمی به شیوایی گفتارش است.

**صنعت تلمیح در ادبیات فارسی:** زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست پس شعرای ایرانی از آن استفاده کرده‌اند و بعضی از آنها ابیاتی درآمیخته از زبان عربی و فارسی سروده‌اند و آنها را مَلَمَع نامیده‌اند. بسیاری از شعرای ایرانی مَلَمَع‌هایی دارند؛ از جمله آنها حافظ شیرازی، سعدی شیرازی، جلال‌الدین رومی معروف به مولوی است.

### مَلَمَع حافظ شیرازی مَلَمَع به لسان الغیب

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه      من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم  
دارم من از فراقش در دیده صد علامت      آیا این اشک‌های چشم برای ما نشانه نیست؟  
هر چند کازمودم از وی نبود سودم      هر کس آزموده را بیازماید پشیمانی بر او فرو می‌افتد  
پرسیدم از طبیعی احوالِ دوست گفتا      در دوری اش عذاب و در نزدیکی اش سلامتی است  
گفتم ملامت آید گر گردد دوست گرم      به خدا قسم محبتی را بدون ملامت ندیدم  
حافظ جو طالب آمد جامی به جان شیرین      تا از آن جامی از کرامت بچشد (تا از آن جام کرامت بچشد)

### مَلَمَع سعدی شیرازی

از انبارهای آب درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس      تو قدر آب چه دانی که در کنار فُرّاتی  
شیم به روی تو روزست و دیده ام به تو روشن      و اگر دور شوی شامگاه و صبحگاهم یکسان است  
اگر چه دیر بمانم امید بر نگرفتم      زمان سپری شد درحالی که قلبم می‌گوید تو بی گمان می‌آیی  
من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم      اگر گلی به حقیقت عَجین آب حیاتی  
شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد      درحالی که گاهی چشمه زندگی در تاریکی‌ها جستجو می‌شود  
چقدر زندگی ام تلخ می‌گذرد درحالی که تو حمل‌کننده غسل هستی      جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی  
نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را      اگر خاک قبرم را ببویی، شمیم عشق را می‌یابی

هر با نمکی را آن طور که تو دوست داری و خشنود می شوی توصیف کردم  
 ستایش های تو چه گویم که ماورای صفاتی  
 از تو می ترسم و امیدوارم و کمک می خواهم و نزدیک می شوم که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی  
 ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن دوستانم همان طور که دشمنانم می خواهند، از من جدا شدند  
 فراق نامه سعدی عجب که در تو نگیرد اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه ها شیون سر دهند

### صحیح و خطا را بر اساس متن مشخص کن.

- ۱ حافظ و سعدی ملتمعات زیبایی ندارند. (نادرست)
- ۲ حافظ، روزگار را در دوری عشقش همچون قیامت می بیند. (درست)
- ۳ حافظ در دوری عشقش آسایش می بیند و در نزدیکی اش رنج! (نادرست)
- ۴ سعدی به خاطر دوری از عشقش، شب و روز را یکسان می بیند. (درست)
- ۵ سعدی گفت: زمان می گذرد درحالی که قلبم می گوید تو قطعاً می آیی. (درست)

### بدانید (مشتقات)

در زبان عربی یک سری از اسامی معرب، از اسامی دیگر اشتقاق پیدا کرده اند و دسته ای دیگر، از هیچ اسم دیگری مشتق نشده اند. بر این اساس اسامی معرب به دو دسته مشتق و جامد تقسیم می شوند. اسامی که از هیچ اسم دیگری اشتقاق نیافته اند، جامد نام دارند و دسته دیگر، مشتق هستند. اسامی جامد بر دو قسم هستند؛ جامد مصدری و جامد غیر مصدری.

تمامی مصادر ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید که تا کنون آموختیم، جامد مصدری محسوب می شوند. در پایه یازدهم و دوازدهم نیز با مصادر رباعی، مصدر مرّة و نوع، مصدر میمی و مصدر صناعی مواجه خواهیم شد. اما هر اسم جامدی که از جمله مصادر نباشد، جامد غیر مصدری به حساب می آید مثل: رجل  
 اسامی مشتق (که در واقع از مصادر اشتقاق پیدا کرده اند) انواع مختلفی دارند:

- |             |             |              |              |
|-------------|-------------|--------------|--------------|
| ۱ اسم فاعل  | ۲ اسم مفعول | ۳ اسم مبالغه | ۴ صفت مشبّهة |
| ۵ اسم تفضیل | ۶ اسم مکان  | ۷ اسم زمان   | ۸ اسم آله    |

در این درس چهار مورد اول بررسی می شود و بقیه موارد در درس بعد.

## اسم فاعل

اسم فاعل در زبان عربی معادل صفت فاعلی در فارسی و نشان‌دهنده «انجام دهنده» یا «دارنده یک حالت» است. همان طور که عرض کردیم تمامی مشتقات از مصادر اشتقاق پیدا می‌کنند. اسم فاعل نیز از همین قاعده تبعیت می‌کند. نحوه ساخت اسم فاعل از این قرار است :

۱ اگر بخواهیم از ثلاثی مجرد، اسم فاعل بسازیم، حروف اصلی را بر وزن «فَاعِلٌ» می‌بریم مثل : صَبِرَ : صَابِرٌ (صابرِ صبر کننده)

۲ اگر از غیر ثلاثی مجرد بخواهیم بسازیم (اعمّ از ثلاثی مزید، رباعی مجرد و رباعی مزید) فعل مضارع را در نظر می‌گیریم، حروف مضارعه را حذف کرده، بجای آن، «مُ» می‌گذاریم؛ سپس به عین الفعل کسره می‌دهیم؛ مثل : يَوْمُنُ : مُؤْمِنٌ / يَسْتَقْبِلُ : مُسْتَقْبِلٌ / يَنْقَلِبُ : مُنْقَلِبٌ

## اسم مفعول

اسم مفعول در زبان عربی معادل صفت مفعولی در فارسی و نشان‌دهنده چیزی است که کاری بر آن واقع شده است. نحوه ساخت اسم مفعول بدین ترتیب است :

۱ اسم مفعول از ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود؛ مثل : شَكَرَ : مَشْكُورٌ  
 ۲ در ساخت اسم مفعول از غیر ثلاثی مجرد نیز باید آن را از فعل مضارع بسازیم. لازم است حرف مضارعه را حذف کرده، بجای آن «مُ» می‌گذاریم؛ سپس به عین الفعل، فتحه می‌دهیم؛ مثل : يُسَاهِدُ : مُسَاهِدٌ / يُعْتَمِدُ : مُعْتَمِدٌ / يُقَلِّدُ : مُقَلِّدٌ

## نکات اسم فاعل و اسم مفعول

۱ اسم فاعل و اسم مفعول قابل صرف در شش صیغه هستند :

مُعَلِّمٌ : مفرد مذکر	مُعَلِّمَانِ / مُعَلِّمَيْنِ : مثنی مذکر	مُعَلِّمُونَ / مُعَلِّمِينَ : جمع مذکر سالم
مُعَلِّمَةٌ : مفرد مؤنث	مُعَلِّمَاتٍ / مُعَلِّمَاتِينَ : مثنی مؤنث	مُعَلِّمَاتٌ : جمع مؤنث سالم

۲ اسم مفعول از افعالی که لازم هستند، ساخته نمی‌شود. از این روست که در جدول صفحه ۱۰۹ کتاب درسی ذیل اسم مفعول برای افعال یتهاجم و ینکسر خالی است.

اختیار نفسک : کلمات زیر و دعا را ترجمه کن سپس اسم فاعل و اسم مفعول را مشخص نما.  
 معلّمٌ : یاد گیرنده/ یاد داده شده (اسم مفعول از ثلاثی مزید)      عالمٌ : دانا (اسم فاعل از ثلاثی مجرد)  
 مُفْتَكِرٌ : اندیشمند (اسم فاعل از ثلاثی مزید)      مُجَهِّزٌ : آماده‌شده (اسم مفعول از ثلاثی مزید)



**مَضْرُوب** : زده شده (اسم مفعول از ثلاثی مجرد) **مَتَعَلَّم** : یادگیرنده (اسم فاعل از ثلاثی مزید)  
ای سازنده هر ساخته شده‌ای! ای خلق کننده هر خلق شده‌ای! ای روزی دهنده هر روزی گیرنده‌ای! ای  
مالک هر تحت ملکی!

اسم فاعل‌ها از ثلاثی مجرد : صانع، خالق، رازق، مالک  
اسم مفعول‌ها از ثلاثی مجرد : مصنوع، مخلوق، مرزوق، مملوک

### اسم مبالغه

هرگاه بخواهیم از بسیار بودن و زیادی ویژگی در شخص یا شیئی سخن بگوییم، باید از صیغه مبالغه استفاده  
نماییم. اوزان صیغه مبالغه همگی از ثلاثی مجرد ساخته شده و سماعی هستند. پرکاربردترین آنها عبارت‌اند  
از : **فَعَالٌ** (غَفَّارٌ)، **فَعَالَةٌ** (عَلَامَةٌ)، **فَعُولٌ** (صَبُورٌ)، **فَعِيلٌ** (صِدِّيقٌ)، **فُعُولٌ** (قُدُّوسٌ)، **مِفْعِيلٌ** (مَسْكِينٌ)، **فَعِيلٌ** (عَلِيمٌ) و ...  
سه وزن اولی در کتاب درسی آموزش داده شده است. این نکته مهم است که در ترجمه اوزان مبالغه از  
کلمه «بسیار» استفاده می‌نماییم.

نکته دیگری نیز در کتاب بیان شده است که اوزان «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» گاهی بر شغل و گاهی بر ابزار دلالت  
می‌کنند. در این دو حال، اسم مبالغه نداریم و چنانچه بر ابزار دلالت کند، اسم آلت به حساب می‌آید مثل :  
«سَيَّارَةٌ : خودرو»

### صفت مشبّهة

صفات ساده در زبان فارسی که دلالت بر ثبوت و استمرار دارند، در زبان عربی صفت مشبّهة به شمار  
می‌آیند. اکثر اوزان صفت مشبّهة در ثلاثی مجرد سماعی هستند و لازم است به معنای صفتی و ثبوتی آنها  
توجه داشته باشیم. دانش‌آموزان از ثبوتی بودن صفت مشبّهة آگاه نیستند اما حتماً این نکته را تأکید کنید که  
صفت مشبّهة باید معنای صفتی داشته باشد. اوزان پر کاربرد صفت مشبّهة از ثلاثی مجرد از این قرار است :  
**فَعِيلٌ** (كَبِيرٌ)، **فَعْلَانٌ** (غَضْبَانٌ)، **فَعْلٌ** (صَعْبٌ)، **فَعِلٌ** (حَسِينٌ)، **فَعْلٌ** (حَسَنٌ)، وزن **أَفْعَلٌ** و **فَعْلَاءٌ** در صورتی  
که بر رنگ، عیب یا زینت دلالت داشته باشد (أَحْمَرٌ / حَمْرَاءٌ / أَعْوَجٌ، عَوْجَاءٌ / أَزْهَرٌ، زَهْرَاءٌ) در کتاب فقط  
رنگ بر این وزن، به عنوان صفت مشبّهة مطرح شده است.

یادآور می‌شوم که اگر کلمه‌ای بر اوزان فوق باشد ولی معنای صفتی نداشته باشد، صفت مشبّهة نخواهد  
بود مثل : «نَخِيلٌ : درخت خرما»

صفت مشبّهة در غیر ثلاثی مجرد بر وزن اسم فاعل ساخته می‌شود که به علت احتمال خلط آن با اسم  
فاعل، ضرورتی برای ذکرش نیست.

اختر نفسک : صفات مشبیه را مشخص کن، وزن آنها را بنویس و آنها را به فارسی ترجمه کن.

ترجمه	وزن	صفت مشبیه
سنگین	فَعْل	ثَقِيل
زرد	أَفْعَل	أَصْفَر
دشوار	فَعْل	صَعْب
تر و تازه	فَعْل	نَضِر
نزدیک	فَعْل	قَرِيب
سبز	فَعْلَاء	خَضْرَاء

این کلمات صفت مشبیه نیستند: ثَلَج (برف)، تَمَر (خرما)، جَزَر (هویج)، عَقْرَب، عِنَب (انگور)، بُسْتَان، نَعْلَب (روپاه)، حَرِيق (آتش)، عَبْر (از طریق)، قَمِيص (پیراهن)، سَمْع (شنوایی)، زَمَان، أَسْنَان (دندان‌ها)، نَسِيَان (فراموشی)، مَهْرَجَان (جشنواره)، سَمَك (ماهی)، صِغَر (کوچکی؛ مصدر است)، حَرْبَاء (آفتاب‌پرست)، ذَنَب (دم)، وَزِير، خَوْف (ترس)، حَرِيف (پاییز)

### گفتگو (خریدن سیم کارت تلفن همراه)

زائر: لطفاً یک سیم کارت به من بده!

کارمند مخابرات: بفرما! آیا کارت شارژ می‌خواهی؟

زائر: بله، لطفاً کارتی به مبلغ بیست و پنج ریال به من بده!

کارمند مخابرات: می‌توانی (شارژ) موبایلت را از طریق اینترنت شارژ کنی.

زائر شارژ موبایل و کارت شارژ می‌خرد و شارژ را در موبایلش قرار می‌دهد و می‌خواهد تماس بگیرد

ولی کارت شارژ کار نمی‌کند پس نزد کارمند مخابرات می‌رود و به او می‌گوید:

زائر: بیخشید مشکلی در کارت شارژ است.

کارمند مخابرات: کارت را لطفاً به من بده! مرا ببخش! حق با توست! کارت را برایت عوض می‌کنم.

تمرین اول: جمله درست و نادرست را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن.

- ۱ لیوان شیشه‌ای است که آب یا چای یا قهوه در آن نوشیده می‌شود. (درست)
- ۲ خریدن سیم کارت از اداره مخابرات ممکن است. (درست)
- ۳ مردود همان کسی است که در امتحان‌ها موفق نشد. (درست)
- ۴ شاخه‌های درختان در زمستان نو و سرسبز هستند. (نادرست)
- ۵ نان از خمیر ساخته می‌شود. (درست)

تمرین دوم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب از کلمات زیر قرار بده (دو کلمه اضافه است):

- ۱ صبحگاه شروع روز و شامگاه شروع شب (اللیل) است.
  - ۲ برادرم قانع است؛ به قسمت اندکش راضی می‌شود (یرضی).
  - ۳ ساحل را در کنار راه از دور (بُعد) دیدیم.
  - ۴ لطفاً این پیراهن را عوض کن (بَدَل) زیرا کوتاه است.
  - ۵ نگهبان، کیف‌های مسافران را بررسی کرد (فَتَّش).
  - ۶ در بیابان‌ها (الفلوات) گیاهان زیاد زندگی نمی‌کنند.
- کلمات «وَدَّ: دوستی» و «مصانع: آب انبارهای بیابان» اضافی هستند.

تمرین سوم: ترکیب‌های زیر را ترجمه کن سپس اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه را مشخص کن.

- ای شنونده دعا: سامع (اسم فاعل)  
 ای بالا برنده درجات: رافع (اسم فاعل)  
 ای پوشاننده هر دارای عیبی: ساتر (اسم فاعل) / معیوب (اسم مفعول)  
 ای آمرزنده خطاها: غافر (اسم فاعل)  
 ای بهترین ستایشگر و مورد ستایش: خَیر (صفت مشبیه) / حامد (اسم فاعل) / محمود (اسم مفعول)  
 ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد: المحسنین (اسم فاعل از ثلاثی مزید)  
 ای کسی که درش برای درخواست کنندگان گشوده شده است: مفتوح (اسم مفعول) / الطالبین (اسم فاعل)

تمرین چهارم : در دایره عدد مناسب قرار بده. (یک کلمه زائد است)

- ۱ الزکب (کاروان شتر) اضافی است.
- ۲ الكرامة، شرف و عظمه و عزة النفس. (کرامت، شرافت، بزرگی و عزت نفس است.)
- ۳ الموکنة بیئ الطيور. (لانه، خانه پرندگان است.)
- ۴ الهجر ترک الصدیق صدیقه أو المَحِبُّ حبیبه. (دوری، ترک کردن دوست، دوستش یا دوستدار محبوبش راست.)
- ۵ السَّوَارِیْنَةُ مِنَ الذَّهَبِ أو الفضة فی ید المرأة. (دستبند، زینتی از طلا یا نقره در دست زن است.)
- ۶ الملیح من یعجبک شکله. (با نمک کسی است که ظاهرش تو را به شگفتی وادار می کند.)

تمرین پنجم : احادیث نبوی را ترجمه کن سپس زیر اسم فاعل و صفت مشبیه خط بکش.  
(اگر دیدی)

- ۱ هر کس بگوید من دانا هستم پس او نادان است. عالم و جاهل اسم فاعل از ثلاثی مجرد
  - ۲ بزرگ قوم، خدمتگزار آنها در سفر است. خادم اسم فاعل از ثلاثی مجرد
  - ۳ هم نشین شایسته بهتر از تنهایی و تنهایی بهتر از هم نشین بد است.
  - ۴ پنهان کننده دانش را هر چیزی حتی نهنگ در دریا و پرنده در آسمان، لعنت می کند.
- کاتم : اسم فاعل
- ۵ دانش، گنجینه ها و کلیدهایش، سؤال است پس بپرسید تا خدا بر شما رحم کند! پس همانا به چهار شخص پاداش داده می شود : سؤال کننده، گوینده، شنونده و دوستدار آنها.
- السائل، المتکلم، المستمع، المحب : همگی اسم فاعل
- لازم می دانم ذیل این تمرین، نکته ای را عرض نمایم. کلمه های «خیر» و «شر» به سه معنا کاربرد دارند :
- ۱ خوب بودن و بد بودن : در این صورت مصدر و جامد است.
  - ۲ خوبی و بدی : این معنا صفت مشبیه است.
  - ۳ بهتر و بدتر : این معنا اسم تفضیل است که در درس بعدی خواهیم خواند.

تمرین ششم : آیات و احادیث را ترجمه کن سپس کلمات قرمز را ترکیب کن.

- ۱ و پروردگارت به کسی ظلم نمی کند.

أحداً : مفعول به و منصوب به فتحه

رب : فاعل و مرفوع به ضمه

- ۲ کسی که در آسمان‌ها و زمین است غیب را نمی‌داند مگر خداوند.  
 من : فاعل و مرفوع محلاً  
 الغیب : مفعول به و منصوب به فتحه
- ۳ سکوت طلاست و کلام، نقره.  
 ذهب : خبر مفرد و مرفوع به ضمه  
 الکلام : مبتدا و مرفوع به ضمه
- ۴ کتاب‌ها بوستان‌های دانشمندان هستند.  
 بساتین : خبر مفرد و مرفوع به ضمه  
 میوه عقل، مدارا با مردم است.
- ۵ العقل : مضاف الیه و مجرور به کسره  
 زکات علم، نشر دادن آن است.  
 الناس : مضاف الیه و مجرور به کسره  
 زکاة : مبتدا و مرفوع به ضمه  
 نشر : خبر مفرد و مرفوع به ضمه

## و از آب، هر چیز زنده‌ای را قرار دادیم.

با اینکه آب، هفتاد درصد از سطح کره زمین را می‌پوشاند ولی بیشتر کشورهای عالم از بحران آب رنج می‌برند؛ از جمله آنها، ایران است پس آن، در منطقه‌ای گرم و خشک از کره زمین قرار دارد. پس بیش از هشتاد درصد از مساحتش خشک است و اسبابی وجود دارد که منجر به ایجاد این بحران در عالم می‌شود؛ از جمله آنها استفاده نادرست از آب‌ها در زمینه زراعت و صنعت و خانه‌هاست و از جمله زیاد شدن جمعیت در جهان. امروزه کشور ما با بحرانی شدید در کمبود آب مواجه است در حالی که روز به روز افزایش می‌یابد. پس بیشتر باغ‌ها و مزارع متروکه شدند و بیشتر چشمه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌ها خشک شده‌اند پس این خشکی باعث طوفان‌های ریزگرد شده‌اند و متأسفانه ایران از کشورهایی است که از این بحران رنج می‌برد. پس بر حکومت واجب است اقدامات لازم برای درمان این مشکل را اتخاذ کند و گرنه کشورمان با مهاجرت ساکنین صدها روستا و ده‌ها شهر مواجه خواهد شد و کشورمان با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد. آلودگی هوا در شهرهای بزرگ و زیاد شدن درجه گرمای هوا باعث کم شدن بارش باران‌ها و برف‌ها شده‌اند و منجر به آسیب زدن به محیط زیست شده است. بعضی معتقدند که این خشکی عامل اصلی در بعضی آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های کشورها هستند.

سدها با پایین آمدن زیاد آب روبه‌رو هستند و این، سبب پایین آمدن تولید برق در کشورها شده است. قطعاً ناآگاهی مردم از مشکلات خشکی و نادانی‌شان نسبت به شیوه‌های صحیح استفاده از آب، سبب بالا رفتن مصرف آب‌ها شده است. پس بر ما واجب است که از آب با روش صحیح استفاده نماییم و از روش‌های جدید در زمینه کشاورزی کمک بگیریم زیرا هشتاد درصد از آب‌های کشورها در کشاورزی به کار گرفته می‌شود.

از جمله روش‌هایی که ما را در حل مشکل خشکی یاری می‌رساند :

شستن ماشین‌ها با یک سطل کوچک و پارچه کهنه و عدم هدر دادن آب هنگام حمام کردن و شستن لباس‌ها و ظرف‌ها و فرش‌ها. و همچنین هنگام وضو و شستن دندان‌ها و صورت و دو دست. پس اگر هریک از ما یک لیوان آب در یک روز صرفه جویی کنیم، تقریباً بیست میلیون لیتر آب ذخیره خواهیم کرد.

«او کسی است که از آسمان، آبی را برای شما نازل کرد که بخشی از آن، نوشیدنی است و بخشی از آن،

درخت»

## صحیح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کنید :

- ۱ بالا رفتن آب‌ها پشت سدها باعث پایین آمدن تولید برق در کشورهاست. (نادرست)
- ۲ بعضی معتقدند که خشکی، عامل اصلی در بعضی آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌هاست. (درست)
- ۳ خشکی کمتر از پانزده درصد از مساحت ایران را می‌پوشاند. (نادرست)
- ۴ امروزه ایران با بحران آب مواجه است درحالی که روز به روز زیاد می‌شود. (درست)
- ۵ آب، سی و پنج درصد از سطح زمین را می‌پوشاند. (درست)

## بدانید (مشتقات)

در درس گذشته با مفهوم جامد و مشتق آشنا شدیم و چهار مورد از آنها (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه و صفت مشبیه) را معرفی نمودیم. اکنون با چهار مورد دیگر یعنی اسم تفضیل، اسم مکان، اسم زمان و اسم آلت آشنا می‌شویم.

### اسم تفضیل

اسم تفضیل برای بیان برتری در یک صفت نیک یا بد کاربرد دارد. در زبان فارسی برای چنین هدفی از پسوندهای «تر» و «ترین» استفاده می‌کنیم. در زبان عربی اسم تفضیل را در ثلاثی مجرد بر وزن «أفعل» و مؤنث آن بر وزن «فُعَلی» می‌سازند نظیر «أكبر / کُبری» به معنای «بزرگ‌تر و بزرگ‌ترین» اما در غیر ثلاثی مجرد، مصدر فعل را بعد از کلماتی نظیر «أكبر»، «أكثر»، «أشدّ»، «أعظم» و ... می‌آورند و البته لازم است آن مصدر، به عنوان تمییز و منصوب بیاید مثلاً اگر بخواهیم «مؤمن‌تر» بودن را نشان دهیم، مصدر «ایمان» را - که مربوط به باب افعال است - همراه با کلمات فوق می‌آوریم: هو أشدُّ منی ایماناً.

ذکر ساختار ثلاثی مجرد برای دانش‌آموزان کفایت می‌کند اما یادآوری کنید که صفت مشبیه نیز در صورتی که دلالت بر رنگ، عیب یا زینت داشته باشد، بر وزن «أفعل و فعلاء» می‌آید. کلمات «خیر و شر» نیز در معنای «بهتر و بهترین» و «بدتر و بدترین» اسم تفضیل هستند هرچند وزن آن را ندارند.

اسم تفضیل به سه حالت کاربرد دارد: ۱ بدون «ال» و غیرمضاف ۲ مضاف ۳ با «ال»  
 ۱ اگر بدون «ال» و غیرمضاف باشد، فقط به صورت مفرد مذکر و همراه با «من» جازة کاربرد دارد مثل: «فاطمة أكبر من مریم» در این صورت به شکل صفت برتر ترجمه می‌شود: «فاطمه بزرگ‌تر از مریم است». در بقیه موارد «صفت برترین» ترجمه می‌شود. دقت کنید با وجود اینکه در مورد «فاطمه» سخن گفته است ولی به صورت مفرد مذکر به کار رفته است.

۲ اگر مضاف واقع شود، در صورتی که مضاف الیه اش نکره باشد باز هم فقط مفرد مذکر به کار می‌رود و البته بدون «مِن» جارة مثل: «فاطمة (س) أَفْضَلُ نِساءٍ فِي الْعَالَمِ: فاطمه برترین زنان در عالم است.» اما اگر مضاف الیه معرفه داشته باشد جایز است که مفرد مذکر بیاوریم یا در جنس و عدد تطابق دهیم مثل: «فاطمة أَفْضَلُ / فُضِّلَى النِّساءِ: فاطمه برترین زنان است.»

۳ اگر اسم تفضیل «ال» داشته باشد معمولاً در نقش صفت است؛ از این رو واجب است در جنس و عدد تابع اسم قبل از خود باشد مثل: «فاطمة الكبرى» کافی است به دانش‌آموزان بگویید اسم تفضیل در صورتی که در مقام مقایسه میان دو چیز باشد، همواره به صورت مفرد مذکر به کار می‌رود حتی اگر مقایسه میان دو مؤنث باشد؛ چراکه معمولاً در این حالت، به صورت اول می‌آید. ذکر این نکته نیز لازم است که جمع «أفعل» بر وزن «أفعل» ساخته می‌شود.

**اختبر نفسک: احادیث زیر را ترجمه کنید سپس زیر اسم تفضیل خطی قرار دهید.**

- ۱ داناترین مردم، کسی است که علم مردم را با علم خویش جمع کند. (اسم تفضیل: أعلم)
- ۲ محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان برای بندگان اوست. (اسم تفضیل: أَحَبُّ، أَنْفَع) ذیل این تمرین به این نکته اشاره نمایید که در کلماتی که ریشه آنها مضاعف است، هنگام ساخت اسم تفضیل ادغام اتفاق می‌افتد مثل: (ح ب ب: أَحَبُّ) / (ق ل ل: أَقَلُّ) / (ش د د: أَشَدُّ: أَشَدُّ)
- ۳ حیا نیکوست اما در زنان نیکوتر است. (اسم تفضیل: أَحْسَن) در این عبارت می‌توان به کلمه «حسن» به عنوان صفت مشابه اشاره نمود.
- ۴ شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفسش چیره شود. (اسم تفضیل: أَشَجَع)
- ۵ هیچ مصیبتی شدیدتر از نادانی نیست. (اسم تفضیل: أَشَدُّ)

## اسم زمان و اسم مکان

اسم زمان و مکان دلالت بر زمان یا مکان وقوع فعل می‌کنند و دارای اوزان مشترکی هستند. اسم زمان و مکان در ثلاثی مجرد بر وزن «مَفْعَلٌ، مَفْعِلٌ و مَفْعَلَةٌ» ساخته می‌شود و برای تشخیص اینکه اسم زمان است یا مکان، باید به معنای آن توجه نمود مثل مَطْعَم (اسم مکان) و مَغْرِب (اسم زمان)

ذکر نحوه ساخت این دو از غیر ثلاثی مجرد لازم نیست زیرا امکان خلط با اسم مفعول دارد. این اسامی ممکن است در یک شکل واحد بیابند اما در یک جمله معنای زمانی و در جمله‌ای دیگر معنای مکانی داشته باشند پس حتماً باید به معنای جمله توجه کنیم مثل کلمه «مغرب» که هم می‌تواند به معنای «زمان غروب» باشد هم «مکان غروب».



اکنون جملات کتاب را بررسی می‌نماییم :

- «حتی مطلع الفجر : تا هنگام طلوع فجر» = مطلع = اسم زمان  
 «موعد صلاة المغرب قریب : وعده‌گاه نماز مغرب نزدیک است» = موعد و مغرب = اسم زمان  
 «وصلنا عند المشرق : هنگام مشرق رسیدیم» = المشرق = اسم زمان

اختبر نفسک : اسم مکان و زمان را در دو کلمه رنگی مشخص کنید.

- ۱ گردشگران به کشورهای محل طلوع خورشید نگریستند. (مطلع = اسم مکان)  
 در این عبارت کلمه «الساخون» بر وزن «الفاعلون» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.  
 ۲ جشن در تمام شب تا طلوع فجر طول کشید. (مطلع = اسم زمان)

## اسم آلت

اسم آلت بر ابزار و وسایل انجام کار دلالت می‌کند معمولاً اسم آلت بر سه وزن «مِفْعَلٌ، مَفْعَلَةٌ و مِفعال» است مثل «مِدْفَعٌ (توپ جنگی)، مِکَنَسَةٌ (جارو) و مِقْرَضٌ (قیچی) البته گاهی بر وزن‌های دیگر هم می‌آید. برای اینکه کلمه‌ای اسم آلت محسوب شود، شرط نیست که فقط بر همان سه وزن باشد بلکه در هر وزنی بیاید ولی بر ابزار انجام کار دلالت کند، مشتق و اسم آلت به حساب می‌آید. به طور مثال اوزان «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» گاهی بر ابزار دلالت می‌کنند؛ مثل «عَسَالَةٌ : ماشین لباسشویی» در این صورت دیگر اسم مبالغه نیستند بلکه اسم آلت به شمار می‌روند.

اختبر نفسک : کلمات زیر را ترجمه کن و نوعشان را بنویس .

- |  |                                 |
|--|---------------------------------|
| ۱ مَدْحَلٌ : محل ورود (اسم مکان)/ زمان ورود (اسم زمان) | ۲ مِصْعَدٌ : بالا بر (اسم آلت)  |
| ۳ مِئْصَدَةٌ : میز (اسم آلت)                           | ۴ مِفْتَاحٌ : کلید (اسم آلت)    |
| ۵ نَظَّارَةٌ : عینک (اسم آلت)                          | ۶ أَجْمَلٌ : زیباتر (اسم تفضیل) |
| ۷ صَدُوقٌ : بسیار راستگو (اسم مبالغه)                  | ۸ عَظْمَى : بزرگ‌تر (اسم تفضیل) |
| ۹ حَمْرَاءٌ : قرمز (صفت مشبیه)                         | ۱۰ مَجْتَهِدٌ : کوشا (اسم فاعل) |
| ۱۱ مَسْمُوحٌ : مجاز (اسم مفعول)                        | ۱۲ نَاجِحٌ : موفق (اسم فاعل)    |

در پایان مبحث جامد و مشتق ذکر دو نکته کلیدی بسیار مهم است؛ اول اینکه در اسامی جمع مکسر برای تشخیص جامد و مشتق بودن آنها، لازم است به صورت مفرد کلمه برگردیم و آن را بررسی نماییم مثلاً کلمه «علماء» در ظاهر، وزن هیچ یک از مشتقات را ندارد ولی مفردش «عالم» و اسم فاعل است پس «علماء» نیز

اسم فاعل است. نکته دوم اینکه وزن‌های مذکور در تشخیص هریک از انواع مشتقات بسیار مهم است و تنها در اسم آلت چنین شرطی وجود ندارد اما یادتان باشد که دانش‌آموزان بعضی از اوزان مشتقات را هنوز نخوانده‌اند.

اکنون شایسته است از دانش‌آموزان بخواهید مشتقات متن دروس قبلی را شناسایی نمایند تا نسبت به مطلب تسلط یابند. نمونه‌هایی از مشتقات متن درس دهم از این قرار است:

أكثر (اسم تفضیل) / حارّة (اسم فاعل) در اصل «حارّة» بوده که چون مضاعف است، ادغام در آن اتفاق افتاده است. / جافّة (اسم فاعل) این نظیر حارّة است / الصحيحة (صفت مشبّهه) / شديدة (صفت مشبّهه) / المزارع (اسم مکان) مفردش مزرعة است / متروكة (اسم مفعول) / كثير (صفت مشبّهه) / المُستَنقَعات (اسم مفعول) / عواصف (اسم فاعل) مفردش عاصفة / اللازمة (اسم فاعل) / المشكلة (اسم فاعل) / سُكَّان (اسم فاعل) مفردش ساكن / المُساكِل (اسم فاعل) مفردش المُشكِلة / الكبيرة (صفت مشبّهه) / عامل (اسم فاعل) / رئيسي (صفت مشبّهه) و...

### گفتگو (همراه پزشک)

پزشک داخلی: تو را چه شده؟ (چته؟)

بیمار: احساس درد در سینه‌ام می‌کنم و سردرد دارم.

پزشک داخلی: آیا فشار خون یا بیماری قند داری؟

بیمار: نه فشار خون دارم نه بیماری قند.

پزشک بعد از معاینه می‌گوید: دچار سرماخوردگی شدید شدی و تب شدیدی داری. نسخه‌ای

برایت می‌نویسم.

بیمار: جناب پزشک چه چیزی برایم می‌نویسی؟

پزشک داخلی: شربت و قرص‌های آرام‌بخش برایت می‌نویسم.

بیمار: داروها را از کجا دریافت کنم؟

پزشک داخلی: داروها را از انتهای راهروی درمانگاه دریافت کن.

بیمار: خیلی ممنون

پزشک داخلی: حالت خوب می‌شود

بیمار: ان شاء الله

پزشک داخلی: به سلامت

بیمار: در پناه خدا

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات و اژه‌نامه، مناسب توضیحات زیر است؟

- ۱ دیواری بلند و قوی که برای ذخیره کردن آب در رود، ساخته می‌شود. (السد)
- ۲ راه‌هایی خاص برای اقدام کردن به کارها برای رسیدن به هدف (الأسالیب)
- ۳ مکانی که آب برای مدتی طولانی در آن جمع می‌شود. (المستنقع)
- ۴ بادی شدید و ویرانگر (عواصف ترابیه)
- ۵ پایین آمدن از ارتفاع (انخفاض)
- ۶ بارچه‌های کهنه (خرقة)

تمرین دوم: در جای خالی کلمه ای مناسب از میان کلمات زیر قرار بده. (دو کلمه اضافی)

الإجراءات (اقدامات) / الزکام (سرماخوردگی) / مع الأسف (متأسفانه) / يعالج (معالجه می‌کند) / الحفاظ (نگهداری) / خرقة (بارچه کهنه) / نفوس (نفس‌ها) / غطیت (پوشاندم)

- ۱ ماشین‌مان را با سطلی کوچک از آب و بارچه کهنه (خرقة) می‌شویم برای صرفه‌جویی در هدر رفت آب.
- ۲ پژوهش‌های علمی جدید تأکید می‌کنند که میوه پرتقال بیماری‌های بسیاری را درمان می‌کند (يعالج).
- ۳ از واجب‌ترین واجبات در دوران کنونی ما ضرورت نگهداری (الحفاظ) از محیط زیست است.
- ۴ اقدامات (الإجراءات) لازم برای حل مشکل توفان‌های ریزگرد چیست؟
- ۵ من دچار سرماخوردگی (الزکام) هستم و تب شدیدی دارم.
- ۶ برادر خوابیده‌ام را در اتاق خواب پوشاندم (غطیتُ)

تمرین سوم: در دایره عدد مناسب قرار بده. (یک کلمه اضافی)

- ۱ المطبخ (آشپزخانه): مکانی که در آن غذا می‌پزند.
- ۲ البَحیرة (دریاچه): مکان وسیعی در زمین که آب‌ها در آن جمع می‌شوند.
- ۳ النظارة (عینک): ابزاری برای درست کردن دید و محافظت از چشم‌ها.
- ۴ المخزن (انبار): مکانی که اشیا در آن جمع می‌شوند و حفظ می‌شوند.
- ۵ المطرقة (چکش): ابزاری سنگین که از آن آهنگر و نجار استفاده می‌کنند.
- ۶ الغسالة (ماشین لباسشویی): اضافی است.
- ۷ المنضدة (میز): چیزی از چوب یا مثل آن که اشیا بر روی آن قرار داده می‌شوند.

تمرین چهارم : کلمه ای که در معنا متناسب با کلمات دیگر نیست، مشخص کنید با بیان دلیل :

۱ سگ	گره	گاو	اسب	لیوان
۲ هدر رفتن	عینک	ماشین لباسشویی	توپ جنگی	کلید
۳ جارو	چکش	خشکی	باطری	آسان بر
۴ نان	خشک	شیر	برنج	میوه
۵ نفس ها	اتاق	آشپزخانه	حیاط	کتابخانه
۶ اقبانوس	دریا	دریاچه	آبگیر	پشیمانی

تمرین پنجم : جواب درست را مشخص کنید.

۱ ماضی «یتَحَسَّنُ» : تَحَسَّنَ	أَحْسَنَ ماضی يُحْسِنُ / حَسَّنَ ماضی يَحْسُنُ
۲ مضارع «اِقْتَصَدَ» : يَقْتَصِدُ	يَقْصِدُ مضارع قَصَدَ / اِقْتَصِدْ امر تَقْتَصِدْ
۳ مصدر «انْحَفَضَ» : انْحِفَاضٌ	انْحِفَاضٌ مصدر انْحَفَضَ / انْحِفَاضٌ مصدر حَفَضَ
۴ اسم فاعل «يُعَلِّمُ» : مُعَلِّمٌ	عالم اسم فاعل ثلاثی مجرد (عَلِمَ) / عَلَّامَةٌ اسم مبالغه
۵ اسم مفعول «يَعْتَمِدُ» : مُعْتَمِدٌ	عمود اسم مبالغه / مُعْتَمِدٌ اسم فاعل
۶ اسم مکان «يَكْتَبُ» : مَكْتَبَةٌ	کاتب اسم فاعل ثلاثی مجرد / مَكْتُوبٌ اسم مفعول ثلاثی مجرد

تمرین ششم : کلمات قرمز را اعراب کن.

۱ الحمد : مبتدا و مرفوع به ضمه	لله : خبر شبه جمله محلاً مرفوع و جار و مجرور به کسره
الذی : صفت و مجرور محلاً	خلق : فعل و فاعلش هو مستتر
السموات : مفعول و منصوب به کسره	الارض : معطوف و منصوب به فتحه
۲ المؤمن : مبتدا و مرفوع به ضمه	قلیل : خبر مفرد اول و مرفوع به ضمه
الكلام : مضاف الیه و مجرور	كثیر : خبر مفرد دوم و مرفوع به ضمه
العمل : مضاف الیه و مجرور به کسره	
۳ أفضل : مبتدا و مرفوع به ضمه	الناس : مضاف الیه و مجرور به کسره
انفع : خبر مفرد و مرفوع به ضمه	هم : مضاف الیه و مجرور محلاً
لنناس : جار و مجرور به کسره	
۴ حسن : مبتدا و مرفوع به ضمه	الخلق : مضاف الیه و مجرور به کسره
نصف : خبر مفرد و مرفوع به ضمه	الدين : مضاف الیه و مجرور به کسره

- ۵ ثمره : مبتدا و مرفوع به ضمه العلم : مضاف الیه و مجرور به کسره  
 اخلاص : خبر مفرد و مرفوع به ضمه العمل : مضاف الیه و مجرور به کسره  
 ۶ زینة : مبتدا و مرفوع به ضمه الباطن : مضاف الیه و مجرور به کسره  
 خیر : خبر مفرد و مرفوع به ضمه من زینة : جار و مجرور به کسره  
 الظاهرة : مضاف الیه و مجرور به کسره

### بحث علمی

آیه یا حدیث یا متنی به زبان عربی بنویس در مورد مسئولیت همه هم‌وطنان نسبت به سرمایه‌های وطن و امکانات عمومی و آثار تاریخی و با کمک واژه‌نامه، ترجمه‌اش را بنویس.  
 (متن زیر عکس) جانب شرقی از باغ ائل‌گلی در شهر تبریز  
 از زمین محافظت کنید به درستی که آن، مادر شماست. (رسول خدا صلی الله علیه و آله)

## به سه کس رحم کنید!

مسلمانان در غزوه<sup>۱</sup> طيء، سفانه دختر حاتم طائي را که در کرم به او مثال زده می‌شود، اسیر کردند و وقتی همراه با اسیران نزد رسول خدا آمد، به او گفت: «ای محمد (ص) همانا پدرم سرور قومش بود، اسیر را آزاد می‌کرد و جنایت کار را می‌کشت و همسایه را حفظ می‌کرد و از خانواده و آبرو حمایت می‌کرد و اندوهگین را گشایش می‌بخشید و غذا اطعام می‌کرد و صلح را پخش می‌کرد و ضعیف را در سختی‌های روزگار یاری می‌رساند و کسی با حاجتی نزد او نیامد که او را ناامید بازگرداند؛ من دختر حاتم طائي هستم.»

پس پیامبر فرمود: «این واقعاً صفات مؤمنین است. او را رها کنید پس همانا پدرش مکارم اخلاق را دوست می‌داشت و خداوند مکارم اخلاق را دوست دارد.» سپس فرمود: «به بزرگی که خوار شده است و ثروتمندی که فقیر شده است و عالمی که بین نادانان تباه شده است، رحم کنید!»

وقتی که پیامبر او را آزاد کرد نزد برادرش «عدی بن حاتم» بازگشت درحالی که او بعد از وفات پدرش رئیس قومش بود. پس به او گفت: «برادرم! من از این مرد ویژگی‌هایی دیدم که خوشم می‌آید. دیدم او را درحالی که فقیر را دوست دارد و اسیر را آزاد می‌کند و بر کوچک رحم می‌کند و ارزش بزرگ را می‌داند و بخشنده‌تر و بزرگوarter از او ندیدم پس آن گاه که پیامبر باشد، بخشش‌اش پیشتاز است و آن گاه که پادشاه باشد، در عزت پادشاهی‌اش همیشگی است.»

پس عدی نزد رسول خدا آمد پس اسلام آورد و سفانه اسلام آورد.

دفتر پنجم از مثنوی معنوی برای مولانا جلال الدین رومی:

گفت پیغمبر که رحم آرید بر هر کس ثروتمند بوده پس فقیر شده است  
و کسی که بزرگ بوده پس حقیر شده است یا عالمی برگزیده که میان نادانان بوده است

## درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کنید:

۱ عدی گفت: خواهرم! من ویژگی‌هایی از این مردم دیدم که خوشم می‌آید. (نادرست، سفانه این مطلب را بیان کرد)

۲ وقتی که پیامبر سفانه را آزاد کرد، به سوی برادرش بازگشت. (درست)

۳ حاتم کسی را که در حاجتی نزد او می‌آمد، ناامید باز می‌گرداند. (نادرست)

۴ حاتم طائي معروف به بخشش است. (درست)

۵ سفانه در غزوه احد اسیر شد. (نادرست، در غزوه طيء اسیر شد)

۱- نبردهایی که شخص پیامبر در آنها حضور داشتند.

## بدانید (نواسخ: حروف مشبهة بالفعل)

دانستیم که جمله اسمیه دارای مبتدا و خبر مرفوع می‌باشد. یک سری از ادوات هستند که هرگاه بر سر جمله اسمیه می‌آیند، عملکرد آن را تغییر می‌دهند و باعث تغییر اعراب مبتدا یا خبر می‌شوند. از این جهت که عمل اصلی یعنی رفع مبتدا و خبر را منتفی می‌کنند، مشهور به نواسخ هستند.

در رشته معارف با چهار دسته از نواسخ آشنا می‌شویم:

۱ حروف مشبهة بالفعل (پایه دهم)

۲ لا نفی جنس (پایه دهم)

۳ افعال ناقصه (پایه یازدهم)

۴ افعال مقاربه (پایه دوازدهم)

حروف مشبهة بالفعل مبتدا را اسم خودشان و منصوب می‌نمایند و خبر نیز خبر آنها می‌شود و همچنان مرفوع باقی می‌ماند. این حروف عبارتند از: «إِنَّ، أَنَّ، كَأَنَّ، لَكَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ»

«إِنَّ» برای تأکید در جمله اسمیه به کار می‌رود و به معنای «قطعاً / همانا / به درستی که» می‌باشد اما امروزه در ترجمه‌های زبان عربی بیان نمی‌شود یعنی معمولاً ترجمه نمی‌شود لذا اگر در آزمون‌های تشریحی ترجمه نشد یا در تست ترجمه کنکوری بدون ترجمه بود، خطا نیست.

بررسی مثال‌های کتاب:

■ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: خداوند به عدل و احسان امر می‌نماید»

اللَّهُ: اسم إِنَّ و منصوب به فتحه      يَأْمُرُ: خبر جمله فعلیه برای إِنَّ و محلاً مرفوع

■ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: خداوند نیکوکاران را دوست دارد»

اللَّهُ: اسم إِنَّ و منصوب به فتحه      يُحِبُّ: خبر جمله فعلیه برای إِنَّ و محلاً مرفوع

■ «إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ: رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.»

رحمة: اسم إِنَّ و منصوب به فتحه      قَرِيبٌ: خبر مفرد برای إِنَّ و مرفوع

«أَنَّ» برای ربط، پیوند و صلّه میان دو جمله استفاده می‌شود و به معنای «که» است. بررسی مثال‌های کتاب:

■ «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ: و بدانید که خداوند همراه با پرهیزکاران است.»

اللَّهُ: اسم أَنَّ و منصوب به فتحه      مَعَ: خبر شبه جمله أَنَّ و محلاً مرفوع

■ «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: گفت می‌دانم خداوند بر هر چیزی تواناست.»

اللَّهُ: اسم أَنَّ و منصوب به فتحه      قَدِيرٌ: خبر مفرد برای أَنَّ و مرفوع

- «ألا تعلم أن الله ستار العيوب: آیا نمی دانی که خداوند پوشاننده عیب هاست؟»  
 الله: اسم آن و منصوب به فتحه      ستار: خبر مفرد برای آن و مرفوع
- أما سمعت أن أحد زملائنا تصادم: آیا شنیدی که یکی از هم کلاسی های ما تصادف کرد؟  
 أحد: اسم آن و منصوب به فتحه      تصادم: خبر جمله فعلیه برای آن و محلاً مرفوع
- أعرف أنك صديقي: می دانم که دوست منی!  
 ك: اسم آن و منصوب محلاً      صديق: خبر مفرد برای آن و مرفوع تقدیراً

«كأن» در دو معنا کاربرد دارد: «گویا» و «مثل اینکه، همچون...». در صورتی که در معنای دوم باشد، تشبیه را افاده می نماید و البته این معنا پرکاربردتر است. بررسی مثال های کتاب:

- كأن السماء سقف محفوظ: آسمان همچون سقفی محفوظ است.  
 السماء: اسم كأن و منصوب به فتحه      سقف: خبر مفرد برای كأن و مرفوع
- كأن المفتاح مفقود: گویا کلید گم شده است.  
 المفتاح: اسم كأن و منصوب به فتحه      مفقود: خبر مفرد برای كأن و مرفوع
- كأنك لا تعرف الطريق: گویا راه را نمی شناسی!  
 ك: اسم كأن و منصوب محلاً      لا تعرف: خبر جمله فعلیه برای كأن و محلاً مرفوع
- كأنه ناجح: گویا او موفق است!  
 ه: اسم كأن و منصوب محلاً      ناجح: خبر مفرد برای كأن و مرفوع

«لكن» از دیگر حروف مشبیه و به معنای «ولی، اما» است. در کتاب، این کلمه را برای «رفع ابهام» و «تکمیل جمله قبل از خود» معرفی کرده است.

ذکر این نکته ضروری است که «لكن» با تشدید انتهای حرف مشبیه بالفعل است و در صورتی که مبنی بر سکون باشد، یعنی «لكن» هرگز حرف مشبیه نیست و حرف عطف محسوب می شود. بررسی مثال های کتاب:

- «ذلك الذين القيم ولكن أكثر الناس لا يعلمون: آن دین ارزشمند است اما بیشتر مردم نمی دانند.»  
 أكثر: اسم لكن و منصوب به فتحه      لا يعلمون: خبر جمله فعلیه برای لكن و محلاً مرفوع
- إن الله لا يظلم الناس شيئاً ولكن الناس أنفسهم يظلمون: خداوند ذره ای بر مردم ستم نمی کند  
 اما مردم بر خودشان ستم می کنند.»
- الناس: اسم لكن و منصوب به فتحه      يظلمون: خبر جمله فعلیه برای لكن و محلاً مرفوع  
 از دانش آموزان بخواهید در این عبارت اسم و خبر آن را مشخص کنند.



«لِیت» و «یالیت» به معنای «ای کاش» و بیانگر آرزوست؛ از این رو معروف به حرف «تمنی» است. بررسی مثال‌های کتاب:

- «و یقول الکافر یا لیتنی کنث تراباً: کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم.»
- ی: اسم یالیت و منصوب محلاً
- «کنث تراباً»: خبر جمله برای یالیت و محلاً مرفوع
- «قال یا لیت قومی یعلمون: گفت ای کاش قوم من بدانند.»
- قوم: اسم یالیت و منصوب تقدیراً
- یعلمون: خبر جمله فعلیه برای یالیت و محلاً مرفوع
- «یا لیتنی کنث معهم: ای کاش با آنها بودم.»
- ی: اسم یالیت و منصوب محلاً
- «کنث معهم»: خبر جمله برای یالیت و محلاً مرفوع
- لِیت الشَّباب یعود یوماً: ای کاش یک روز جوانی برگردد.
- الشَّباب: اسم یالیت و منصوب
- یعود: خبر جمله فعلیه برای یالیت و محلاً مرفوع
- لِیت القافلة ترجع: کاش قافله بازگردد.
- القافلة: اسم یالیت و منصوب
- ترجع: خبر جمله فعلیه برای یالیت و محلاً مرفوع

«لعلّ» حرف «ترجی» به معنای «شاید» و «امید است» می‌باشد. ممکن است تفاوت «تمنی» و «ترجی» برای دانش‌آموز مورد سؤال باشد. انسان وقتی به چیزی امید و ترجی دارد که بیش از آن مقدّماتاً اتفاقی افتاده باشد یا کاری انجام داده باشد اما در «تمنی و آرزو» چنین نیست. بررسی مثال‌های کتاب:

- «إنا جعلنا قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون: ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم امید است که بیندیشید.»
- کم: اسم لعلّ و منصوب محلاً
- لعلّ فریقنا فائزٌ: امید است تیم ما برنده شود.
- فریق: اسم لعلّ و منصوب
- لعلّ الاستاذ یأتی: امید است استاد بیاید.
- الاستاذ: اسم لعلّ و منصوب
- لعلّ الإمتحان یكون سهلاً: امید است امتحان آسان باشد.
- لعلّ الإمتحان: اسم لعلّ و منصوب
- «یکون سهلاً»: خبر جمله برای لعلّ و محلاً مرفوع
- لعلّ النجاح قریبٌ: امید است پیروزی نزدیک باشد.
- النجاح: اسم لعلّ و منصوب
- لعلّ اللّهُ یغفر لنا: امید است خداوند ما را ببامرزد.
- اللّهُ: اسم لعلّ و منصوب
- یغفر: خبر جمله فعلیه برای لعلّ و محلاً مرفوع

«لیت» و «لعل» در ترجمه تأثیر گذارند. همان طور که در نمونه‌های فوق می‌بینید، اگر خبرشان فعل ماضی باشد، معمولاً به صورت ماضی بعید یا ماضی استمراری ترجمه می‌شود و اگر فعل مضارع بود، معمولاً به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود مثل: «لعله یأتی: شاید بیاید.» و «لیتینی أراک: کاش تو را ببینم.»

**اختبر نفسک: این جملات را بر حسب قواعد حروف مشبّهة بالفعل ترجمه کن.**

- ۱ دانش‌آموزان نشستند اما فرید رفت. فرید: اسم لکنّ و منصوب ذهب: خبر لکنّ و محلاً مرفوع
- ۲ فرزندان نشستند اما حامد ایستاده است. حامد: اسم لکنّ و منصوب واقف: خبر لکنّ و مرفوع
- ۳ سرباز وطن همچون شیر است. جندی: اسم کأنّ و منصوب أسد: خبر کأنّ و مرفوع
- ۴ آیا نمی‌دانی که علم گنج است. العلم: اسم آنّ و منصوب کنز: خبر آنّ و مرفوع
- ۵ شاید مهمان نزد من بیاید. الضیف: اسم لعلّ و منصوب یأتی: خبر لعلّ و مرفوع محلاً
- ۶ ای کاش زندگی آسان باشد. الحیة: اسم لیت و منصوب سهلة: خبر لیت و مرفوع

## نکات:

- ۱ اسم حروف مشبّهة به دو صورت می‌تواند بیاید:
  - الف) اسم ظاهر: مانند «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ» که «اللّه» اسم «إِنَّ» است.
  - ب) ضمیر بارز: مانند «یا لیتینی کنْتُ تراباً» که ضمیر بارز «ی» اسم «یا لیت» است.
- ۲ گاهی به «إِنَّ» و «أَنَّ» حرف «ما» می‌چسبد و به صورت «إِنَّمَا» و «أَنَّمَا» می‌آید. به این «ما»، «کافّه» می‌گویند یعنی «بازدارنده». در واقع «ما کافّه» عمل «إِنَّ» و «أَنَّ» را از بین می‌برد و جمله با همان مبتدا و خبر مرفوع می‌آید. اما در ترجمه مؤثر خواهد بود. «إِنَّمَا» و «أَنَّمَا» به معنای «فقط» هستند و در جمله، «حصر» ایجاد می‌کند. یادتان باشد در جمله‌ای که اینها را داشته باشیم، در ترجمه، کلمه «فقط» بر سر آخرین اسم همان جمله می‌آید.
- ۳ معمولاً دانش‌آموزان فراموش می‌کنند که حروف مشبّهة میان اسم و خبر کدام را منصوب و کدام را مرفوع می‌کنند. پیشنهاد می‌کنم به آنها یادآوری کنید مثالی که همیشه دیده و شنیده‌اند را به یاد بیاورند تا هرگز فراموش نکنند: «إِنَّ اللَّهَ...» به خاطر سپردن همین عبارت کوتاه، همه چیز را به یاد دانش‌آموز می‌آورد. بررسی مثال‌های کتاب:
- «إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَ حَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ: من از غم طاقت فرسا و اندوهم تنها نزد خدا شکوه می‌نمایم و از جانب خداوند چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»
- «إِنَّمَا أَمِرتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَ لَا أُشْرِكَ بِهِ: من امر شدم که تنها خداوند را پرستم و به او شرک نورزم.»

■ «إنما الحياة الدنيا لعبٌ و لهوٌ : زندگی پست تر فقط بازیچه و سرگرمی است.»  
 ■ «إنما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و هم راكعون : سرپرست شما فقط خداوند و فرستاده اش و کسانی هستند که ایمان آوردند؛ کسانی که نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند در حالی که در رکوع اند.»

اختبر نفسک : اسم و خبر حروف مشبیه را مشخص کنید سپس اعراب آنها را بیان نمایید.

- |        |  |                              |
|--------|--|------------------------------|
| ۱      | همانا خداوند بسیار آمرزنده مهربان است.               | الله : اسم إنّ و منصوب       |
| غفور   | : خبر اول إنّ و مرفوع                                | رحیم : خبر دوم إنّ و مرفوع   |
| ۲      | حسین همچون شیر است.                                  | حسیناً : اسم كأنّ و منصوب    |
| ۳      | امید است پیروزی نزدیک باشد.                          | أسد : خبر كأنّ و مرفوع       |
| التجاح | : اسم لعلّ و منصوب                                   | قريب : خبر لعلّ و مرفوع      |
| ۴      | آیا نمی دانی نادانی مصیبت است؟                       | الجهل : اسم أنّ و منصوب      |
| ۵      | کاش شادی در زندگی ما دائمی باشد.                     | دائم : خبر لیت و مرفوع       |
| ۶      | این تمرین، آسان است اما بیشتر هم کلاسی ها نمی دانند. | لا يعلمون : خبر لکنّ و مرفوع |

### لا نفی جنس

لا نفی جنس یکی دیگر از نواسخ است که برای نفی مطلق یک چیز می آید. از این رو در ترجمه اش «هیچ نیست» می آید و اگر به «نیست» به تنهایی اکتفا شود، کاملاً غلط است و در واقع «لیس» را ترجمه کرده ایم. لا نفی جنس بر سر جمله اسمیه می آید و بر اعراب مبتدا تأثیر می گذارد و آن را اسم خویش می کند. اسم لا نفی جنس نیز همچون حروف مشبیه اسمش منصوب و خبرش مرفوع است اما تفاوت هایی وجود دارد :

- اسم لا نفی جنس همواره مبنی بر فتح و محلاً منصوب است یعنی هرگز با تنوین نمی آید.
- اسم لا نفی جنس همیشه نکره است پس «ال» نمی گیرد.
- میان لا نفی جنس و اسمش فاصله نمی افتد برخلاف حروف مشبیه که ممکن است خبرشان مقدم شود و میان حروف مشبیه و اسمشان فاصله بیفتد؛ مثل : «إِنَّ لَكَ شَأْنًا» که «شَأْنًا» اسم «إِنَّ» است و خبرش یعنی «لَكَ» مقدم شده است.

۴ خیر لا نفی جنس گاهی محذوف است مثلاً وقتی «موجود» محذوف باشد.  
در گذشته با سه نوع «لا» مواجه شده‌ایم. «لا نفی جنس» چهارمین نوع از آن است. خوب است آنها را در کنار هم ببینیم:

- ۱ «لا» به معنای «نه و خیر» در پاسخ به سؤال «هل» و «أ» این «لا» هیچ تأثیری بر اعراب جمله ندارد و یک حرف غیرعامل به شمار می‌رود.
- ۲ «لا نفی» بر سر فعل مضارع می‌آید و معنا را منفی می‌کند اما بر اعراب فعل هیچ تأثیری نداشته و غیرعامل است؛ مثل: «لا یذهب: نمی‌رود»
- ۳ «لا نهی» بر سر فعل مضارع می‌آید؛ به معنای «نباید» و فعل را مجزوم می‌نماید مثل: «لا یذهب: نباید برود»
- ۴ «لا نفی جنس»

اختبر نفسک: این جملات را بر اساس قواعد لا نفی جنس ترجمه کن.

- ۱ هیچ خدایی جز الله نیست.  
اله: اسم لا نفی جنس مبنی بر فتح محلاً منصوب
- نکته: خیر «لا» در این جمله «الله» است چرا که ساختار استثنای مفرغ داریم اما با توجه به اینکه دانش آموزان در سال دوازدهم با استثنای مفرغ آشنا می‌شوند، می‌توانیم ذهن آنها را به سمت «موجود» محذوف ببریم.
- ۲ هیچ خیری در سخن نیست مگر با عمل.  
خیر: اسم لا نفی جنس مبنی بر فتح محلاً منصوب
- ۳ کسی که هیچ امانتی ندارد، هیچ ایمانی ندارد.  
امانة/ایمان: اسم لا نفی جنس مبنی بر فتح محلاً منصوب
- ۴ هیچ گنجی غنی تر از قناعت نیست.  
له: خبر شبه جمله محلاً مرفوع
- ۵ کنز: اسم لا نفی جنس مبنی بر فتح محلاً منصوب  
هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.
- ۶ هیچ فقری همچون نادانی و هیچ میراثی همچون ادب نیست.  
أجمل: خبر مفرد و مرفوع به ضمه
- فقر/میراث: اسم لا نفی جنس مبنی بر فتح محلاً منصوب  
کالجهل/کالادب: خبر شبه جمله محلاً مرفوع

اختبر نفسک : اسم و خبر لا نفی جنس را در جملات زیر مشخص کن.

- |   |   |                |                   |
|---|---|----------------|-------------------|
| ۱ | هیچ فقری شدیدتر از نادانی نیست.           | فقر : اسم لا   | أشدّ : خبر لا     |
| ۲ | هیچ اجباری در دین نیست.                   | إكراه : اسم لا | فی الدین : خبر لا |
| ۳ | هیچ جهادی همچون جهاد نفس نیست.            | جهاد : اسم لا  | كجهاد : خبر لا    |
| ۴ | هیچ علمی نداریم مگر آنچه تو به ما آموختی. | علم : اسم لا   | لنا : خبر لا      |

### گفتگو (در بازار)

زائر : قیمت این پیراهن چند است؟

فروشنده لباس : سی ریال.

زائر : ارزان تر از این می‌خواهم. این گران است.

فروشنده لباس : ده ریالی هم داریم. بفرما ببین!

زائر : چه رنگ‌هایی داری؟

فروشنده لباس : سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش داریم.

زائر : این لباس‌های زنانه چند است؟

فروشنده لباس : قیمت‌ها از ۱۸ ریال شروع می‌شود تا ۳۵ ریال.

زائر : قیمت‌ها گران است!

فروشنده لباس : خانم! قیمت بر اساس نوع متفاوت است.

زائر : این شلوارها چند است؟

فروشنده لباس : شلوار مردانه ۵۰ ریال و شلوار زنانه ۴۰ ریال!

زائر : شلوارهای بهتری می‌خواهم.

فروشنده لباس : بهتر ندارم! آن، مغازه همکارم است شلوارهای بهتری دارد.

«زائر شلوارها و لباس‌های زنانه مناسب برای خانواده اش را جستجو می‌کند.»

زائر : این لباس‌ها را می‌خواهم : دو پیراهن و سه بلوز زنانه و دو شلوار. تخفیف می‌خواهم.

فروشنده لباس : روی چشم خانم! مبلغ صد و هفتاد ریال شد، صد و شصت ریال بپرداز.

زائر : ممنون برادرم! در پناه خدا!

فروشنده لباس : در پناه خدا به سلامت!

## تمارین

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات و اژه‌نامه مناسب توضیحات زیر است؟

- ۱ احساس شادی هنگام دیدن اشیاء زیبا. (إعجاب : شگفتی)
- ۲ حاکم کشور درحالی که بر سرش تاجی از طلاست. (مَلِك : پادشاه)
- ۳ کسی که هیچ امیدی برای موفقیت در هدفش ندارد. (خائب : ناامید)
- ۴ مجموعه‌ای از خانواده و نزدیکان. (اهل)
- ۵ فقیر شد و هیچ ثروتی ندارد. (إفْتَقَرَ : فقیر شد)
- ۶ کسی که اندوهش فراوان است. (مکروب : غمگین)

تمرین دوم: مترادف یا متضاد هر کلمه را جلویش بنویس سپس آن را ترجمه کن.

- |  |                            |
|--|----------------------------|
| مصائب (سختی‌ها) = شدائد                  | حزین (اندوهگین) = مکروب    |
| راقد (خوابیده) = نائم                    | فتح (گشود) = فکّ           |
| طریقه (راه و روش) = اسلوب                | حیاء (زندگی) ≠ موت (مرگ)   |
| ارتفاع (بالا آمدن) ≠ انخفاض (پایین رفتن) | حرب (جنگ) ≠ سلام (صلح)     |
| دفع (پرداخت کرد) ≠ استلم (دریافت کرد)    | ناجح (موفق) ≠ راسب (مردود) |
| عتیق (کهنه) ≠ حدیث (نو)                  | سهل (آسان) ≠ صعب (سخت)     |

تمرین سوم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب از میان کلمات زیر قرار بده. (دو کلمه اضافی)

- کمک کرد / رها کرد / خوشم می‌آید / ناامید / خوار می‌شویم / بر می‌گردانی / همواره / پیشتاز
- ۱ نگهبان بعد از اینکه فهمید او مجرم نیست، مرد را رها کرد. (أطلق)
  - ۲ با انسان‌های پست هنگامی که بر ما ستم می‌کنند، خوار نمی‌شویم و ستم را نمی‌پذیریم. (لا نذلّ)
  - ۳ تیم فوتبال دیروز از مسابقه ناامید برگشت. (خائباً)
  - ۴ پیشتاز در نیکی‌ها بدون حساب به بهشت وارد می‌شود. (السابق)
  - ۵ چرا امانتی که به تو دادم را بر نمی‌گردانی؟ (لا تردّ)
  - ۶ از دیدن موزه مکه مکرمه خوشم می‌آید. (أعجبتنی)

تمرین چهارم: در دایره عدد مناسب قرار بده. (یک کلمه اضافی)

- ۱ المستوصف (درمانگاه): کوچک‌تر از بیمارستان است و خدمات پزشکی ساده در آن وجود دارد.
- ۲ القوافل (کاروان‌ها): گروهی از مردم در سفرها

۳ النسیان (فراموشی): ضعف حافظه به طور جزئی یا کلی

۴ الصّفیّ (برگزیده)

۵ المشمش (زردآلو): میوه‌ای که به صورت تازه یا خشک خورده می‌شود.

۶ المصیر (سرنوشت): پایان کار و سرانجام در زندگی

۷ المطر (باران): آبی که از ابر پایین آمده

### تمرین پنجم: جواب درست را مشخص کن.

- |  |               |            |
|--|---------------|------------|
| ۱ چیزی که از درخت خشک می‌شود و مناسب سوخت است. | <u>چوب</u>    | پارچه کهنه |
| ۲ رنگ ابر و برف و لباس‌های عروس                | <u>سفید</u>   | زرد        |
| ۳ کسانی که در کنارمان زندگی می‌کنند.           | <u>دوستان</u> | همسایگان   |
| ۴ درد سر                                       | <u>سر درد</u> | قبیله مضر  |
| ۵ سی روز                                       | <u>هفته</u>   | ماه        |

### تمرین ششم: جملات زیر را ترجمه کن سپس کلمات قرمز را ترکیب کن.

- ۱ خوش عهده‌ی از ایمان است.
  - حسن: اسم إنّ و منصوب به فتحه      العهد: مضاف الیه و مجرور به کسره  
من الایمان: جار و مجرور به کسره
  - ۲ خداوند متعال زیبایی است که زیبایی را دوست دارد.
  - اللّه: اسم إنّ و منصوب به فتحه      الجمیل: خبر مفرد إنّ و مرفوع به ضمه  
سخت‌تر از مرگ، درخواست نیاز از غیر اهلس است.
  - من الموت: جار و مجرور به کسره      من غیر: جار و مجرور به کسره
  - ۴ روزگار دو روز است: یک روز برای تو و یک روز علیه تو!
  - الدهر: مبتدا و مرفوع به ضمه      یومان: خبر مفرد و مرفوع به الف  
بهترین کارها میانه‌ترینشان است.
  - ۵ خیر: مبتدا و مرفوع به ضمه      أوسط: خبر مفرد و مرفوع به ضمه
  - ۶ گواهی می‌دهم که محمد (ص) رسول خداست.
  - محمدأ: اسم أنّ و منصوب به فتحه      رسول: خبر مفرد أنّ و مرفوع به ضمه
- اکنون که درس به پایان رسیده است، می‌توانید از دانش‌آموزان بخواهید در متن درس و تمارین، حروف مشابه و لا نفی جنس را با اسم خبرشان بیانند.

## در محضر معلم

در زنگ درسی اول، دانش‌آموزان به سخن معلم شیمی گوش می‌دادند در حالی که بین آنها دانش‌آموزی اخلاک‌گر و کم‌ادب (بی‌ادب) بود که با رفتارش به دانش‌آموزان ضرر می‌رساند. یک بار به پشت رو می‌کرد و با کسی که عقبش بود، حرف می‌زد و یک بار هنگامی که معلم بر تخته می‌نوشت، با کسی که کنارش بود، پیچ‌پیچ می‌کرد. در زنگ دوم، آن پسر از معلم زیست‌شناسی برای مچ‌گیری سؤال می‌پرسید و در زنگ سوم با هم‌کلاسی مثل خودش حرف می‌زد و می‌خندید. پس معلم چند بار او را نصیحت کرد بدون فایده‌ای!

مهران در مورد این مشکل اندیشید. پس نزد معلم ادبیات فارسی رفت و به او گفت: در کلاس ما دانش‌آموزی اخلاک‌گر وجود دارد. می‌خواهم انشایی تحت عنوان «در پیشگاه معلم» بنویسم پس معلم با پیشنهادش موافقت کرد. پس مهران به کتابخانه رفت و کتاب «منیة المراد» زین الدین عاملی «شهید ثانی» را دید سپس انشایی نوشت تا دانش‌آموز خطا کار آگاه شود و این، قسمتی از انشای اوست:

تعدادی از دانشمندان کتاب‌هایی در زمینه‌های تربیت و تعلیم نوشتند که بعضی از آنها به معلم و دیگری به یادگیرنده مربوط است. دانش‌آموز در پیشگاه معلم آدابی دارد، بر دانش‌آموز واجب است به آنها پایبند باشد؛ مهم‌ترین آنها:

- ۱ نزدیک‌گی جستن به خداوند به وسیله خدمت به او (معلم)
- ۲ لبخند زدن بدون صدا اگر خنده بر او غلبه کرد.
- ۳ برهیز از سخنی که در آن بی‌ادبی است.
- ۴ فروتنی جلوی معلم همچون فروتنی مریض جلوی پزشک ماهر
- ۵ نشستن جلوی او با ادب و گوش کردن به او با دقت و عدم روی برگرداندن به پشت مگر برای ضرورتی.
- ۶ هنگامی که مسئله یا حکایتی را از معلمش می‌شنود که آن را می‌داند، طوری به آن گوش کند که گویا قبلاً آن را نشنیده است.
- ۷ این که سخنش را قطع نکند و در سخن از او پیشی نگیرد و صبر کند تا از سخن گفتن فارغ شود.
- ۸ این که هنگامی که معلم درس می‌دهد با غیر خودش از دانش‌آموزان سخن نگوید.
- ۹ نخواهید در کلاس هنگامی که معلم درس می‌دهد.
- ۱۰ اینکه از او امر معلم سرپیچی نکند.

برای معلم برخیز احترامش را کامل به جا بیاور  
نزدیک بود معلم رسول باشد  
نفس‌ها و عقل‌ها را می‌سازد، می‌شناسی؟  
آیا شریف‌تر و گران‌قدرتر از کسی که



جواب را بر حسب متن درس در یک یا دو کلمه بنویس.

- ۱ مه‌ران نزد چه کسی رفت؟ ذهب مه‌ران إلى المعلم الأدب الفارسی
- ۲ چگونه نشست‌ن جلوی معلم واجب است؟ يجب الجلوس أمام المعلم بأدب
- ۳ چرا مه‌ران انشایی نوشت و جلوی هم‌کلاسی‌هایش آن را خواند؟ کتب مه‌ران انشاء حتی یتنبه الطالب الخاطئ
- ۴ اسم کتابی که مه‌ران در زمینه تربیت و تعلیم آن را خواند، چیست؟ قرأ مه‌رانُ کتابَ «مُنِيَّة المريد» لزین الدین عاملی
- ۵ در چه زنگی دانش‌آموزان به سخن استاد شیمی گوش می‌دادند؟ فی الحصَّة الأولى کان الطلاب يستمعون إلى کلام استاذ الکیماء
- ۶ اخلاق دانش‌آموزی که به پشت رو می‌کرد و با کسی که عقبش بود، حرف می‌زد، چگونه بود؟ کان ذلک الطالبُ مُشاغباً قلیلاً الأدب.

در متن این درس می‌توان تمرین خوبی برای دوره دروس بعد پیدا کرد مثلاً موارد بسیار خوب و مناسبی برای افعال و مصادر مزید، جملات اسمیه، فعلیه، وصف و اضافه و انواع مشتقات وجود دارد که می‌توانید دانش‌آموزان را در این باره مورد سؤال قرار دهید تا مطالب دوره شود.

## خوب است بدانیم

در واژه‌نامه‌های عربی، برای ترجمه افعال به شکل ماضی آن را می‌نویسند در صورتی که آن فعل ثلاثی مجرد باشد، عین الفعل مضارعش قیاسی نخواهد بود یعنی برای اینکه بدانیم حرکت عین الفعل مضارع آن فعل چیست، لازم است به کتاب لغت مراجعه کرده، آن را به خاطر بسپاریم چرا که سماعی است. اما در کتاب لغت چگونه نشان داده شده است؟

در کتب لغت جلوی هر فعل ماضی یکی از سه حرکت (کُتِبَ) گذاشته شده است که به ما حرکت عین الفعل مضارع را نشان می‌دهد مثلاً: (صَنَعَ) مضارعش بر وزن (يَصْنَعُ) است یا (كَتَبَ) مضارعش (يَكْتُبُ) و (عَرَفَ) مضارعش (يَعْرِفُ) است.

دقت داشته باشید که برخی افعال، معتل هستند یعنی یکی از حروف اصلی آنها «و» یا «ی» است. معتلات در پایه یازدهم به طور مختصر آموزش داده شده است اما اکنون می‌توان یک رمزگذاری را به دانش‌آموزان یادآوری کرد؛ در معتلات اگر در مقابل افعال ماضی (ت) قرار گیرد یعنی عین الفعل مضارعش «الف» است مثل (کاد) می‌شود: (يُكَادُ)

اگر (ت) بگذارند، عین الفعل مضارع «واو» است نظیر (قال) می‌شود: (يَقُولُ) و اگر (ب) بگذارند، عین الفعل مضارعش «ی» خواهد بود مانند: (سار) می‌شود: (يَسِيرُ)

## بدانید (معرفه نکره)

اسامی از لحاظ صرفی<sup>۱</sup> به دو دسته معرفه و نکره تقسیم می‌شوند. اسم معرفه اسمی است که برای خواننده یا شنونده شناخته شده است اما اسم نکره «ناشناخته» است. اسامی معرفه در زبان عربی شش دسته هستند که معمولاً برای سهولت در حفظ آنها یک بیت شعر معروف به دانش‌آموزان گفته می‌شود:

«معارف شش بُود مُضَمَّر اضافه عَلم ذواللام موصول الإِشارة»

اکنون به ترتیب کتاب، موارد را می‌شماریم و توضیحاتی ارائه می‌نماییم:

- ۱ ضمائر: بیشتر با انواع ضمائر آشنا شده‌ایم. این دسته از ضمائر به عنوان اسامی معرفه لحاظ می‌شوند:
- ضمائر منفصل رفعی: هو هما هم هی هما هنّ أنت أنتما أتم أنتِ أتما أتنّ أنا نحن
- ضمائر متصل نصبی یا جری: ه هما هم ها هما ههّن ک کما کم ک کما کنّ ی نا
- ضمائر منفصل نصبی: إناها إناهما إناهم إناها إناهنّ إناک إناکما إناکم إناک إناکما إناکنّ إناکما إناکما
- ۲ اسامی علم معادل همان اسم خاص در فارسی است. به عبارتی هر اسمی که به طور خاص روی اشخاص، اماکن، شهرها و... گذاشته می‌شود مثل مریم، موزه آستان قدس، تهران و...
- ۳ اسم اشاره: با اسامی اشاره نیز آشنا شده‌ایم: هذا هذه هذان هذين هاتان هاتين هؤلاء ذلك تلك اولئك
- ۴ موصولات: موصولات نیز جزء معارفند که عبارت‌اند از: من ما الذي التي اللذان اللذان اللتان اللتين اللتين اللاتي اللاتي اللواتي

- ۵ اسامی دارای «ال» که علم نیستند. به عبارتی هر اسمی که «ال» دارد، معرفه به ذواللام به شمار می‌رود مگر اینکه علم باشد چرا که اسامی علم خودشان معرفه هستند و برای شناخته شدن، نیازی به «ال» ندارند لذا آن «ال» زائد خواهد بود. «ال» در زبان عربی انواع مختلفی دارد که از حوصله بحث خارج است.
- ۶ اسم مضاف به معرفه: در ترکیب اضافی اگر مضاف‌الیه یکی از معارف باشد، مضاف نیز به اعتبار اضافه، معرفه خواهد شد و نامش معرفه به اضافه است مثل: «کتابه» که ضمیر «ه» مضاف‌الیه معرفه است پس کلمه «کتاب» نیز معرفه به اضافه به شمار می‌رود.

بسیاری از دانش‌آموزان توجه نمی‌کنند که هنگامی یک اسم، معرفه به اضافه محسوب می‌شود که مضاف‌الیه، حتماً و ضرورتاً یکی از معارف باشد! آنها به خطا می‌بندارند هر ترکیب اضافی معرفه به اضافه است! پس این نکته را متذکر می‌شویم که مضاف‌الیه حتماً باید معرفه باشد تا مضاف هم معرفه شود؛ پس در عبارت «کتاب مکتبه» که «مکتبه» نکره است، «کتاب» همچنان نکره باقی می‌ماند.

۱- یعنی ویژگی فردی یک اسم که فارغ از جمله لحاظ می‌شود.

۲- اسم اشاره به دور برای مثنی‌ها در کتاب درسی نیامده است. آنها عبارت‌اند از: ذایک ذینک نایک نینک

نکته دیگری که مهم است این است که اگر چندین مضاف و مضاف الیه پشت هم آمده باشد، در صورتی که آخرین مضاف الیه، معرفه باشد، تک تک مضاف‌ها معرفه به اضافه خواهند بود اما اگر آخری نکره بود، همه مضاف‌ها نکره باقی می‌مانند. به دو عبارت زیر توجه فرمایید :

الف) کتابُ مکتبۃ صدیقنا                      ب) کتابُ مکتبۃ مدینۃ

در عبارت اول کلمات «کتاب، مکتبۃ و صدیق» همگی مضاف هستند و از آنجا که ضمیر «نا» - که آخرین مضاف الیه است - معرفه است، آن سه کلمه نیز معرفه به اضافه خواهند بود.

اما در عبارت دوم از آنجا که آخرین مضاف الیه یعنی «مدینۃ» نکره است، کلمات «کتاب و مکتبۃ» همچنان نکره باقی می‌مانند.

ذیل این موضوع که ناظر به ترکیب اضافی است، نکاتی بیان شده که مختصراً عرض می‌نمایم :

هر اسم معرب در زبان عربی در صورتی که غیر منصرف نباشد<sup>۱</sup>، به یکی از سه شکل زیر می‌آید :

۱ یا مضاف واقع می‌شود یعنی مضاف الیه دارد.

۲ یا تنوین می‌گیرد.

۳ یا «ال» می‌گیرد.

دو مورد باهم اتفاق نمی‌افتد<sup>۲</sup>، هیچ کدام هم نمی‌شود پس در می‌یابیم اسمی که مضاف واقع شده است، هرگز «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد.

نکته دیگر این است که اسامی مثنی یا جمع مذکر سالم در صورتی که مضاف واقع شوند، «نون» آنها حذف می‌شود مثل «أختاک» که در اصل «أختان + ک» بوده و به دلیل اینکه مضاف واقع شده، «نون» حذف شده است. یا مثل «فلاحو قریۃ» که در اصل «فلاحون + قریۃ» بوده است. در این شکل مطمئن می‌شویم که کلمه دوم، مضاف الیه است.

نکته آخر اینکه مضاف الیه همواره مجرور است اما مضاف بودن نقش نیست و هر اسمی که مضاف واقع شده، حتماً در جمله نقشی دارد و با توجه به همان نقش، اعراب می‌گیرد.

**اختبر نفسک : دو آیه و احادیث را ترجمه کن سپس نوع معرفه را از میان کلمات قرمز بنویس.**

۱ آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، برابرند؟                      الذین : معرفه به موصول

۲ قطعاً در رسول خدا برای شما الگویی نیکوست.                      کم : معرفه به ضمیر

رسول : معرفه به اضافه (دقت کنید که معرفه به علم نیست)                      الله : معرفه به علم

۱- اسامی غیر منصرف در پایه یازدهم تدریس می‌شوند.

۲- به جز اینکه در اضافه لفظی یک اسم می‌تواند در شرایطی هم مضاف باشد هم «ال» داشته باشد. این موضوع اصلاً در دوره دبیرستان خوانده نمی‌شود.

- ۳ حسن و حسین علیهما السلام سرور جوانان اهل بهشت هستند.  
الحسن و الحسین : معرفه به علم (دقت کنید که معرفه به «ال» نیستند).  
سید، شباب، اهل : معرفه به اضافه  
الجبّة : ذواللام
- ۴ حياء نیکوست ولی در زنان نیکوتر است.  
الحیاء و النساء : ذواللام
- دقت کنید «حسن» در این عبارت، علم نیست زیرا به معنای «نیکو» است لذا در اینجا نکره است.
- ۵ هر کس علمی را پنهان کند، گویی نادان است. ه : معرفه به ضمیر
- توجه داشته باشید کلمه «من» در این عبارت موصولی نیست بلکه شرطی است لذا نکره است.
- ۶ هر کس سخنش زیاد شود، خطایش زیاد می شود.
- کلام و خطأ : معرفه به اضافه  
ه : معرفه به ضمیر
- \* در اینجا نیز «من» شرطی داریم.

### فن ترجمه

اسم نکره با «یک» یا «ی نکره» ترجمه می شود مثل : «شجرة : یک درخت/درختی» اما اسم معرفه بدون اینها ترجمه می شود مثل : «الشجرة : درخت»  
در اینجا نکته بسیار مهمی وجود دارد و آن، اینکه اگر در جمله ای اسم نکره بیاید و سپس همان اسم با «ال» بیاید، لازم است «ال» را «این» یا «آن» ترجمه کنیم مثل :  
«رأيت أفراساً. كانت الأفراس جنب صاحبها : اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کنار صاحبانشان بودند.»

### اختبر نفسک : بر حسب قواعد معرفه ترجمه کن.

- ۱ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مثال نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی است. آن چراغ در شیشه ای است. آن شیشه همچون ستاره ای درخشان است.  
معارف در این آیه : اللّهُ : علم  
نور : معرفه به اضافه  
السموات و الارض : ذواللام  
مثل و نور : معرفه به اضافه  
ه وها : معرفه به ضمیر
- ۲ رسولی را به سوی فرعون فرستادیم پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.  
معارف در آیه : فرعون : علم  
الرسول : ذواللام
- ۳ عالمی که از دانش او سود برده می شود، بهتر از هزار عابد است.  
معارف در این حدیث : علم : معرفه به اضافه  
ه : معرفه به ضمیر

۴ اتوبوسی سوار شدیم. آن اتوبوس تمیز بود.

معارف در عبارت: الحافلة: ذواللام

۵ معلمی در کلاس وارد شد. دانش‌آموزان او را نمی‌شناختند.

معارف در عبارت: الصف و الطلاب: ذواللام  
ه: معرفه به ضمیر

## گفتگو (در ورزشگاه)

اسماعیل: بیا به ورزشگاه برویم.

ابراهیم: برای دیدن چه مسابقه‌ای؟

اسماعیل: برای دیدن مسابقه فوتبال!

ابراهیم: این مسابقه بین چه کسانی است؟

اسماعیل: بین دو تیم صداقت و سعادت

ابراهیم: دو تیم دو هفته پیش مساوی کردند.

اسماعیل: آن را به یاد می‌آورم (به خاطر دارم) هریک از دو تیم با دو گل مساوی کرد.

ابراهیم: کدام یک از دو تیم قوی تر است؟

اسماعیل: هر دو آنها قوی هستند. ورزشگاه از تماشاچیان پرشد. برما واجب است با سرعت رفتن!

(باید به سرعت برویم.)

ابراهیم: چشم بیا برویم!

## در ورزشگاه

اسماعیل: نگاه کن یکی از مهاجمین تیم صداقت آمد. گلی خواهد زد!

ابراهیم: او به دروازه تیم سعادت حمله کرد! گل! گل!

اسماعیل: اما داور گل را نپذیرفت، چرا؟

ابراهیم: شاید به دلیل آفساید! نمی‌دانم! آه! اشتباه!

اسماعیل: نگاه کن! حمله‌ای قوی از جانب بازیکن تیم صداقت!

ابراهیم: واقعاً از دروازه بان تیم سعادت خوشم می‌آید.

اسماعیل: ساعت چنده؟

ابراهیم: دو دقیقه مانده به پنج!

اسماعیل: داور سوت را به دهانش می‌گذارد و سوت می‌زند!

ابراهیم: یک بار دیگر بدون گل مساوی کردند.

## تمارین

تمرین اول: کدام کلمات واژه نامه مناسب توضیحات زیر است؟

- |   |   |                  |
|---|---|------------------|
| ۱ | حفره‌ای در دیوار که در تاریکی چراغی در آن قرار داده می‌شود. | مشکاة: چراغدان   |
| ۲ | وسیله‌ای برای هشدار که داور یا نگهبان از آن استفاده می‌کند. | صقارة: سوت       |
| ۳ | طرح کردن سؤال سخت با هدف سختی وارد کردن                     | تعنت: میج‌گیری   |
| ۴ | تخته‌ای جلوی دانش‌آموزان کلاس که بر آن نوشته می‌شود.        | سبورة: تخته سیاه |
| ۵ | کسی که مسابقه یا فیلمی را نگاه می‌کند.                      | متفرج: تماشاچی   |
| ۶ | وارد کردن توپ در دروازه                                     | هدف: گل          |

تمرین دوم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب از میان کلمات زیر قرار بده.

- ۱ دانش‌آموزان به قوانین عبور و مرور متعهدند (بلتزمون) پس از گذرگاه عابر پیاده عبور می‌کنند.  
(متعهدند) پیچ می‌کنند پیشی می‌گیرند
- ۲ بارش باران سبب (سبب) بالا رفتن سطح آب‌ها در رودها می‌شود.  
(سبب می‌شود) میج‌گیری کرد نگاشت
- ۳ لطفاً این مشاهدات را در دفتر خاطرات ثبت کن (سجّل).  
(ثبت کن) بایست توجه کن
- ۴ ای همکلاسی‌هایم آیا با من در این پیشنهاد موافق هستید (توافقنی) یا خیر؟  
(موافق هستید) بر من چیره شوید می‌برید
- ۵ ای کاش انسان قبل از اینکه سخن بگوید بیندیشد (یفکر).  
(بیندیشد) می‌سازد ایجاد می‌کند

تمرین سوم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب از کلمات زیر قرار بده. (دو کلمه اضافی)

- نزدیک شو / گرمی‌تر / گوش دهید / پیاده / خطا کاران / برخی / میج‌کرد / دهان
- ۱ گفتند ای پدر ما! برای ما به‌خاطر گناهانمان طلب‌آمزش کند به درستی که ما خطا کاران (خاطئین) بودیم.
  - ۲ هنگامی که معلم تدریس می‌کند پس به او گوش دهید (استمعوا) و ساکت باشید شاید موفق شوید.
  - ۳ به روستای پدر بزرگم یک بار با اسب و یک بار پیاده (ماشياً) می‌روم.
  - ۴ برای معلم برخیز (قم) احترامش را کامل به جا بیاور نزدیک بود معلم رسول شود.
  - ۵ شیخ گرمی‌تر (أجل) از القاب سعدی شیرازی است.

۶ با کارهای خوب و نیک به خدا نزدیک شو (تَقَرَّب) هاس و قم اضافی هستند.

تمرین چهارم: در دایره عدد مناسب قرار بده. (یک کلمه اضافی)

- ۱ التَّذَكُّر (بادآوری): اضافی
- ۲ التَّبَسُّم (لبخند): خندیدن بدون صدا
- ۳ التَّبَجِيل (گرامی داشت): بزرگداشت و گرامی داشت
- ۴ الإِحْيَاء (زیست شناسی): یکی از دانش‌های مهم همچون شیمی
- ۵ التَّوَاضِع (فروتنی): دوری از خود بزرگ بینی
- ۶ الإِلْتِزَام (بایندی): تعهد به هدفی مشخص و دفاع از آن
- ۷ المَهَامَسَة (پنج‌پنج کردن): سخن گفتن با صدایی پنهانی و دور از دیگران

تمرین پنجم: جملات زیر را ترجمه کن سپس معرفه و نوعش و نکره را از میان کلمات رنگی مشخص کن.

- ۱ سلمان از ما اهل بیت است. سلمان: معرفه به علم  
نا: معرفه به ضمیر  
البيت: معرفه به ذواللام
- ۲ یک گنجشک در دست بهتر از ده تا بر درخت است. عصفور، خیر و عشرة: نکره  
اليد و الشجرة: معرفه به ذواللام  
طلايت و رفتنت و روشنت را بپوشان.
- ۳ ذهب، ذهاب و مذهب: معرفه به اضافه ک: معرفه به ضمیر  
هرکس برادری بی عیب را بجوید، بی برادر می ماند.  
من، أخاً، عیب و أخ: نکره
- ۵ مردم بر دین پادشاهانشان هستند. الناس: معرفه به ذواللام  
دين و ملوک: معرفه به اضافه هم: معرفه به ضمیر

تمرین ششم: در دایره عدد مناسب قرار بده.

- ۱ هرکس آزموده را بیازماید، پشیمانی بر او فرو می آید. (آزموده را آزمودن خطاست.)

- ۲ خرمای مرا خوردید درحالی که از فرمانم سرپیچی کردید. (نمک خورد و نمکدان شکست)
- ۳ هرکس برای خدا باشد، خدا برای اوست. (چون از او گشتی همه چیز از تو گشت)
- ۴ دیروز با آنچه در آن بود، گذشت. (گذشت آنچه گذشت)
- ۵ صبر کلید گشایش است. (گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی)
- ۶ خیر در آن چیزی است که اتفاق بیفتد. (هرچه پیش آید خوش آید)
- ۷ قطعاً با امروز فردایی هست. (فردایی هم هست)

اکنون می‌توانید از دانش‌آموزان بخواهید از متن همین درس انواع معرفه را پیدا کنند و نوع آن را بیان نمایند.

حال که کتاب به اتمام رسیده است، خوب است از متن درس‌ها برای نمونه سؤال از انواع مطالبی که تا کنون آموزش داده‌اید، استفاده نمایید.

یکی از کارهای بسیار مهم برای تثبیت مطالب در ذهن دانش‌آموزان انجام کارگروهی و نظارت دقیق بر این امر است، پیشنهاد می‌کنم در پایان، جلساتی را که برای دوره اختصاص داده‌اید، با نمونه سؤال‌هایی از متون درس‌ها به صورت کارگروهی دوره نمایید.



## نمونه سؤالات امتحانی

جمهوری اسلامی ایران اداره کل آموزش و پرورش تهران منطقه ۱۴		محل مهر یا امضای دبیر :
شماره صندلی : نوبت امتحانی دوم نام و نام خانوادگی : سؤال درس عربی سال تحصیلی ۹۸ - ۹۷		نام واحد آموزشی : فیض کاشانی پایه دهم رشته معارف نام دبیر : خانم لبافی
ترجم العبارات التالية :		وقت امتحان : ۹۰ دقیقه تاریخ امتحان : ۹۸/۳/۱۸ تعداد برگه سؤال : ۴ صفحه
۱	<p>۱ كيف نَمَت مِن حَيَّةٍ و كيف صارت شجرة</p> <p>۲ اِنِّي رَأَيْتُ خِصَالاً مِن هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي.</p> <p>۳ إِذَا سَمِعَ مِن مَعْلَمِهِ مَسْأَلَةً أَوْ حِكَايَةً يَعْرِفُهَا، يَسْتَمِعُ إِلَيْهِ كَأَنَّهُ مَا سَمِعَ بِهَا مِن قَبْل.</p> <p>۴ قَدْ جَفَّ الْكَثِيرُ مِنَ الْعَيُونِ وَ الْمُسْتَنْقَعَاتِ وَ الْبُحَيْرَاتِ.</p> <p>۵ اِگرچه دیر بماندم امید برنگرفتم مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي</p> <p>۶ يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأَوْا عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغُرُقِ.</p> <p>۷ حِينَئِذٍ عَرَفَ الْكُفَّارُ أَنَّ الَّذِي كَانَ فِي الْفِرَاشِ هُوَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ).</p>	۰/۷۵ ۰/۵ ۱ ۱ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵
۲	<p>إِنْتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ :</p> <p>۱ لا فِقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.</p> <p>– فقير بدتر از نادانی وجود ندارد.</p> <p>– هیچ فقری بدتر از نادانی نیست.</p> <p>۲ رَكِبْنَا حَافِلَةً. كَانَتِ الْحَافِلَةُ نَظِيفَةً.</p> <p>– اتوبوسی سوار شدیم. آن اتوبوس تمیز بود.</p> <p>– اتوبوسی که سوار شدیم، تمیز بود.</p>	۰/۵

۱	<p>صَعَّ فِي الدَّائِرَةِ العَدَدَ المُنَاسِبِ. (جَمَلَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ)</p> <p>۱ <input type="checkbox"/> إِنَّ مَعَ اليَوْمِ غَدًا.</p> <p>۲ <input type="checkbox"/> الفِئَاضُ العَتِيقُ.</p> <p>۳ <input type="checkbox"/> السَّوَارُ</p> <p>۴ <input type="checkbox"/> السَّيْفُ</p> <p>۵ <input type="checkbox"/> زِينَةُ مِنَ الذَّهَبِ وَ الفِضَّةِ فِي يَدِ المَرَأَةِ</p> <p>۶ <input type="checkbox"/> سِلَاحٌ لِلحَرْبِ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ</p> <p>۷ <input type="checkbox"/> نَمَكٌ خُورِدٌ وَ نَمَكِدَانٌ شَكِسَتْ</p> <p>۸ <input type="checkbox"/> خِرْقَةٌ</p> <p>۹ <input type="checkbox"/> فِرْدَايِي هَم هَسْت</p>	۳
۰/۵	<p>مَبَيَّنِ الصَّحِيحَ مِنَ الخَطَأِ.</p> <p>– العَمُّ أَخُو الأُمِّ وَ العَمَّةُ أُخْتُ الأُمِّ.</p> <p>– الأَنْفُ عَضْوُ التَّنَفُّسِ وَ السَّمُّ.</p> <p><input type="checkbox"/> صحیح <input type="checkbox"/> غیر صحیح</p> <p><input type="checkbox"/> صحیح <input type="checkbox"/> غیر صحیح</p>	۴
۱	<p>الحوار :</p> <p>۱ <input type="checkbox"/> مَنِ أَيْنَ أَسْتَلِمُ الأَدْوِيَةَ؟</p> <p>۲ <input type="checkbox"/> مَا هِيَ سَاعَةٌ دَوَامِكْ؟</p>	۵
۲	<p>عَيِّنِ الصَّحِيحَ :</p> <p>– ..... صَوْتُ قَوِيٌّ مِّنْ بَعِيدٍ فَخَافَ الجَمِيعَ .</p> <p>– سَعِيدٌ قَسَمَ المَزْرَعَةَ إِلَى ..... .</p> <p>– اسْمُ الفَاعِلِ مِّنْ يُعَلِّمُ</p> <p>– اسْمُ المَكَانِ مِّنْ يَكْتُبُ</p> <p>– وَجَعُ الرِّأْسِ</p> <p>– لَبِثَ الإِنْسَانُ ..... قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ .</p> <p>– نَزَلَ ..... مِّنْ طَائِرَاتِهِمْ .</p> <p>– أَنَا وَ زَمِيلِي ..... رَسَائِلَ عِبَرِ الإِنْتَرْنِتِ .</p> <p><input type="checkbox"/> سَمِعَ <input type="checkbox"/> سَمِعَ</p> <p><input type="checkbox"/> نَصْفَانِ <input type="checkbox"/> نَصْفَيْنِ</p> <p><input type="checkbox"/> مُعَلِّمٌ <input type="checkbox"/> عَالِمٌ</p> <p><input type="checkbox"/> مَكْتَبَةٌ <input type="checkbox"/> مَكْتُوبٌ</p> <p><input type="checkbox"/> المُضْرُ <input type="checkbox"/> الصُّدَاعُ</p> <p><input type="checkbox"/> يُفَكِّرُ <input type="checkbox"/> يَبْنِي</p> <p><input type="checkbox"/> الطَّيَارُونَ <input type="checkbox"/> الطَّيَارِينَ</p> <p><input type="checkbox"/> سَلِمْنَا <input type="checkbox"/> إِسْتَلَمْنَا</p>	۶
۶/۲۵	<p>جدول را با توجه به اسامی مشخص شده در عبارات زیر، کامل کنید.</p> <p>۱ <input type="checkbox"/> هُوَ يَكشِفُ عَن نَفْسِهِ بِرَدِ رَسولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) الأَخْضَرِ.</p> <p>۲ <input type="checkbox"/> قَدْ جَفَّ الكَثِيرُ مِنَ العُيُونِ.</p> <p>۳ <input type="checkbox"/> يُعْطَى الجَفَافُ أَقْلًا مِّنْ خَمْسَةِ عَشْرَةَ بِالمِئَةِ مِّنْ مَسَاحَةِ إِيْرَانِ.</p> <p>۴ <input type="checkbox"/> إِذَا يَكُونُ نَبِيًّا فَلِلنَّبَايِقِ فَضْلُهُ.</p>	۷

اسم	تعداد	جنس	نوع جنس	جامد مشتق	نوع مشتق	معرفه نکره	نوع معرفه	معرب مبنی
هو	مفرد	مذکر	حقیقی					
الأخضر	مفرد							معرب
العیون				جامد		معرفه	ذواللام	معرب
أقل	مفرد	مذکر						معرب
ایران	مفرد	مذکر		جامد				
السیاق		مذکر				معرفه	ذواللام	معرب
فصل	مفرد	مذکر						معرب

۲	جدول را با توجه به افعال مشخص شده در عبارات زیر، کامل کنید.							
	— عالمٌ یَنْتَفِعُ بعلمه خیرٌ مِنَ الْف عابد.							
	— تَعَادَلُ فَرِیْقَا کَرَةُ الْقَدَمِ فی جمیع مباریاتهم.							
	فعل	زمان	معلوم/مجهول	صیغه	مجرد/مزید	باب	معرب/مبنی	لازم/متعدی
	یَنْتَفِعُ			للفاع	مزید	افتعال		
	تَعَادَلُ	ماضی		للفاع				لازم

۱/۵	نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.							
	۱. إِنَّ کَرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ السِّیَاحِیِّ فی ایران.							
	۲. إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ.							
	۳. الْعَالَمُ بِالْعَمَلِ کَالشَّجَرِ بِالْأَثْمَرِ.							
	۴. زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ.							
	۵. لَيْتَ الْحَيَاةُ سَهْلَةً.							
۶. لَا أَحَدٌ حَاضِرٌ لِلذَّهَابِ.								

۱/۵	امتیازی: عبارت زیر را بطور کامل ترکیب کنید. تُوجِهُ السَّدُودُ إِخْفِاضًا بِالغَا فی مِیَاهِ الْأَرْضِ.							
-----	--	--	--	--	--	--	--	--





دبیران محترم و صاحب نظران می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی [nazar.roshd.ir](mailto:nazar.roshd.ir) یا نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴-۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی